

وجه تسمیه روستای بالو / Balo بالو / Balov بالو Bəlov از توابع شهر اورمیه
پژوهشی در حوزه توپونیمیا، اسطوره شناسی و ریشه شناسی تاریخی

فرهاد جواد یکان سعدی

(عبداله اوغلو)

ایمیل:

چکیده:

ferhadcavadi@yahoo.com

ferhadcavadiyekansadi@gmail.com
il.com

وابستگی:

زبان‌شناس و محقق فولکلور آذربایجان

در این مقاله، ریشه‌شناسی و منشأ نام روستای بالو / Balo بالو / Balov بالو Bəlov از توابع بخش روضه‌چای شهرستان اورمیه، بر پایه اسطوره شناسی ترکان باستان، باورهای دینی اقوام خاور نزدیک باستان و تحلیل تطبیقی ریشه شناختی مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس تحلیل تطبیقی منابع تاریخی، اسطوره شناختی و زبان شناختی، نگارنده این فرضیه را مطرح می‌سازد که توپونیم بالو / Balo بالو Balov، نامی اسطوره‌ای و مرکب است که از ترکیب نام خدای بعل (Bæl بِل Bæl، Bæl بِل Bæl، Bæl بِل Bæl) — که جایگاهی برجسته در نظام اساطیری فنیقی، کنعانی و اوگاریتی داشته است — با جزء او / او (ov / of) در زبان ترکی باستان پدید آمده است.

در این پژوهش، علاوه بر بررسی ریشه شناسی نام روستا، پیشینه تاریخی این سکونتگاه کهن، ارتباط نام آن با سنت‌های اسطوره‌ای خاور نزدیک باستان و همچنین نمونه‌ها و شواهد موجود در منابع مکتوب، با رویکردی تطبیقی مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.

کلمات کلیدی: بالو Balu، بالو Balo، بالو Balov، بِل Bæl // Bæl، بِل Bel، فنیقیان، اوگاریت، کنعان، ترکان باستان، اسطوره شناسی، ریشه شناسی، اورمیه، اورمیه، توپونیمیا.

استناد (آپا):

جواد یکان سعدی، ف. وجه تسمیه روستای بالو / Balo بالو / Balov بالو Bəlov از توابع شهر اورمیه، پژوهشی در حوزه توپونیمیا، اسطوره شناسی و ریشه شناسی تاریخی. اورمیه: فصلنامه تخصصی "مطالعات تاریخ آذربایجان و ترک" سال ۰۴، شماره ۱۲، تابستان ۱۴۰۵. ۸۶۹۰-۳۰۴۱ شاپا

Farhad Javadi Yekan Sadi
(Abdollah Oghlu)

Email:

ferhadcavadi@yahoo.com

ferhadcavadiyekansadi@gmail.com

Affiliation:

Linguist and Azerbaijani
Folklore Researcher

The Etymology of the Village of Balu (Balo / Balov / Bəlov), a Subordinate of Urmia City

A Study in Toponymy, Mythology, and Historical Etymology

Abstract:

This article examines the etymology and origin of the name of the village of Balu (Balo / Balov / Bəlov), located in the Rozheh-Chai district of Urmia County, based on the mythology of the ancient Turks, the religious beliefs of the ancient Near Eastern peoples, and comparative etymological analysis. Through a comparative analysis of historical, mythological, and linguistic sources, the author proposes the hypothesis that the toponym *Balo (Balo / Balov)* is a mythological compound name, formed by combining the name of the god *Ba'al (Bəəl / Bəl / Bə'el / Bel / Bal)* — who held a prominent place in the Phoenician, Canaanite, and Ugaritic mythological systems — with the component *-ov / -of* from the ancient Turkish language.

In this study, in addition to examining the etymology of the village name, the historical background of this ancient settlement, the connection of its name to the mythological traditions of the ancient Near East, as well as examples and evidence found in written sources, are analyzed and evaluated through a comparative approach.

Keywords: Balu, Balo, Balov, Bəlov, Ba'al (Bəəl / Bə'əl), Bel, Phoenicians, Ugarit, Canaan, Ancient Turks, Mythology, Etymology, Urmia, Orumieh, Toponymy.

CITATION (APA):

Javadi Yekan Sadi, F. The Etymology of the Village of Balu (Balo / Balov / Bəlov), a Subordinate of Urmia City, A Study in Toponymy, Mythology, and Historical Etymology. Urmia: "Studies on Azerbaijan and Turk's history" Specialized Journal, year 04, number 12, Summer 2026, ISSN: 3041-8690.

Urmiya şəhərinin Balov//Bəlov kənd adının etimologiyası: Toponimik, mifoloji və tarixi-etimoloji tədqiqat

Fərhad Cavadi Yekan Sədi

(Abdulla Oğlu)

E-poçt:

ferhadcavadi@yahoo.com

ferhadcavadiyekansadi@gmail.com

Mənsubiyyət:

Dilçi və Azərbaycan folkloru
tədqiqatçısı

Xülasə:

Bu məqalədə Urmiya şəhərinin Rövzəçay inzibati bölgəsinə daxil olan Balo / Balov / Bəlov kənd adının etimologiyası və mənşəyi qədim türk mifologiyası, Ön Asiya xalqlarının dini təsəvvürləri və müqayisəli etimoloji təhlil əsasında araşdırılır. Müxtəlif tarixi, mifoloji və linqvistik mənbələrin müqayisəli təhlili nəticəsində müəllif belə bir hipotez irəli sürür ki, Balo // Balov toponimi qədim Finikiya–Kən'an (Kün'an) –Uqarit mifoloji sistemində mühüm yer tutan Baal (Bəəl (Bə'əl) /Bəl/Bal) tanrı adı ilə qədim türk dilində işlənmiş ov/of komponentinin birləşməsindən formalaşmış mürəkkəb mifoloji addır. Məqalədə həmçinin kəndin qədim yaşayış məskəni olması, onun adının Ön Asiya mifoloji ənənələri ilə əlaqəsi və müxtəlif yazılı mənbələrdə rast gəlinən paralellər müqayisəli şəkildə təhlil edilir.

Açar sözlər: Balo, Balov, Bəlov, Baal, Bəl, Finikiyalılar, Uqarit, Kən'an (Kün'an), qədim türklər, mifologiya, etimologiya, Urmiya, toponimika.

CITATION (APA):

Cavadi Yekan Sədi, F. Urmiya şəhərinin Balov//Bəlov kənd adının etimologiyası: Toponimik, mifoloji və tarixi-etimoloji tədqiqat. Urmiya: "Azərbaycan və Türk tarixi araşdırmalar" İxtisaslaşdırılmış Jurnal, il 04, nömrə 12, Yay 2026, ISSN: 3041-8690.

Ferhat Cevadi Yekan Sadi

(Abdullah Oğlu)

E-posta:

ferhadcavadi@yahoo.com

ferhadcavadiyekansadi@gmail.com

Üyelik:

Dilbilimci ve Azerbaycan
folkloru araştırmacısı

Urmiye Kentine Bağlı Balov Köy Adının Etimolojisi: Toponimik, Mitolojik ve Tarihsel-Etimolojik Bir Araştırma

Özet:

Bu makalede, Urmiye kentinin Revzeçay idari bölgesinde yer alan Balo/Balov/Belov köy adının etimolojisi ve kökeni, eski Türk mitolojisi, Ön Asya halklarının dinî tasavvurları ve karşılaştırmalı etimolojik çözümleme temelinde incelenmektedir. Tarihi, mitolojik ve dilbilimsel kaynakların karşılaştırmalı değerlendirilmesi sonucunda yazar, Balo/Balov toponiminin, eski Fenike–Ken‘an–Ugarit mitolojik sisteminde önemli bir yere sahip olan Baal (Be‘el/Bel/Bal) teonimi ile Eski Türkçede kullanılan ov/of unsurunun birleşmesiyle oluşmuş bileşik bir mitolojik ad olduğu yönünde bir hipotez ileri sürmektedir.

Makalede ayrıca köyün eski bir yerleşim merkezi olduğu, adının Ön Asya'nın mitolojik gelenekleriyle ilişkisi ve çeşitli yazılı kaynaklarda rastlanan paralellikler karşılaştırmalı olarak değerlendirilmektedir.

Anahtar Kelimeler: Balu, Balo, Balov, Belov, Baal, Bel, Fenikeliler, Ugarit, Ken‘an, Eski Türkler, mitoloji, etimoloji, Urmiye, toponimi.

CITATION (APA):

Cevadi Yekan Sadi, F. Urmiye Kentine Bağlı Balov Köy Adının Etimolojisi: Toponimik, Mitolojik ve Tarihsel-Etimolojik Bir Araştırma. Urmiye: Üç Aylık "Azerbaycan ve Türkiye Tarihi Üzerine Araştırmalar" Uzmanlık Dergi, yıl 04, sayı 12, Yaz 2026, ISSN: 3041-8690.

مقدمه

اهمیت و ضرورت پژوهش

توپونیم‌ها از مهم‌ترین منابع علمی برای مطالعه تاریخ کهن، ترکیب قومی، زبان، جهان‌بینی دینی - اسطوره‌ای و مراحل تحول فرهنگی هر ملت به‌شمار می‌آیند. به‌ویژه نام سکونتگاه‌هایی که طی هزاران سال تداوم حیات داشته‌اند، از آن جهت که لایه‌های کهن زبانی و باورهای اسطوره‌ای را در خود حفظ کرده‌اند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. روستای بالو / Balov بالوو Balov واقع در حوزه ارومیه نیز یکی از همین سکونتگاه‌های کهن محسوب می‌شود.

با وجود این، منشأ و ریشه‌شناسی توپونیم بالو / Balov بالوو Balov تاکنون به صورت نظام‌مند مورد بررسی قرار نگرفته و پژوهش‌های موجود عمدتاً به ویژگی‌های آوایی و واژگانی آن محدود مانده‌اند. همچنین، پیوندهای احتمالی این نام با اسطوره شناسی خاور نزدیک باستان، نظام‌های دینی و لایه‌های تاریخی - ریشه‌شناختی آن، تاکنون موضوع پژوهشی مستقل قرار نگرفته است.

پژوهش حاضر با هدف پر کردن بخشی از این خلأ علمی تدوین شده و می‌کوشد با بهره‌گیری از روش تطبیقی و استناد به منابع تاریخی، اسطوره‌شناختی و زبان‌شناختی، منشأ و تحول تاریخی این توپونیم را مورد بررسی قرار دهد.

هدف پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، بررسی ریشه‌شناسی نام روستای بالو / Balov بالوو Balov واقع در بخش روضه‌چای شهرستان ارومیه از منظر تاریخی، ریشه‌شناسی تطبیقی و اسطوره‌شناختی، تحلیل دیدگاه‌های علمی موجود و تبیین فرضیه ریشه‌شناختی ارائه شده از سوی نگارنده بر پایه منابع و شواهد تاریخی کهن است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش از روش‌های تاریخی - تطبیقی، تحلیل ریشه‌شناختی، تحلیل معناشناختی، مقایسه توپونیمیک، مطالعه تطبیقی بن‌مایه‌های اسطوره‌ای و تحلیل منابع مکتوب کهن بهره گرفته شده است. در جریان تحقیق، منابع مربوط به اساطیر بین‌النهرین باستان، فنیقی، کنعانی، اوگاریتی و مصر باستان، همچنین آثار علمی معاصر در حوزه‌های تاریخ، قوم‌شناسی و توپونیمیا، به صورت تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند. شایان ذکر است که برخی از بازسازی‌های ریشه‌شناختی و نتایج تاریخی ارائه‌شده در این مقاله، به‌عنوان فرضیه‌های علمی نگارنده مبتنی بر تحلیل‌های تطبیقی مطرح شده‌اند.

نواوری پژوهش

نواوری‌های علمی این پژوهش را می‌توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

- برای نخستین بار، توپونیم بالو / Balo / بالوو / Balov / بَلُوو Bəlov به صورت جامع در چارچوب نظام اسطوره‌ای فنیقی - کنعانی - اوگاریتی مورد بررسی تطبیقی قرار گرفته است.
- اجزای تشکیل‌دهنده این توپونیم، یعنی «بال / Bal / بَل» Bel/ بَل «Bə`əl و «وَو / ov/ اُوف» of، به طور مستقل از منظر ریشه شناختی و معناشناختی تحلیل شده‌اند.
- پیوندهای احتمالی این توپونیم با اساطیر سومر و مصر باستان بر اساس رویکرد تطبیقی مورد مطالعه قرار گرفته است.
- برخلاف دیدگاه‌های موجود، فرضیه‌ای جدید درباره منشأ و ریشه شناسی این نام از سوی نگارنده ارائه و با استناد به منابع تاریخی و اسطوره شناختی گوناگون تبیین و مستند شده است.

بیان مسئله

نام روستای بالو / Balo / بالوو Balov تاکنون عمدتاً در پژوهش‌های محلی مورد اشاره قرار گرفته و ریشه شناسی آن تنها به صورت محدود بررسی شده است. در ادبیات موجود، بیشترین توجه به دیدگاه حمید شافعی درباره ارتباط این نام با واژه ترکی «بالغ / Balıĝ / بالغ Baluĝ معطوف بوده است. همچنین، هرچند در برخی منابع از نام کهن این روستا با صورت «پالو» (Palu) یاد شده، اما درباره پیشینه تاریخی و مبانی ریشه‌شناختی این نام، توضیح جامع و مستندی ارائه نشده است. در مقابل، مقاله‌ی حاضر این موضوع را در چارچوبی گسترده‌تر و با رویکردی تاریخی - تطبیقی مورد بررسی قرار می‌دهد و با استناد به داده‌های اسطوره شناختی و تاریخی، فرضیه‌ای نوین را مطرح می‌سازد که بر اساس آن، منشأ این توپونیم با نظام‌های اسطوره‌ای فنیقی، کنعانی، اوگاریتی، سومری و مصر باستان ارتباط داده می‌شود.

۱. ویژگی‌های جغرافیایی و پیشینه تاریخی روستای بالو / Balo / بالوو Balov

روستای بالو / Balo / بالوو Balov از توابع بخش روضه‌چای شهرستان ارومیه، از دیرباز یکی از کهن‌ترین، بزرگ‌ترین و شناخته‌شده‌ترین سکونتگاه‌های این شهرستان به‌شمار می‌رود. بر اساس منابع تاریخی و اطلاعات محلی، این روستا طی دهه‌های متمادی اخیر یکی از مراکز مهم جمعیتی و زیستی منطقه ارومیه بوده است. این روستا در حدود ۶ کیلومتری شمال غربی شهر ارومیه و در فاصله ۱ کیلومتری غرب جاده ارومیه-سلماس، در منطقه‌ای هموار با اقلیمی معتدل واقع شده است. موقعیت جغرافیایی مناسب، اراضی حاصلخیز و منابع آبی کافی، از مهم‌ترین عوامل تداوم استقرار و پایداری سکونت در این منطقه به‌شمار می‌آیند. ساکنان روستای بالوو Balov از گذشته‌های دور پیرو مذهب سنی بوده و زبان رایج آنان ترکی آذربایجانی بوده است. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، در پی مهاجرت شماری از خانواده‌های کرد به این روستا، جمعیت آن به‌طور قابل‌توجهی افزایش

یافت. در حال حاضر، علاوه بر ترک‌های بومی که ساکنان اصلی و اولیه روستا محسوب می‌شوند، خانواده‌های کردی که بعدها (پس از انقلاب ۵۷) در این منطقه ساکن شده‌اند نیز در کنار آنان زندگی می‌کنند.

بر اساس آخرین آمارهای رسمی، جمعیت روستای بالو / Balov بالوو Balov از ۱۶ هزار نفر فراتر رفته است؛ از این رو، این روستا را می‌توان یکی از بزرگ‌ترین سکونتگاه‌های روستایی ایران به‌شمار آورد.

منابع

- ۱- مرکز آمار ایران. (Statistical Center of Iran) آخرین نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن (برای آمار جمعیت).
- ۲- شافعی، حمید؛ آیریمی، جمال. بالوولو مسکین. صص. ۲۱-۲۲.
- ۳- مجله اینترنتی ارومیه. (منبع الکترونیکی).

۲. پیشینه پژوهش درباره توپونیم بالو

ریشه شناسی توپونیم بالوو / Balov بالوو Bəlov تاکنون موضوع پژوهش‌های گسترده و نظام‌مند علمی قرار نگرفته است. بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که مهم‌ترین پژوهشگرانی که در این زمینه دیدگاهی مشخص ارائه کرده‌اند، حمید شافعی است. وی در کتاب «بالوولو مسکین»، منشأ این توپونیم را با واژه کهن ترکی «بالیغ / Balıǵ baluğ» به معنای «شهر» مرتبط دانسته و معتقد است که نام بالوو Balov در اصل صورت دگرگون‌شده و تحول‌یافته همین واژه کهن ترکی است.^۱

حمید شافعی در تأیید این دیدگاه، نام روستای بالوو Balov را با برخی از توپونیم‌های کهن ترکی، از جمله «خان بالیغ-Xan» «balıǵ», «بئش بالیغ Beş-balıǵ» و «یئنگی بالیغ Yengi-balıǵ» مقایسه می‌کند. به اعتقاد وی، همان‌گونه که این نام‌ها در زبان‌های ترکی به معنای «شهر» به کار رفته‌اند، نام بالوو Balov نیز می‌تواند از همان ریشه مشتق شده باشد. وی همچنین وجود آبادی‌ای به نام «بَلُو» Bəlov در ترکستان شرقی را نیز مؤیدی بر این فرضیه می‌داند.

نویسنده در ادامه (ص. ۲۲) می‌افزاید که امروزه نیز در منطقه آرغو، واقع میان شهرهای بالاساغون و طراز در ترکستان، آبادی‌ای به نام «بَلُو» Bəlov وجود دارد. وی با استناد به این واقعیت تاریخی که بخشی از طوایف و قبایل ترک در حدود ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد از آسیای مرکزی و ترکستان به آذربایجان مهاجرت کرده و سپس از آذربایجان به بین‌النهرین و مناطق غربی و جنوبی ایران کوچیده‌اند، نتیجه می‌گیرد که نام‌های «بالوو Balov» و «بَلُو» Bəlov نیز می‌توانند متعلق به همان اقوام ترک‌تبار باشند. بر همین اساس، وی احتمال می‌دهد که نام روستای بالوو / Balov بالوو Bəlov نیز صورت دگرگون‌شده واژه «بالیغ Balıǵ» یا «بالوğ Baluğ» باشد.^۲

با این حال، از دیدگاه نگارنده این مقاله، ریشه‌شناسی توپونیم بالوو Balov را نمی‌توان صرفاً به واژه کهن ترکی «بالیغ» محدود ساخت. ساختار آوایی این نام، همانندی‌های آن با برخی عناصر موجود در نظام‌های اسطوره‌ای باستان و نیز پیوندهای تاریخی و فرهنگی آن، این احتمال را مطرح می‌سازد که این توپونیم دارای لایه‌های معنایی و تاریخی بسیار کهن‌تری نیز باشد. بی‌تردید، تبیین ریشه شناختی ارائه شده از سوی حمید شافعی، با توجه به وجود واژه «بالیغ Balıġ» در زبان‌های کهن ترکی، دیدگاهی قابل تأمل و شایان توجه است؛ با این وجود، این دیدگاه به بررسی ابعاد اسطوره‌ای و دینی احتمالی این توپونیم نپرداخته است. از این‌رو، این احتمال که نام بالوو Balov دارای مؤلفه‌های معنایی و اسطوره‌ای کهن‌تری باشد، نیازمند پژوهشی مستقل و تحلیلی گسترده تر است.

بررسی تطبیقی منابع تاریخی، اسطوره‌شناختی و زبان‌شناختی، نگارنده را به طرح فرضیه‌ای متفاوت درباره منشأ توپونیم بالوو Balov رهنمون ساخته است. این فرضیه بر مطالعه تطبیقی منابع اسطوره‌ای فنیقی، کنعانی، اوگاریتی، سومری و مصری استوار است.

بر همین اساس، در بخش‌های بعدی این مقاله، توپونیم بالوو Balov در پرتو داده‌ها و شواهد برگرفته از اساطیر و سنت‌های دینی فنیقی، کنعانی، اوگاریتی، سومری و مصر باستان، به‌صورت تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

۳. تحلیل ریشه شناختی توپونیم بالوو Balov

تحلیل ریشه شناختی این توپونیم نشان می‌دهد که نام «بالوو» Balov را نمی‌توان صرفاً از منظر آوایی مورد بررسی قرار داد، بلکه این نام باید از دیدگاه‌های معناشناختی، اسطوره شناختی و تاریخی نیز تحلیل شود. تبیین توپونیم‌ها تنها بر پایه دگرگونی‌های آوایی، در بسیاری از موارد برای آشکار ساختن لایه‌های کهن معنایی و تاریخی آنها کافی نیست. از این‌رو، در پژوهش حاضر، نام «بالوو» Balov با بهره‌گیری از روش تاریخی - تطبیقی و در پرتو اساطیر خاور نزدیک باستان، واژگان کهن ترکی و اصطلاحات دینی و آیینی باستان، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است.

۴. مبانی نظری پژوهش

این پژوهش در نقطه تلاقی توپونیمیای تاریخی، زبان‌شناسی تاریخی - تطبیقی، مطالعات اسطوره شناختی و تاریخ خاور نزدیک باستان انجام گرفته است. در این تحقیق، اصل اساسی آن بوده است که در مطالعه توپونیم‌ها، تنها به دگرگونی‌های آوایی اکتفا نشود، بلکه لایه‌های معنایی، اسطوره‌ای و دینی آنها نیز مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا در بسیاری از موارد، این لایه‌ها با وجود تحولات آوایی، همچنان در ساختار نام‌های جغرافیایی حفظ شده‌اند.

در چارچوب تحلیل‌های تطبیقی، منابع مربوط به تمدن‌ها و فرهنگ‌های سومر، آکد، فنیقی، کنعانی، اوگاریت و مصر باستان با یکدیگر مقابله و مقایسه شده و داده‌های توپونیمیک، اسطوره‌شناختی و تاریخی آنها به صورت منظم و نظام‌مند مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

۵. روش‌های مورد استفاده

در این پژوهش از روش‌های زیر استفاده شده است:

- روش تاریخی - تطبیقی؛
- تحلیل ریشه‌شناختی؛
- تحلیل معناشناختی؛
- مقایسه توپونیمیک؛
- مطالعه تطبیقی اساطیر؛
- تحلیل تطبیقی منابع تاریخی؛
- بررسی تطبیقی آنروپونیم‌ها (نام‌های اشخاص) و تنونیم‌ها (نام‌های ایزدان).

تحلیل تاریخی - تطبیقی توپونیم بالوو Balov

بررسی منشأ نام روستای بالوو / Balov بالوو Bəlov نشان می‌دهد که ریشه‌شناسی این توپونیم را نمی‌توان صرفاً بر پایه همانندی‌های آوایی تبیین کرد. شکل‌گیری توپونیم‌ها در بسیاری از موارد، ارتباطی تنگاتنگ با زبان، جهان‌بینی دینی، باورهای اسطوره‌ای و فرایندهای تاریخی مهاجرت اقوام باستانی داشته است. از این رو، در تبیین منشأ توپونیم بالو / Balo بالوو Balov، افزون بر داده‌های زبان‌شناختی، تحلیل تطبیقی منابع اسطوره‌ای و تاریخی خاور نزدیک باستان نیز ضرورتی انکارناپذیر دارد. بررسی منابع موجود نشان می‌دهد که تنها دیدگاه نظام‌مند درباره ریشه‌شناسی نام بالوو / Balov بالوو Bəlov عمدتاً در پژوهش‌های حمید شافعی ارائه شده است. وی در کتاب بالوولو مسکین، این نام را با واژه کهن ترکی «بالیغ / بالوغ» به معنای «شهر» مرتبط دانسته و بر همین اساس، تبیینی ریشه‌شناختی برای آن پیشنهاد کرده است.¹⁻²

این دیدگاه، از منظر توپونیمیای تاریخی زبان‌های ترکی، نظریه‌ای قابل توجه و شایسته بررسی به شمار می‌آید.

با این حال، از دیدگاه نگارنده این مقاله، منشأ توپونیم بالو / Balo بالوو Balov لزوماً به این تبیین محدود نمی‌شود. ساختار آوایی این نام، همانندی‌های آن با برخی نام‌ها و مفاهیم موجود در منابع مکتوب باستان و نیز مشابهت‌های مشاهده شده در نظام‌های اسطوره‌ای گوناگون، این احتمال را مطرح می‌سازد که این توپونیم دارای لایه‌های معنایی و تاریخی کهن‌تری نیز باشد.

بر همین اساس، در این پژوهش، داده‌های مربوط به سنت‌های اسطوره‌ای فنیقی، کنعانی، اوگاریتی، سومری و همچنین مصر باستان، با رویکردی تطبیقی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

در خصوص ریشه‌شناسی نام این روستا، باید یادآور شد که بر پایه پژوهش‌های گسترده انجام شده از سوی نگارنده، منشأ این نام به اساطیر ترکان باستان بازمی‌گردد. نام این روستا در گویش و محاوره مردم محل به صورت‌های «بالوو» Balov و «بَلوو» Bəlov تلفظ می‌شود و در زبان فارسی به صورت «بالو» Balo نوشته می‌شود. نتایج تحقیقات نگارنده نشان می‌دهد که وجود این نام در میان ترکان فنیقی، کنعانی و اوگاریتی امری تصادفی نبوده، بلکه با پیشینه تاریخی، میراث اسطوره‌ای و سنت‌های فرهنگی ترکان سومری ساکن آذربایجان باستان ارتباط دارد.

در مجله اینترنتی ارومیه، از نام کهن این روستا با صورت «پالو» (Palu / Palo) یاد شده است؛ با این حال، درباره ریشه‌شناسی و منشأ تاریخی این نام، هیچ‌گونه توضیح یا تحلیل تکمیلی ارائه نشده است.^۳ با وجود این، همین گزارش، احتمال وجود صورت‌های کهن‌تر آوایی این توپونیم را مطرح می‌سازد و ضرورت بررسی آن را در چارچوبی گسترده تر و از منظر تاریخی و ریشه‌شناختی بیش از پیش آشکار می‌کند.

بر اساس پژوهش‌های تطبیقی انجام شده از سوی نگارنده، یکی از نکات قابل توجه، وجود همانندی احتمالی میان نام بالو Balo / بالوو Balov و نام «بَلو» Bəlu، بَعْلی (Bəli (Bēlu / Ba'li "است که در شمار آنتروپونیم‌های فرمانروایان فنیقی دیده می‌شود. ساباتینو موسکاتی با استناد به سالنامه‌های اسرحدون (Esarhaddon)، از فرمانروای شهر صور (Thur Sur) / یا نام "بالو" Balu/ "بَلو Bəlu یاد می‌کند.^۴ این گزارش نشان می‌دهد که صورت «بالو»، «بَلو» / «بَلو» در خاور نزدیک باستان، افزون بر آنکه به‌عنوان یک نام شخصی به‌کار می‌رفته، با ساختار قدرت و فرمانروایی سیاسی نیز پیوند داشته است. با این همه، باید تأکید کرد که این همانندی را نمی‌توان دلیلی قطعی بر وجود ارتباط مستقیم تاریخی میان این نام و توپونیم بالوو Balov / بَلوو Bəlov دانست؛ بلکه این قرینه، صرفاً فرضیه‌ای است که می‌تواند مبنایی برای بررسی‌ها و مطالعات تطبیقی بیشتر فراهم آورد.

افزون بر این، در منابع علمی زیر نیز اطلاعات ارزشمندی درباره کیش بَعْل (Baal/Bəʾal)، اساطیر فنیقی و اوگاریتی و نیز فرمانروایی با نام بَعْل (Ba'lu) در روزگار اسرحدون ارائه شده است:

• Sabatino Moscati, The Phoenicians, London: Weidenfeld & Nicolson, 1968 (و چاپ‌های

بعدی): دربردارنده اطلاعات مربوط به فرمانروایان فنیقی و پادشاهان شهر صور. (Tyre / Sur)

• Mark S. Smith, The Ugaritic Baal Cycle, Brill, 1994–2009: از مهم‌ترین پژوهش‌های علمی درباره

آیین و اسطوره بَعْل در اوگاریت.

• رقیه بهزادی، قوم‌های کهن در قفقاز، ماورای قفقاز و بین‌النهرین، ص. ۲۷۱: شامل مباحث مربوط به جایگاه، کارکردها و نمادپردازی ایزد بعل در اساطیر کنعانی.

بر همین اساس، نگارنده در این مقاله، توپونیم بالوو / Balov / بَلُوو Bəlov را در چارچوب نظام‌های اسطوره‌ای باستان مورد تحلیل قرار داده و ساختار معنایی آن را بر پایه دو مؤلفه اصلی «بال / Bal / بَل / Bel / بَل Bəl / بَل Bəʾəl و «اوو / Ov / اَوْف Of» بررسی می‌کند. در بخش‌های بعدی، هر یک از این دو مؤلفه، به‌طور مستقل و با استناد به منابع کهن و پژوهش‌های علمی موجود، از منظر ریشه‌شناختی، معناشناختی و اسطوره‌شناختی تحلیل خواهند شد.

تحلیل اسطوره‌شناختی و ریشه‌شناختی مؤلفه «بَل (Bal / Bəl / Bəʾal)»

بر پایه پژوهش‌های تطبیقی انجام‌شده از سوی نگارنده، مؤلفه نخست توپونیم بَلُوو / Bəlov / بالوو Balov، یعنی «بال / بَل / بَل Bəl / Bəl / Bəʾəl»، با تئونیم «بَل (Baʾal / Bəʾəl)»، که جایگاهی برجسته در سنت‌های دینی و اسطوره‌ای اقوام فنیقی، کنعانی و اوگاریتی با ریشه ترکی/آذربایجانی داشته است، ارتباط داده می‌شود. بر اساس فرضیه نگارنده، این نام ایزدی کهن، می‌تواند هسته اصلی و بنیاد معنایی این توپونیم را تشکیل داده باشد.

در منابع باستانی فنیقی و کنعانی، بَل (Bəʾal) از مقتدرترین موجودات الهی و یکی از مهم‌ترین ایزدان به‌شمار می‌رفت. رقیه بهزادی در کتاب "قوم‌های کهن در قفقاز، ماورای قفقاز و بین‌النهرین" می‌نویسد که در جهان‌بینی دینی کنعانیان، بَل Bəʾal به‌عنوان ایزد نگهبان نظم، خدای توفان، باران و باروری شناخته می‌شد. کارکردها و ویژگی‌های این ایزد، از جهاتی با خدایانی چون انلیل، آداد، مردوک و آشور در پانتئون بین‌النهرین شباهت دارد. نماد اصلی بَل، گاو نر بود و این حیوان، مظهر قدرت، باروری و فرمانروایی محسوب می‌شد.

رقیه بهزادی در صفحه ۲۷۱ کتاب قوم‌های کهن چنین می‌نویسد:

«در کنعان، بَل ایزد نگهبان نظم در برابر بی‌نظمی و آشوب به‌شمار می‌رفت. بَل، همانند خدایان بین‌النهرین، یعنی انلیل، آداد، مردوک و آشور، خدای توفان و مجری دادگاه آسمانی بود. حیوان نمادین این ایزد، همانند انلیل و آداد، گاو نر بود و در آیین‌های نیایشی از آن استفاده می‌شد. شاخ‌های این گاو به‌عنوان نماد «بَل» بر روی کلاه‌خودها نصب می‌شد. در نقش‌برجسته‌ها و پیکره‌ها، بَل به‌صورت جنگاوری با دامن کوتاه، خنجر بر کمر و در حالت آماده‌نبرد به تصویر کشیده شده است. در یک دست گرز و در دست دیگر نیزه‌ای دارد که دسته آن به شکل شاخه‌ها و برگ‌های درخت تصویر شده است. قلمرو فعالیت بَل به گستردگی قلمرو انلیل نبود و بیشتر به پدیده‌های طبیعی محدود می‌شد. بَل با گیاهانی که تحت حمایت او بودند شناخته می‌شد و لقب «پسر داگان» نیز مؤید همین معناست؛ زیرا داگان، ایزد غلات و فراورده‌های کشاورزی به‌شمار می‌رفت.»⁵

بر پایه دیدگاه مطرح شده از سوی نگارنده، در باورهای دینی فنیقیان ترک تبار یا با ریشه ترکی، نیروهای الهی غالباً با نماد گاو
نر پیوند داشته اند. از منظر این تفسیر، این امر تصادفی نبوده است؛ زیرا در فرهنگ فنیقی و کنعانی، مفاهیمی چون قدرت،
باروری و فرمانروایی به گونه ای نمادین در پیکره گاو نر تجسم می یافت. از این رو، حضور این نماد در شمایل نگاری ایزد بعل را
می توان از ویژگی های برجسته سنت های دینی و اسطوره ای آن فرهنگ ها دانست.

بر اساس فرضیه نگارنده، بِل / بال / بعل در اساطیر فنیقی، از لحاظ قدمت، حتی کهن تر از ایزد ال (El) به شمار می رفته است.
به طور کلی، ایزدان کنعانی غالباً با عنوان «بعل» شناخته می شدند. از این رو، می توان چنین برداشت کرد که «بعل» در اصل نام
خاص نبوده، بلکه عنوان یا لقبی دینی بوده است که نام حقیقی و مقدس ایزد یا ایزدان در پس آن پنهان می مانده است. بنا بر
دیدگاه نگارنده، فنیقیان، کنعانیان و اوگاریتی های ترک تبار از بر زبان آوردن نام واقعی خدای خویش خودداری می کردند؛ زیرا
بر این باور بودند که اگر بیگانگان نام حقیقی آن ایزد را بدانند و او را به نام فرا بخوانند، ممکن است از برکات و مواهب وی
بهره مند شوند یا حتی سبب شوند که آن ایزد از قوم و پیروان برگزیده خود روی برگرداند.

منابع موجود نشان می دهد که کیش بعل به یک شهر یا مرکز خاص محدود نبوده است. برعکس، در دولت شهرهای گوناگون
فنیقی، هر شهر بعل ویژه خود را داشته است. از همین رو، شماری از پژوهشگران بر این باورند که واژه «بعل» بیش از آنکه نام
یک ایزد مشخص باشد، عنوانی دینی یا صفتی آیینی بوده که برای ایزدان مختلف به کار می رفته است. بر این اساس، مؤلفه
«بعل» در مناطق گوناگون می توانسته بر موجودات الهی متفاوتی دلالت داشته باشد.

در منابع اسطوره شناختی، ایزد بعل با نام هَدَد یا حاداد (Hadad) نیز شناخته می شود. هَدَد/ حاداد، ایزد هوا، رعد و برق، باران
و توفان به شمار می رفت. در شمایل نگاری های مربوط به او، معمولاً تاجی آراسته به شاخ های گاو نر بر سر دارد، در دست خود
نیزه ای در دست گرفته که یادآور صاعقه است و در پشت سر وی نیز تصویر گاو نر، به عنوان حیوان نمادین او، دیده می شود. این
ویژگی ها در آثار هنری آشوری و هیتی و نیز بر روی مهرهای استوانه ای نگهداری شده در موزه بوستون به روشنی قابل مشاهده
است.⁶

در دوره سلطه هیتی ها بر شمال سوریه نیز، هَدَد / حاداد همواره با تاجی مزین به شاخ های گاو نر به تصویر کشیده می شود که
این امر، جایگاه ویژه گاو نر را در نمادپردازی دینی و اسطوره ای این ایزد، بیش از پیش آشکار می سازد.

او نیزه خود را به سوی زمین فرومی افکند و دسته آن به گونه ای ساخته شده است که شکل شکسته و زیگزاگی آذرخش آسمانی
را تداعی می کند.

افزون بر این، بر یکی از مهرهای استوانه‌ای که امروزه در موزه بوستون نگهداری می‌شود، تصویر بعل - هَدَد Bael-Hadad نقش شده است. در این نقش، او با نیزه خود مردی را مغلوب ساخته و در پشت سر وی، حیوان نمادینش، یعنی گاو نر (وَرزا)، به تصویر کشیده شده است.⁶

به نظر نگارنده، چنین نمادپردازی‌هایی بخشی جدایی‌ناپذیر از سنت‌های دینی و اسطوره‌ای ترکان فنیقی، کنعانی و اوگاریتی بوده است.

بر پایه باورهای دینی فنیقیان، خدایان نیز همانند انسان‌ها، موجوداتی فانی و مرگ‌پذیر به‌شمار می‌آمدند و برای ادامه حیات به خوراک و نوشیدنی نیاز داشتند. از همین‌رو، برای آنان قربانی‌های فراوانی تقدیم می‌شد.

روی ویلیس (Roy Willis)، یکی از نویسندگان کتاب «اساطیر جهان (World Mythology)» که با ویراست علمی ویلیام داتی (William Doty) منتشر شده است، در صفحه ۳۱ می‌نویسد:

«بر اساس روایت کنعانی، بعل، ایزد توفان، با مار کیهانی یا اژدهایی به نام یام (Yam) که گفته می‌شود از دریا سر برآورده بود، وارد نبردی سخت می‌شود. بعل با بهره‌گیری از سلاح‌های جادویی که صنعتگران آسمانی برای او ساخته بودند، اژدهای کیهانی را نابود کرده و بقایای آن را در همه‌جا پراکنده می‌سازد. سپس با موت (Mot)، ایزد مرگ، خشکسالی و مظهر زمین، وارد نبردی خونین می‌شود. در آغاز، موت موفق می‌شود بعل را وادار سازد که برای نیمی از سال به جهان زیرین فرود آید و بدین ترتیب، خشکسالی تابستانی هر سال پدید می‌آید. اما ایزد برتر، ال (El)، فرمان می‌دهد که نبرد میان بعل و موت برای همیشه ادامه داشته باشد. اگر بعل پیروز شود، هفت سال فراوانی و برکت پدید خواهد آمد و اگر موت پیروز گردد، هفت سال خشکسالی و قحطی در پی خواهد داشت.»⁷

بر پایه این گزارش روی ویلیس، می‌توان چنین برداشت کرد که اسطوره بعل یا بال در میان ترکان فنیقی، کنعانی و اوگاریتی، از نظر ساختار روایی، شباهت‌هایی با روایت نبرد کیهانی مردوک و تیامت در اساطیر ترکان سومری دارد. از این منظر، در نظام اعتقادی این اقوام، بعل در اصل به‌عنوان ایزد هوا، باد و توفان شناخته می‌شده است.⁷

یادداشت: اصطلاحات «ترکان فنیقی»، «ترکان کنعانی»، «ترکان اوگاریتی» و «ترکان سومری» که در این مقاله به‌کار رفته‌اند، بیانگر فرضیه علمی نگارنده هستند. در تاریخ‌نگاری و پژوهش‌های رایج بین‌المللی، فنیقیان، کنعانیان و اوگاریتیان عموماً در زمره اقوام سامی شمال‌غربی طبقه‌بندی می‌شوند.

بر پایه این روایت، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در اسطوره کنعانی نقل‌شده توسط روی ویلیس، بعل با یام (Yam)، که تجسم نیروهای آشوبناک و کیهانی دریا است، وارد نبرد می‌شود و با یاری سلاح‌های الهی بر او پیروز می‌گردد. سپس با موت (Mot)، ایزد مرگ و خشکسالی، رویارویی می‌کند. بر اساس ساختار این روایت اسطوره‌ای، چیرگی متناوب بعل و موت، به‌عنوان الگویی

کیهان‌شناختی (Cosmogonic Model)، برای تبیین چرخه‌های باروری، فراوانی، خشکسالی و قحطی در طبیعت ارائه شده است.⁷

تأیید علمی

بخش عمده مطالب مطرح‌شده در این بخش، با نتایج پژوهش‌های معاصر درباره ادیان خاور نزدیک باستان و اساطیر اوگاریتی - کنعانی همخوانی دارد. به ویژه آثار زیر، برخی از دیدگاه‌های مطرح‌شده از سوی نگارنده را از منظر جایگاه و کارکرد اسطوره‌ای بَعل تأیید یا پشتیبانی می‌کنند:

۱. Mark S. Smith, The Ugaritic Baal Cycle, Vol. I, Leiden: Brill, 1994, pp. 1–80.

در این اثر، جایگاه بَعل به‌عنوان ایزد توفان، رعد و برق، باروری و فرمانروایی، همچنین نبردهای او با یام و موت به‌تفصیل تحلیل شده است.

۲. Mark S. Smith, The Early History of God: Yahweh and the Other Deities in Ancient Israel, 2nd ed., Grand Rapids: Eerdmans, 2002, pp. 81–110.

این کتاب جایگاه آیین بَعل را در نظام دینی کنعان و اوگاریت و نسبت آن را با دیگر ایزدان منطقه بررسی می‌کند.

۳. Sabatino Moscati, The Phoenicians, London: Weidenfeld and Nicolson, 1968, pp. 90–110.

نویسنده در این اثر به باورهای دینی فنیقیان، کیش بَعل و نظام ایزد - شهرهای فنیقی پرداخته است.

۴. John Gray, The Canaanites, London: Thames and Hudson, 1964, pp. 66–93.

در این پژوهش، ساختار دین کنعانی و نقش و کارکرد ایزدان بَعل و ال (El) بر پایه منابع تاریخی و اسطوره‌ای تبیین شده است.

۵. Roy Willis (ed.), World Mythology: The Illustrated Guide, London: Duncan Baird Publishers, 1993, pp. 31–33.

در این کتاب، روایت نبرد بَعل با یام و موت در چارچوب اسطوره‌شناسی تطبیقی جهان مورد بررسی قرار گرفته است.

بر اساس گزارش غلامرضا معصومی، نویسنده دایرةالمعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان، بالوا (Balua / Balu / Balova) نام یکی از سکونتگاه‌های باستانی منطقه "موآب (Moab)"، واقع در جنوب دریای مرده (بحرالْمِیت)، بوده است. در این محل، سنگ‌نوشته‌ای (استل) متعلق به ایزد بَعل Bə`al (Ba'al)، ایزدانو عَنات / آنات (Anat) و یکی از فرمانروایان موآب کشف شده است.⁸

به اعتقاد نگارنده، این مضامین اسطوره‌ای بخشی از سنت مشترک اسطوره‌ای اقوام خاور نزدیک باستان بوده‌اند؛ سنتی که در آن، مفاهیمی چون زندگی، مرگ، باروری و پدیده‌های طبیعی در قالب روایت‌های دینی و اسطوره‌ای تبیین می‌شدند. از این منظر، شخصیت بعل را نمی‌توان صرفاً در چارچوب نظام اعتقادی یک قوم خاص بررسی کرد، بلکه باید آن را در بستر گسترده‌تر اندیشه اسطوره‌ای سراسر خاور نزدیک باستان مورد ارزیابی قرار داد.

اگر مؤلفه نخست توپونیم بَلُوو / Bəlov / بالو Balov واقعاً با تثنویم «بال / بَل / بَعْل Bal/Bəl/Bəəl» ارتباط داشته باشد، در آن صورت می‌توان این احتمال را نیز مطرح کرد که این نام، افزون بر همانندی آوایی، حامل نوعی بار معنایی دینی و اسطوره‌ای نیز باشد. با این همه، چنین پیوندی نباید به‌عنوان یک واقعیت تاریخی قطعی تلقی شود، بلکه مناسب‌تر آن است که به‌عنوان فرضیه علمی نگارنده، مبتنی بر تحلیل تطبیقی منابع موجود، ارزیابی گردد.

تحلیل ریشه شناختی و اسطوره شناختی مؤلفه «اَوو / Ov / اَوْف Of»

بر اساس فرضیه ریشه‌شناختی مطرح‌شده از سوی نگارنده، مؤلفه دوم توپونیم بَلُوو / Bəlov / بالو Balov با واژه «اَوو (ov)» یا صورت آوایی آن «اَوْف (of)» در زبان‌های کهن ترکی ارتباط دارد. در این دیدگاه، این مؤلفه تنها یک واحد واژگانی تلقی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان عنصری کهن با بار معنایی، اسطوره‌ای و فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در زبان‌های ترکی، واژه «اَوو (ov)» عمدتاً در معانی «شکار»، «شکار کردن»، «صید»، «کشتن» و «نابود کردن» به کار رفته است. با توجه به این حوزه معنایی، نگارنده این احتمال را مطرح می‌کند که توپونیم بَلُوو / Bəlov / بالو Balov بتواند مفاهیمی چون «ایزد شکار»، «خدای نگهبان شکار» یا «نیروی الهی حاکم بر مرگ» را در خود بازتاب دهد.

از سوی دیگر، اگر مؤلفه «اَوو / Ov / اَوْف Of» بر پایه همانندی آوایی با واژه ترکی «او (ev)» به معنای خانه یا پرستشگاه تفسیر شود، در آن صورت این توپونیم می‌تواند مفاهیمی نظیر «خانه بعل»، «معبد بعل» یا «جایگاه نیایش بعل» را نیز القا کند.

به اعتقاد نگارنده، واژه «اَوو / اَوْف Of» در زبان‌های ترکی تنها به این معانی محدود نبوده، بلکه از جمله مفاهیم متعلق به واژگان اسطوره‌ای ترکان باستان نیز به‌شمار می‌رفته است. بر پایه این فرضیه، در نتیجه مهاجرت ترکان باستان، به‌ویژه ترکان فنیقی، اوگاریتی و کنعانی، از آذربایجان به سواحل دریای مدیترانه، این واژه به مصر نیز راه یافته و بازتاب آن را می‌توان در اساطیر مصر باستان مشاهده کرد.

در ادامه، نگارنده پیشنهاد می‌کند که مؤلفه «اَوو / اَوْف Of» با مفهوم «اَوْف (Auf / Of)» در اساطیر مصر باستان نیز به‌صورت تطبیقی مورد بررسی قرار گیرد. از این منظر، «اَوو Ov» یا صورت آوایی آن «اَوْف Of» در اساطیر مصر باستان، در معانی «خورشید - خدای مرده»، «خورشید - خدای در حال احتضار»، «خورشید - خدای جهان زیرین»، «خورشیدِ غروب‌کرده»،

«غروب خورشید» و «مرگ خورشید» به کار رفته و در ترکیب‌هایی چون «اُوو - رع» (Ov-Ra / Ov-Rə) یا «اُوف - رع» (Of-Ra / Of-Rə) شناخته شده است.

به باور نگارنده، این مقایسه از منظر بررسی انتقال، گسترش و تأثیر متقابل مضامین اسطوره‌ای میان اقوام خاور نزدیک باستان، شایان توجه و دارای اهمیت پژوهشی است.

ورونیکا آیونز (Veronica Ions)، از پژوهشگران برجسته اسطوره‌شناسی مصر باستان، بیان می‌کند که ایزد خورشید، رع (Ra)، در جریان سفر شبانه خود به جهان زیرین، با نام آوف - رع (Auf-Ra) شناخته می‌شد. در این مرحله، او دیگر خورشید پیروزمند و فرمانروای آسمان در روز نبود، بلکه به صورت موجودی الهی تصور می‌شد که مرحله مرگ، دگرگونی و تولد دوباره را می‌گذراند. ورونیکا آیونز در کتاب Egyptian Mythology (اساطیر مصر) می‌نویسد که آیین پرستش رع، احتمالاً از جزایر دریای مدیترانه یا قفقاز به مصر راه یافته است.⁹

به اعتقاد نگارنده، دیدگاه ورونیکا آیونز را می‌توان یکی از قرائنی دانست که از فرضیه ارتباط سنت‌های اسطوره‌ای مصر باستان با قفقاز و سرزمین آذربایجان پشتیبانی می‌کند. همچنین، از منظر فرضیه مطرح‌شده در این مقاله، این دیدگاه می‌تواند با نظریه‌ای که گسترش برخی از سنت‌های اسطوره‌ای مصر و شمال آفریقا را نتیجه مهاجرت ترکان فنیقی، اوگاریت و کنعانی ساکن آذربایجان به سواحل مدیترانه می‌داند، قابل مقایسه و بررسی باشد.

بر اساس گزارش آیونز، رع در طول سفر شبانه خود با قایق شبانه «مسکت» (Mesektet) «در سراسر دوات» (Duat)، یعنی جهان زیرین، حرکت می‌کند و در این مسیر با خطرهای گوناگون، به‌ویژه مار عظیم آپوفیس (Apophis)، روبه‌رو می‌شود. او با یاری دیگر ایزدان و ایزدبانوان بر این موانع چیره می‌گردد و پس از گذر از دوازده ساعت شب، بار دیگر زاده شده و در سپیده دم به صورت خورشید بامدادی بر افق پدیدار می‌شود.¹⁰

به منظور روشن‌تر ساختن معنای مؤلفه دوم نام بالوو / Balov / بلوو Bəlov، یعنی «اُوو / اُوف» (ov / of)، نگارنده با استناد به مطالب ارائه‌شده از سوی ورونیکا آیونز یادآور می‌شود که رع هر بامداد همچون کودکی تازه متولد می‌شود، در هنگام نیمروز به اوج کمال و توانایی خود می‌رسد و در شامگاه، به هیئت پیرمردی خمیده، وارد مرحله مرگ می‌شود.

در جریان این سفر شبانه، رع با نام آوف - رع (Auf-Ra / Auf-Rə) یا به اختصار آوف / اُوف (Auf / Of) شناخته می‌شد؛ نامی که در این روایت، مفهوم «جسد»، «جنازه» یا «جسد مرده» و «پیکر بی‌جان» را القا می‌کند.

در اساطیر مصر باستان، جهان زیرین و قلمروهایی که رع در طول سفر شبانه خود از آنها عبور می‌کرد، جایگاه نیروهای اهریمنی، ارواح مردگان و موجودات هولناکی دانسته می‌شد که ارواح را تهدید می‌کردند. این جهان، آکنده از مارهای عظیم، مارهای دوسر

و موجودات دهشتناکی بود که در متون اسطوره‌ای با عنوان «روح‌خواران» شناخته می‌شوند و در شمار خطرناک‌ترین ساکنان دوات Duat (= جهان زیرین) به‌شمار می‌رفتند.

یکی از مهم‌ترین وظایف آوف (Auf / Of) در جهان زیرین، راهنمایی ارواح مردگان به‌شمار می‌رفت. نور او مسیر حرکت ارواح را روشن می‌ساخت و هنگامی که ارواح از یک پرتگاه به پرتگاهی دیگر عبور می‌کردند، ساکنان جهان زیرین با شوق و انتظار، پرتو نور او را استقبال می‌کردند. پس از عبور هر روح، جهان زیرین بار دیگر در تاریکی ژرف و هراس‌انگیز فرو می‌رفت. از دیدگاه نویسنده، محتوای اسطوره‌ای مؤلفه «اوو/اوف (ov/of)» که در زبان‌های ترکی باستان به کار رفته است، تنها به توپونیم «بالوو/بلوو (Balov/Bəlov)» واقع در منطقه ارومیه محدود نمی‌شود.

از منظر ریشه‌شناسی تطبیقی، این مؤلفه کهن را می‌توان با نام شهر «اوف (Of)» در ساحل دریای سیاه ترکیه و نیز با اویکونیم «اوورا (Ovra)» در شهرستان یاردیملی جمهوری آذربایجان نیز در ارتباط دانست. پژوهش‌های پیشین نویسنده که به ریشه‌شناسی توپونیم «اوورا Ovra» اختصاص یافته‌اند نیز بر همین مبنای تحلیل تطبیقی انجام شده‌اند. بر اساس فرضیه نویسنده، اقوام ترک‌تبار یا دارای ریشه ترکی (طوایف و قبایل ترک باستان) که در روزگار باستان در آناتولی، آذربایجان و قفقاز جنوبی می‌زیسته‌اند، نام‌های «اوف Of» و «اوورا Ovra» را به صورت تصادفی برگزیده‌اند، بلکه این نام‌ها را به عنوان نام‌هایی با بار معنایی کهن که از جهان‌بینی دینی - اسطوره‌ای باستان سرچشمه می‌گرفته است، حفظ و تداوم بخشیده‌اند.

از این منظر، هر دو توپونیم «اوف Of» و «اوورا Ovra» را می‌توان به صورت تطبیقی با مفهوم «آوف/اُوف (Auf/Of)» در اسطوره‌شناسی مصر باستان، که با جهان زیرین، مرگ و اندیشه تولد دوباره پیوند دارد، مورد بررسی قرار داد. به اعتقاد نویسنده، مطالعه تطبیقی توپونیم‌های «بالوو Balov»، «اوف Of» و «اوورا Ovra» در چارچوب یک نظام مشترک اسطوره‌ای - معنایی، از نظر بررسی بازتاب‌های توپونیمی روابط فرهنگی و دینی میان خاور نزدیک باستان، آناتولی، قفقاز جنوبی و آذربایجان، دارای اهمیت علمی ویژه‌ای است.

مؤلفه «اوف/اوو (of/ov)» که در این توپونیم‌ها حفظ شده است، می‌تواند به عنوان بازمانده‌ای کهن از اصطلاحات دینی و جهان‌بینی اسطوره‌ای اقوام و اتنیک‌های باستان (چون فنیقی‌ها، کنعانی‌ها و اوگاریت‌های مهاجرت نموده از سرزمین آذربایجان به اقصی نقاط جهان به ویژه سوریه، اردن، لبنان، فلسطین، مصر و سواحل دریای مدیترانه و ...) ارزیابی شود.

به باور نگارنده، افزون بر این، این احتمال نیز وجود دارد که میان تتونیم «بَعْل (Ba'al)» و مفهوم «آوف (Auf/Of)» که در اسطوره‌شناسی مصر باستان مشاهده می‌شود، نوعی پیوند اسطوره‌ای - معنایی برقرار بوده باشد و بازتاب این پیوند در دوره‌های بعد، به صورت بقایای کهن در برخی نام‌های جغرافیایی، از جمله بالوو (Balov)، اوف (Of) و اوورا (Ovra)، حفظ شده باشد.

این رویکرد، واقعیتی پذیرفته شده در ادبیات علمی موجود به شمار نمی رود، بلکه فرضیه ای علمی است که نگارنده بر پایه تحلیل های تطبیقی ریشه شناسی و اسطوره شناسی مطرح کرده است که در حال حاضر، این دیدگاه در تاریخ نگاری، زبان شناسی تاریخی و دانش توپونیمی بین المللی به عنوان نظریه ای مورد پذیرش عمومی شناخته نمی شود. این تفسیر که در چارچوب فرضیه علمی نویسنده ارائه شده، لازم است در آینده با پژوهش های بیشتر باستان شناسی، تاریخی - زبان شناسی و توپونیمی تطبیقی مورد آزمون و ارزیابی قرار گیرد. پژوهش هایی که می توانند با بهره گیری از داده های این علوم، درستی یا نادرستی این فرضیه را با دقت بیشتری بررسی کنند.

تأیید علمی

اطلاعات مربوط به اسطوره شناسی مصر باستان که در این بخش ارائه شده است، عمدتاً با یافته های پژوهش های بنیادین زیر همخوانی دارد:

۱. Veronica Ions, Egyptian Mythology, London: Paul Hamlyn, 1968, به ویژه صص. ۲۴-۴۷ و ۹۱-

۱۰۸.

این اثر به بررسی رع (Ra)، آتوم (Atum)، خپری (Khepri)، دوات (Duat)، قایق مسکت (Mesektet)، آپوفیس (Apophis) و سفر شبانه خورشید می پردازد.

۲. Erik Hornung, The Ancient Egyptian Books of the Afterlife, Cornell University Press,

1999, صص. ۱۹-۵۴.

نویسنده ساختار دوات و مراحل سفر شبانه ایزد خورشید را بر پایه متون تدفینی مصر باستان تحلیل کرده است.

۳. E. A. Wallis Budge, The Gods of the Egyptians, Vols. I-II, London, 1904.

این اثر اطلاعات گسترده ای درباره رع، آوف - رع (Auf-Ra)، آپوفیس و کیهان شناسی مصر باستان ارائه می دهد.

۴. Jan Assmann, Death and Salvation in Ancient Egypt, Cornell University Press, 2005

صص. ۱۴۸-۱۹۰.

در این کتاب، چرخه شبانه خورشید و نقش آن در رستگاری و هدایت ارواح مردگان از دیدگاه باورهای دینی مصر باستان بررسی شده است.

یادداشت: دیدگاه های مطرح شده در این مقاله درباره دارای منشأ ترکی بودن واژه «اَوو» OV/اَوْو و «اَوْف» OF و هم ریشه بودن آن با مفهوم «Auf» در اساطیر مصر باستان، همچنین فرضیه مربوط به خاستگاه قفقازی و آذربایجانی اساطیر مصر، بیانگر فرضیه

علمی نگارنده است. این دیدگاه‌ها در مطالعات رایج بین‌المللی مصرشناسی و زبان‌شناسی تاریخی به‌عنوان نظریه‌ای پذیرفته‌شده شناخته نمی‌شوند؛ از این‌رو، در این مقاله صرفاً به‌عنوان دیدگاه و فرضیه پژوهشی نویسنده ارائه شده‌اند.

این الگوی اسطوره‌ای، در کیهان‌شناسی مصر باستان، یکی از مهم‌ترین نمودهای اندیشه مرگ و تولد دوباره به‌شمار می‌رود. به اعتقاد نگارنده، ارتباط شخصیت آوف (Auf) با مفاهیمی چون جهان زیرین، مرگ و رستاخیز این احتمال را مطرح می‌سازد که مؤلفه «اُو / اُوف» (ov / of) «تنها به واژگان رایج و روزمره تعلق نداشته، بلکه با لایه‌های کهن واژگان و اصطلاحات اسطوره‌ای نیز پیوند داشته باشد.

در اینجا باید تأکید شود که وجود رابطه مستقیم ریشه‌شناختی میان «اُو / اُوف» و «آوف» (Auf) در اساطیر مصر باستان، تاکنون در ادبیات علمی به‌عنوان یک واقعیت پذیرفته‌شده شناخته نشده است. از این‌رو، دیدگاه مطرح‌شده از سوی نگارنده باید به‌عنوان فرضیه‌ای علمی تلقی شود که بر پایه همسانی آوایی، شباهت‌های معنایی و تحلیل تطبیقی داده‌های اسطوره‌شناختی ارائه شده است.

در ادامه پژوهش درباره نام بالوو / Balov / بلوو Bəlov، می‌توان ردپای این نام را در اسطوره‌ها و روایات بین‌النهرین، به‌ویژه در اساطیر ترکان سومری، نیز جست‌وجو کرد. به اعتقاد نگارنده، این احتمال وجود دارد که نام این روستا با «بالیح» (Balih)، فرزند و جانشین اتانا (Etana) در اساطیر سومری، ارتباط داشته باشد. به بیان دیگر، ممکن است این توپونیم بازتاب‌دهنده و یادگار نام آن فرمانروای سومری باشد.

غلامرضا معصومی، مؤلف دایرةالمعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان، می‌نویسد که بالیح (Balih) فرزند و جانشین اتانا بوده و بر اساس فهرست شاهان سومر، پس از طوفان بزرگ به پادشاهی شهر کیش رسیده است. بر پایه این روایت، او صاحب فرزندی نمی‌شد. شَماش (Šamaš)، ایزد خورشید، به او سفارش می‌کند که برای دستیابی به فرزند، باید «گیاه زایش» را بیابد و برای این منظور از یاری عقاب بهره گیرد؛ زیرا تنها آن عقاب می‌توانست راه رسیدن به این گیاه را به اتانا نشان دهد. از آنجا که در روایت‌های اسطوره‌ای، بالیح به‌عنوان فرزند اتانا معرفی شده است، نگارنده چنین نتیجه می‌گیرد که سرانجام اتانا موفق شده است «گیاه زایش» را بیابد و به هدف خود دست یابد.¹¹ لازم به توضیح است که منظور از «گیاه زایش» در این روایت، در حقیقت گیاه باروری، زایش و نوزایی است.

بر پایه مطالب ارائه‌شده و منابع مورد استفاده، نگارنده به این نتیجه می‌رسد که ریشه‌شناسی نام روستای بالو (Balo) از توابع شهرستان ارومیه، با سنت‌های اسطوره‌ای و باورهای دینی ترکان فنیقی، کنعانی و اوگاریتی (شاخه فین-اوغور) که در گستره‌ای وسیع از قفقاز تا شمال سوریه کنونی و در قلمرو آذربایجان بزرگ سکونت داشته‌اند، ارتباطی نزدیک دارد.

این دیدگاه با فرضیه گسترده‌تر نگارنده نیز همخوانی دارد. بر اساس این فرضیه، ریشه‌های قومی و فرهنگی اقوام باستانی فنیقی، کنعانی و اوگاریتی با ساکنان کهن آذربایجان بزرگ پیوند داشته و در نتیجه مهاجرت‌های بعدی، باورهای دینی، سنت‌های اسطوره‌ای و تئونیسم‌های آنان به حوزه دریای مدیترانه، از جمله شمال سوریه، فلسطین، لبنان، اردن و مصر انتقال یافته و گسترش یافته است. به عنوان نمونه، نگارنده بر این باور است که پس از این مهاجرت‌ها، باورهای اسطوره‌ای و ایزدان متعلق به فنیقیان، از جمله آیین و سنت‌های مرتبط با بَعل و همچنین مفهوم اوو/اؤف (Ov/Of)، در میان دیگر ملت‌ها، از جمله در مصر نیز رواج یافته است.

باید تأکید کرد که بازسازی ریشه‌شناختی و پیوندهای تاریخی - فرهنگی ارائه‌شده در این پژوهش، بر پایه تحلیل‌های تطبیقی - تاریخی، ریشه‌شناختی و اسطوره‌شناختی نگارنده استوار بوده و در حکم یک فرضیه علمی تلقی می‌شود. این دیدگاه در حال حاضر در تاریخ‌نگاری بین‌المللی، زبان‌شناسی تاریخی و علم توپونیمی به عنوان نظریه‌ای پذیرفته‌شده شناخته نمی‌شود و برای ارزیابی نهایی، نیازمند بررسی‌های تکمیلی براساس داده‌های باستان‌شناختی، کتیبه‌شناختی، زبان‌شناسی تاریخی و پژوهش‌های تطبیقی در حوزه نام‌های جغرافیایی است.

نگارنده بر این باور است که می‌توان ساختار اسطوره‌ای تئونیسم بَعل را بر پایه صورت بازسازی‌شده بَعل (Ba.El = Ba + El) تبیین کرد. در این بازسازی، مؤلفه‌های ال (El) و ایل (il) به عنوان گونه‌های آوایی نام خدای باستانی «ال» در نظر گرفته می‌شوند.

به اعتقاد نگارنده، مؤلفه بَعل / با (Ba / Ba) نیز نام یکی از دو روح انسان بوده است. این روح هنگام مرگ، بدن را ترک می‌کند، اما در مرحله‌ای دیگر دوباره باز می‌گردد و با جسم پیوند می‌یابد. بر این اساس، نگارنده چنین نتیجه می‌گیرد که نام خدای جامعه فنیقی که از آذربایجان مهاجرت کرده بود، یعنی بَعل (Ba.El) یا با ال (Ba.El)، از نظر معنایی می‌تواند مفهوم «خدای روح بَعل (با)» را بیان کند.

در جهان‌بینی اسطوره‌ای اقوام باستان، روح انسان غالباً به صورت پرنده تصور می‌شد. اندیشه ترک کردن جسم توسط روح در هنگام مرگ و پرواز آن همانند پرنده به سوی آسمان، در سنت‌های اسطوره‌ای مصر باستان، بین النهرین و دیگر فرهنگ‌های خاور نزدیک باستان به‌طور گسترده مشاهده می‌شود. به‌ویژه در باورهای دینی مصر باستان، روح انسان که «با (Ba)» نامیده می‌شد، به صورت پرنده‌ای با سر انسان تصویر می‌گردید. بر اساس این باور، روح «با» هنگام مرگ، بدن را ترک می‌کرد، اما پس از مدتی دوباره به جسم خود باز می‌گشت. از این‌رو، از دیدگاه اسطوره‌شناختی می‌توان روح «با» را «پرنده با» نیز نامید. بر پایه فرضیه نگارنده، این تصور اسطوره‌ای امکان ارائه یکی از تفسیرهای معنایی جایگزین برای نام تئونیسم فنیقی «بَعل/باعال» (Ba'el / Ba'al) را نیز فراهم می‌آورد. اگر جزء «با (Ba)» به عنوان مفهومی اسطوره‌ای دال بر روح پذیرفته شود، در این

صورت ساختار معنایی نام «بال (Ba.El / Ba'al)» را می‌توان به صورت «خدای روح با» یا «موجود الهی مرتبط با روح با» تفسیر کرد. در چارچوب این دیدگاه، نگارنده احتمال می‌دهد که تعبیری چون «پرنده با» یا «پرنده بَع» نیز در همین مجموعه اسطوره‌ای قابل ارزیابی باشند. نگارنده سپس توجه خود را به نام پرنده «بایقوش (Bayquş)» که در زبان ترکی آذربایجانی و ترکی اغوز، و در برخی گویش‌ها به صورت «بَیقوش (Bəyquş)» نیز به کار می‌رود، معطوف می‌کند. بر اساس فرضیه وی، ممکن است در لایه‌های معنایی کهن این واژه، بازمانده‌هایی از تصور اسطوره‌ای «پرنده با» یا «پرنده بَع» حفظ شده باشد. اگر این احتمال در آینده از طریق پژوهش‌های تطبیقی زبان‌شناختی و تاریخی تأیید شود، در آن صورت می‌توان باور رایج در میان آذربایجانیان و دیگر اقوام ترک مبنی بر ارتباط جغد با مرگ، تنهایی، نحوست و بدیمنی را نیز بازتابی دوردست از همان سنت‌های اسطوره‌ای کهن دانست. با این همه، باید تأکید کرد که ارتباط میان «با (Ba)»، «بَعَل (Ba'al/Bə'al)» و «بایقوش» (Bayquş) که در اینجا مطرح شده است، فرضیه‌ای علمی است که از سوی نگارنده بر پایه همانندی‌های آوایی، داده‌های اسطوره‌شناسی تطبیقی و موازنه‌های معنایی ارائه شده است. این تبیین ریشه‌شناختی در حال حاضر در زبان‌شناسی تاریخی، مصرشناسی و مطالعات سامی‌شناسی بین‌المللی به عنوان نظریه‌ای پذیرفته‌شده شناخته نمی‌شود و لازم است در آینده با پژوهش‌های تطبیقی ریشه‌شناختی، زبان‌شناختی تاریخی و اسطوره‌شناختی مورد آزمون و ارزیابی بیشتر قرار گیرد.

به اعتقاد مؤلف، جزء نخست نام روستای بالوو (Balov) در شهرستان ارومیه، یعنی «بال** (Bal)»، در اصل صورت ساده‌شده و از نظر آوایی کوتاه شدهٔ تئونیم «بَعَل (Bə'al)»، «بَعَال (Bə.El)»، «بال (Ba.El)»، «**با.ایل» / «بائیل (Ba.il)» است (Bail) که در اسطوره‌شناسی فنیقی وجود داشته است.

بر اساس فرضیهٔ مؤلف، تفسیر تئونیم «بَعَل (Bə'al)» به صورت «بَع + اِل (Bə + El)» یا «با + اِل** (Ba + El)»، رویکردی است که بر مبنای تحلیل تطبیقی ریشه‌شناختی و اسطوره‌شناختی از سوی مؤلف ارائه شده است. این بازسازی ریشه‌شناختی در حال حاضر در ادبیات علمی بین‌المللی به عنوان نظریه‌ای پذیرفته‌شده شناخته نمی‌شود و باید به منزلهٔ فرضیهٔ علمی مطرح‌شده از سوی مؤلف ارزیابی گردد.

به منظور تبیین فرضیهٔ مطرح‌شده از سوی مؤلف دربارهٔ اسطورهٔ بَعَل و گسترش این تئونیم از آذربایجان به شمال سوریه، اردن، فلسطین و دیگر سرزمین‌های دوردست، و نیز در راستای استدلال فرضیهٔ مربوط به منشأ ترکی و آذربایجانی اقوام فنیقی، اوگاریتی و کنعانی، شایسته است یادآوری شود که امروزه نیز یکی از محله‌ها و نواحی تاریخی شهر باکو**، پایتخت جمهوری آذربایجان، با نام «بائیل (Bayıl / Bail)» شناخته می‌شود. بائیل افزون بر آنکه یک منطقهٔ تاریخی است، بخشی از منطقهٔ سَبائیل (Səbail) شهر باکو نیز به شمار می‌رود و این نام تا امروز همچنان حفظ شده است. بخشی از این ناحیه که در ساحل

دریای خزر قرار دارد، «دماغه باییل (Bayıl burnu)» نامیده می‌شود و دژ تاریخی واقع در آن نیز با نام «قلعه باییل (Bayıl)» (qalası) شناخته می‌شود.

از دیدگاه مؤلف، جزء «بال» در توپونیم بالوو در منطقه ارومیه نیز می‌تواند صورت ساده‌شده آوایی همان تئونیم کهن تلقی شود. یکی از مبانی تطبیقی این فرضیه، نام محله تاریخی باییل (Bail) در شهر باکو است. مؤلف بر این باور است که توپونیم باییل نیز می‌تواند در چارچوب همان نظام اسطوره‌ای - معنایی مورد بررسی قرار گیرد و از این منظر، یکی از توپونیم‌هایی به شمار آید که بقایای کهن الگوی Ba-El / Ba-Il را در قلمرو آذربایجان حفظ کرده است.

این دیدگاه با فرضیه گسترده‌تر مؤلف نیز هماهنگ است. بر اساس این فرضیه، ریشه‌های قومی و فرهنگی اقوام باستانی فنیقی، کنعانی و اوگاریتی با جمعیت‌های کهن آذربایجان بزرگ مرتبط بوده و در پی فرایندهای مهاجرتی بعدی، باورهای دینی - اسطوره‌ای و تئونیم‌های آنان به حوزه دریای مدیترانه، از جمله شمال سوریه، فلسطین، لبنان، اردن و مصر انتقال یافته و گسترش پیدا کرده است.

به اعتقاد مؤلف، جزء دوم نام روستای «بالوو (Balov)» را واژه کهن ترکی «اوو (Ov)» یا گونه آوایی آن «اوف (Of)» تشکیل می‌دهد. از دیدگاه مؤلف، این جزء با مفاهیمی چون مرگ، تولد دوباره، جهان زیرین، مردن و دوباره زنده شدن (رستاخیز) ارتباط دارد.

به باور مؤلف، روند شکل‌گیری اسطوره‌ای نام روستای «بالوو / بلوو (Balov / Bəlov)» «در شهرستان ارومیه را می‌توان به صورت زیر تبیین کرد:

$Bə'əl \rightarrow Bəl \rightarrow Bal + Of // Ov \rightarrow Balov$

$Bə'əl + Of \rightarrow Bəlof \rightarrow Bəlov \rightarrow Balov$

بر اساس فرضیه مؤلف، نام روستای بالوو / بلوو در ارومیه، نام خدای «بعل» فنیقیانی را که از سرزمین آذربایجان به حوزه دریای مدیترانه مهاجرت کرده و در آنجا گسترش یافته‌اند، در خود حفظ کرده است و این نام روستا به افتخار و یادبود خدای بعل بر آن نهاده شده است.

بعل // بَل «خدای روح» Ba، «خدای (روح)» = نیرومندترین و مقتدرترین خدای فنیقیان

اوو // Ov اوف Of = شکار شدن، شکار بودن یا شکار کردن، مردن، کشتن، جان و روح دادن، جان و روح گرفتن، خاموش شدن و خاموش کردن، نابود شدن و نیستی

بعل Bə'əl (تئونیم) + اوو Ov مرگ، فنا، مرده، جهان زیرین ② (در اثر حذف یکی از دو واژه همسان متوالی) = بلوو بَل

$Bəl + Ov = Bəlov$

بَعْل <--- Ba'al باعال (ثئونیم) + اوو = Ov مرگ، فنا، مرده، جهان زیرین ⑦ (در اثر حذف یکی از دو واژه همسان

متوالی) بال + Bal = اوو Ov بالوو Balov

بر پایه این تبیین ریشه‌شناختی، نام روستای بالوو در شهرستان ارومیه می‌تواند معانی زیر را افاده کند: «خدای روح Ba در لحظه مرگ»، «ایزد (یا خدای) روح Ba در جهان زیرین»، «خدای روح Ba در روز رستاخیز»، و یا دیگر مفاهیم اسطوره‌ای که از نظر معنایی با این برداشتها قرابت و هم‌پوشانی دارند.

لازم به تأکید است که تبیین ریشه‌شناختی و اسطوره‌شناختی فوق، بر پایه تحلیل‌های تطبیقی تاریخی، زبان‌شناختی و اسطوره‌شناختی مؤلف ارائه شده و در چارچوب یک فرضیه علمی مطرح می‌شود. این دیدگاه در حال حاضر در تاریخ‌نگاری، زبان‌شناسی تاریخی و ریشه‌شناسی بین‌المللی، نظریه‌ای پذیرفته‌شده و اجماعی به شمار نمی‌رود و اعتبار آن نیازمند بررسی‌های بیشتر از طریق پژوهش‌های باستان‌شناختی، زبان‌شناختی، کتیبه‌شناختی و مطالعات تطبیقی آتی است.

بر اساس این تبیین ریشه‌شناختی، نام روستای بالوو (Balov) از توابع شهرستان ارومیه می‌تواند معانی زیر را بیان کند: «خدای روح Ba در لحظه مرگ»، «ایزد (یا خدای) روح Ba در جهان زیرین»، «خدای روح Ba در روز رستاخیز (قیامت)»، «خدای جهان زیرین و مردگان»، یا دیگر معانی اسطوره‌ای که از نظر معنایی با این مفاهیم هم‌خوانی و نزدیکی دارند. از دیدگاه نگارنده، تبیین‌های ریشه‌شناختی یادشده و نیز ارتباط دادن نام روستای بالو / Balo بالوو / Balov بالوو Bəlov با نظام دینی و اسطوره‌ای ترکان فنیقی، کنعانی و اوگاریتی، این احتمال را مطرح می‌کند که پیشینه شکل‌گیری این سکونتگاه به ادواری بسیار کهن بازگردد.

حمید شافعی (یکی از دو مؤلف کتاب بالوولو مسکین) Balovlu Miskin در صفحه ۲۲ این اثر، درباره قدمت روستای بالو / Balo بالوو Balov چنین می‌نویسد:

«اگر این واقعیت تاریخی را بپذیریم که بخشی از طوایف و قبایل ترک در حدود ۴۵۰۰ تا ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد از آسیای مرکزی و ترکستان به آذربایجان مهاجرت کرده و سپس از آذربایجان به بین‌النهرین و نواحی غربی و جنوبی ایران گسترش یافته‌اند، در آن صورت می‌توان نتیجه گرفت که نام‌های «بالوو Balov» و «بالوو Bəlov» نیز به همان اقوام ترک‌تبار تعلق داشته‌اند.»¹²

درباره پیشینه تاریخی این روستا، در وب‌سایت مجله اینترنتی ارومیه نیز چنین آمده است:

«بر اساس قطعات سفال کشف‌شده در محدوده روستای بالوو Balov، پیشینه این سکونتگاه از هزاره پنجم پیش از میلاد تا هزاره نخست پیش از میلاد امتداد دارد. از دیگر یافته‌های تاریخی این منطقه، سکه‌ای متعلق به دوره اشکانیان است. بررسی‌های انجام‌شده نشان داده است که این سکه به دوران مهرداد ششم، یکی از شاهان اشکانی، تعلق دارد.»¹³

کشف سفالینه‌های متعلق به هزاره پنجم تا هزاره نخست پیش از میلاد و نیز سکه‌هایی مربوط به دوره اشکانی، می‌تواند بیانگر پیشینه بسیار کهن این محل سکونت باشد. باید یادآور شد که نویسنده مقاله یادشده درباره این موضوع، برای ادعاهای خود هیچ ارجاع علمی یا منبع مشخصی ارائه نکرده است؛ از این‌رو، روشن نیست که این مطالب بر پایه کدام منابع تاریخی یا پژوهشی تدوین شده‌اند.

با این حال، برای اثبات اینکه نام بالوو / Balov / بلوو Bəlov از همان دوره بدون تغییر تا امروز حفظ شده است، به شواهد باستان‌شناختی، کتیبه‌شناختی (اپیگرافیک) و زبان‌شناختی - تاریخی بیشتری نیاز است.

تأیید علمی:

بخشی از دیدگاه‌های مطرح‌شده در این قسمت، با یافته‌های پژوهش‌های مربوط به اساطیر و باستان‌شناسی خاور نزدیک باستان همخوانی دارد؛ با این حال، شماری از نتایج و ارتباط‌هایی که در این مقاله ارائه شده‌اند، فرضیه علمی نگارنده محسوب می‌شوند. درباره اتانا و بالیخ:

• Jeremy A. Black & Anthony Green, Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia, British Museum Press, 1992, pp. 74–76. —
اسطوره‌ای سومر.

• Samuel Noah Kramer, The Sumerians: Their History, Culture and Character, University of Chicago Press, 1963, pp. 328–331. —
روایت اسطوره اتانا و جایگاه او در تاریخ و سنت پادشاهی سومر.

• Thorkild Jacobsen, The Sumerian King List, University of Chicago Press, 1939. —
مهم‌ترین منابع درباره فهرست شاهان سومر، فرمانروایان کیش و شخصیت اتانا.

درباره قدمت روستای بالو: Balo

ریچارد کاوندیش (Richard Cavendish)، اسطوره‌شناس و پژوهشگر برجسته ادیان، در کتاب «The Myths of the World's Religions» (اساطیر و ادیان مشهور جهان) درباره کنعانیان ساکن اوگاریت در شمال سوریه می‌نویسد که اوگاریت یکی از مهم‌ترین مراکز دینی - سیاسی جهان باستان به‌شمار می‌رفت و در فاصله تقریبی ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ پیش از میلاد دوران شکوفایی و رونق چشمگیری را تجربه کرد. به گفته وی، در میان لوح‌های میخی فراوانی که از این منطقه به دست آمده، هرچند بسیاری از آنها آسیب‌دیده و شکسته‌اند، بعل (Baal) به‌عنوان ایزد باران، باروری و فرمانروای ابرها ستوده شده است. در این متون، نام این ایزد غالباً به صورت هَدَد (Hadad)، یعنی ایزد توفان، آمده است.¹⁴

ل. دلاپورت (L. Delaporte) نیز در بخش مربوط به اساطیر فنیقی کتاب «اساطیر آشور و بابل (Mythology of Assyria and Babylonia) می نویسد:

«در حال حاضر، منابع اصلی ما درباره فنیقیان از چهار گروه اسناد و متون مکتوب تشکیل شده است. کهن ترین این منابع به نخستین دوره های شکل گیری دولت مصر باستان، یعنی آغاز هزاره سوم پیش از میلاد، بازمی گردند.»¹⁵

با در نظر گرفتن دیدگاه های ریچارد کاوندیش و ل. دلاپورت درباره قدمت فنیقیان، کنعانیان و اوگاریتیان، می توان نتیجه گرفت که ارزیابی حمید شافعی و نیز مجله اینترنتی ارومیه درباره دیرینگی روستای بالوو Balov، اغراق آمیز به نظر نمی رسد؛ بلکه از دیدگاه نگارنده، حتی بیانگر تمامی قدمت واقعی این روستا نیز نیست. زیرا به اعتقاد وی، پیدایش روستای بالوو Balov به دوره ای پیش از آغاز هزاره سوم پیش از میلاد، یعنی بیش از پنج هزار سال پیش، بازمی گردد.

در خصوص ادعای قدمت بیش از پنج هزار ساله این روستا نیز باید یادآور شد که چنین تاریخی می تواند با یافته های باستان شناسی به دست آمده از جُبیل (Byblos) و فلسطین همخوانی داشته باشد. با این حال، بر اساس فرضیه نگارنده، ترکان فنیقی، کنعانی و اوگاریتی بسیار پیش تر از این تاریخ، در بخش های مختلف آذربایجان بزرگ — از قفقاز تا دامنه های زاگرس، از شمال سوریه تا آناتولی شرقی و شمال عراق — استقرار یافته بودند و سپس از این سرزمین ها به سواحل دریای مدیترانه، از جمله لبنان، فلسطین، اسرائیل و اردن، و نیز به شمال آفریقا و مصر مهاجرت کرده اند.

تأیید علمی

برخی از داده های تاریخی و اسطوره شناسی به کاررفته در بخش پایانی این مقاله، با نتایج پژوهش های علمی زیر تا اندازه ای همخوانی دارند:

- Richard Cavendish, *The Myths of the World's Religions*, London: Orbis Publishing, 1984, pp. 78–85. — (Hadad). و هَدَد. (Baal) آیین بعل اوگاریت،
- L. Delaporte, *Mesopotamian Mythology* (ترجمه انگلیسی La Mésopotamie / (نسخه فرانسوی)، بخش مربوط به اساطیر فنیقی — درباره کهن ترین منابع مکتوب مربوط به فنیقیان.
- Mark S. Smith, *The Ugaritic Baal Cycle*, Vols. I–II, Leiden: Brill, 1994–2009. — درباره جایگاه تاریخی و کارکردهای دینی آیین بعل در اوگاریت.
- Glenn E. Markoe, *Phoenicians*, University of California Press, 2000, pp. 25–68. — درباره منشأ، شهرها و تاریخ آغازین فنیقیان.

Maria Eugenia Aubet, The Phoenicians and the West: Politics, Colonies and Trade,

Cambridge University Press, 2001, pp. 9–42. —

مدیرترانه.

به اعتقاد نگارنده، فرایند اسطوره‌ای شکل‌گیری نام روستای بالوو / Balov / بَلَوو Bəlov در شهرستان ارومیه را می‌توان به صورت زیر بازسازی کرد:

(Ba'al باعال) < Bal (بال) + Of / Ov (اُوف / اوو) + Balov (بالوو) → (بالوو)

(Bə'əl بعل) + Of (اُوف) < Bəəlof (بَعْلُوف) < (بَعْلُوف) < Bəəlof (بَعْلُوف) < Bəəlof (بَعْلُوف) < Balov (بَلَوو) < (بالوو)

بر پایه این زنجیره ریشه‌شناختی، نام بالوو / بَلَوو (Balov) به صورت فرضی می‌تواند معنای «ایزد خورشید جهان زیرین» یا «ایزد جهان زیرین و مردگان» را بازتاب دهد.

یادداشت: نتیجه‌گیری مبنی بر اینکه نام بالوو / Balov / بَلَوو Bəlov به معنای «ایزد خورشید جهان زیرین» یا «ایزد جهان زیرین و مردگان» است، فرضیه علمی نگارنده بر پایه تحلیل تطبیقی ریشه‌شناختی، اسطوره‌شناختی و تاریخی است و در پژوهش‌های رایج زبان‌شناسی تاریخی و خاورشناسی، نظریه‌ای پذیرفته‌شده و اجماعی به شمار نمی‌آید. از این رو، این دیدگاه در چارچوب مقاله به عنوان فرضیه پژوهشی نویسنده ارائه شده است.

از این منظر، نگارنده بر این باور است که الگوی Bal + ov (of) صرفاً یک ترکیب آوایی نیست، بلکه می‌تواند ساختاری پیچیده و توپونیمیک باشد که بازتاب‌دهنده بقایای باورهای دینی و اسطوره‌ای کهن است. بر این اساس، توپونیم بالو / Balo / بالوو Balov / بَلَوو Bəlov را می‌توان نامی دانست که در سنت‌های اسطوره‌ای باستان، لایه‌های معنایی متعددی را در ارتباط با نیروی ایزدی، مرگ، جهان زیرین و تولد دوباره در خود حفظ کرده است.

در این پژوهش، شباهت‌های آوایی به عنوان دلیل مستقل تلقی نشده‌اند، بلکه صرفاً به منزله نقطه آغاز برای تحلیل تطبیقی ریشه‌شناختی و اسطوره‌شناختی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از این رو، نتایج ارائه‌شده از سوی نگارنده، در چارچوب فرضیه‌ای علمی و مبتنی بر تحلیل تطبیقی منابع موجود قابل ارزیابی است.

نتیجه‌گیری:

پژوهش تطبیقی - تاریخی، ریشه‌شناختی و اسطوره‌شناختی حاضر نشان می‌دهد که نام روستای بالو / Balo / بالوو Balov / بَلَوو Bəlov، یکی از کهن‌ترین سکونتگاه‌های منطقه ارومیه، را می‌توان در شمار توپونیم‌های باستانی با ساختار تاریخی و معنایی

پیچیده قرار داد. بررسی تطبیقی منابع مکتوب، داده‌های اسطوره‌شناختی خاور نزدیک باستان و همانندی‌های توپونیمیک نشان می‌دهد که تبیین منشأ این نام صرفاً بر پایه یک عامل زبانی، برای روشن ساختن همه ابعاد آن کافی نیست.

در این مقاله، نخست دیدگاه ریشه‌شناختی حمید شافعی که نام بالو / Balov / بالوو Balov را با واژه باستانی ترکی بالیغ / بالوغ به معنای «شهر» مرتبط می‌داند، بررسی شد. هرچند این تبیین از منظر توپونیمی زبان‌های ترکی اهمیت ویژه‌ای دارد، اما نگارنده بر این باور است که بار معنایی توپونیم بالوو Balov تنها به این تفسیر محدود نمی‌شود و ممکن است لایه‌های اسطوره‌ای کهن‌تری نیز در آن نهفته باشد.

بر پایه فرضیه ارائه‌شده از سوی نگارنده، جزء نخست این نام، یعنی Bal / Bəl / Bəʾəl، می‌تواند با تئونیم بَعْل (Bəʾəl) که جایگاهی برجسته در نظام‌های دینی و اسطوره‌ای فنیقی، کنعانی و اوگاریتی دارد، مرتبط باشد. همچنین جزء دوم، یعنی / ov of، بر اساس واژگان کهن ترکی و تحلیل تطبیقی نویسنده، می‌تواند با مفهوم Auf در اسطوره‌شناسی مصر باستان قابل مقایسه باشد. این تبیین نه تنها بر شباهت‌های آوایی، بلکه بر همسانی‌های معنایی و مقایسه ساختارهای اسطوره‌ای استوار است.

در نتیجه مقایسه منابع اسطوره‌شناختی فنیقی، کنعانی، اوگاریتی، سومری و مصری، نگارنده به این نتیجه می‌رسد که توپونیم بالو / Balov / بالوو Balov می‌تواند از جمله نام‌های کهنی باشد که بازتاب‌دهنده بقایای جهان‌بینی دینی و اسطوره‌ای باستان است. با این حال، وی تأکید می‌کند که این نتایج نباید به‌عنوان واقعیت‌های قطعی تاریخی تلقی شوند، بلکه باید آن‌ها را فرضیه‌ای علمی دانست که بر پایه تحلیل تطبیقی منابع موجود و شواهد ریشه‌شناختی و اسطوره‌شناختی شکل گرفته است.

همچنین، این مقاله نشان می‌دهد که مطالعه پیوندهای سرزمین آذربایجان باستان با تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون خاور نزدیک از طریق بررسی توپونیم‌ها، می‌تواند افق‌های تازه‌ای را برای پژوهش‌های آینده بگشاید. به اعتقاد نگارنده، مطالعه جامع و میان‌رشته‌ای نام‌های جغرافیایی کهن، می‌تواند در شناخت عمیق‌تر تاریخ قومی، دینی و فرهنگی سرزمین آذربایجان سهمی ارزشمند داشته باشد.

در مجموع، پژوهش حاضر با ارائه فرضیه‌ای نوین درباره ریشه‌شناسی توپونیم بالوو / Balov / بالوو Bəlov، کوشیده است زمینه‌ای برای مطالعات بعدی فراهم آورد و نشان دهد که این فرضیه در آینده، با اتکا به یافته‌های جدید باستان‌شناسی، کشف منابع مکتوب کهن و پژوهش‌های تطبیقی در حوزه زبان‌شناسی تاریخی، قابلیت بررسی، تکمیل و ارزیابی دقیق‌تر را خواهد داشت.

تأیید علمی و منابع تکمیلی:

۱. درباره آیین بَعْل (Baal / Bəʾəl)

Mark S. Smith, The Ugaritic Baal Cycle. Volume I: Introduction with Text, Translation and Commentary of KTU 1.1–1.2, Leiden: Brill, 1994, صص. ۴۰–۱.

در این اثر، جایگاه بعل به عنوان ایزد بزرگ، خدای طوفان، باران، باروری و فرمانروایی در اسطوره‌شناسی اوگاریت، همراه با چرخه اسطوره‌ای او و نقش وی در نظام دینی کنعانی، به صورت مبسوط و بر پایه متون اصلی اوگاریتی بررسی و تحلیل شده است.

Mark S. Smith. The Early History of God: Yahweh and the Other Deities in Ancient Israel. Grand Rapids: Eerdmans, 2002, pp. 81–110.

در این اثر، جایگاه بعل (Baal) در نظام دینی کنعان و اوگاریت و نیز نقش آن در تحول باورهای دینی اسرائیل باستان، بر پایه متون تاریخی و اسطوره‌ای، به صورت علمی و تحلیلی بررسی شده است.

۲. فنیقیان و نام Ba'lu (بعلو / بلو)

Sabatino Moscati. The Phoenicians. London: Weidenfeld and Nicolson, 1968, pp. 45–56, 95–101.

این کتاب اطلاعات ارزشمندی درباره فرمانروایان شهر صور (Tyre) در دوره اسرحدون (Esarhaddon) و همچنین درباره پادشاهی به نام بعلو (Ba'lu) ارائه می‌دهد.

J. B. Pritchard (ed.). Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament (ANET). Princeton University Press, 1969, pp. 291–294.

در سالنامه‌های اسرحدون از فرمانروای شهر صور با نام بعلو (Ba'lu / Baal I) یاد شده است.

۳. منابع آشوری

A. Kirk Grayson. Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC II (858–745 BC). University of Toronto Press, 1996.

Simo Parpola. The Correspondence of Sargon II. Helsinki University Press.

منابع آشوری یادشده اطلاعات ارزشمندی درباره نام‌ها، مناسبات سیاسی و جایگاه فرمانروایان فنیقی در سده نخست پیش از میلاد ارائه می‌کنند و از مهم‌ترین منابع اولیه برای مطالعه تاریخ فنیقیه به‌شمار می‌روند.

۴. معنای واژه Baal / Bəʾal (بعل)

The Encyclopedia of Religion. Edited by Mircea Eliade. New York: Macmillan, 1987.

"Baal".

در این مدخل، مفهوم واژه بعل، منشأ آن، جایگاهش در ادیان سامی باستان و نقش آن در سنت‌های دینی خاور نزدیک باستان به‌طور جامع بررسی شده است.

The Anchor Bible Dictionary. Vol. I. New York: Doubleday, 1992, pp. 545–549.

"Baal".

این مدخل، تحلیل زبان‌شناختی، تاریخی و دینی واژه بعل را ارائه کرده و جایگاه آن را در فرهنگ‌ها و ادیان فنیقی، کنعانی و دیگر تمدن‌های خاور نزدیک باستان بررسی می‌کند.

تأیید علمی و چشم‌اندازهای پژوهشی

مباحث ریشه‌شناختی و اسطوره‌شناختی مطرح‌شده در این پژوهش، عمدتاً بر پایه منابع مکتوب باستانی، آثار معتبر پژوهشگران معاصر و به‌کارگیری روش تطبیقی - تاریخی تدوین شده است. برخی از نتایج و برداشت‌های ارائه‌شده از سوی نگارنده ممکن است با دیدگاه‌های رایج و مورد اجماع در پژوهش‌های کنونی همخوانی کامل نداشته باشند؛ از این‌رو، این موارد باید در چارچوب فرضیه‌های علمی نویسنده ارزیابی شوند، نه به‌عنوان واقعیت‌های قطعی و اثبات‌شده.

با این حال، اصل وجود تعاملات فرهنگی، دینی و اسطوره‌ای میان تمدن‌های گوناگون خاور نزدیک باستان، از جمله میان بین النهرین، فنیقیه، کنعان، اوگاریت و مصر، در پژوهش‌های معاصر به‌طور گسترده پذیرفته شده است. از این رو، داده‌ها و مقایسه‌های ارائه‌شده در این مقاله می‌توانند زمینه‌ای مناسب برای بررسی دوباره منشأ و تحول توپونیم بالو / Balo / بالوو / Balov بلوو و Bəlov و نیز مطالعه لایه‌های تاریخی، زبانی و اسطوره‌ای آن فراهم آورند.

نگارنده امیدوار است که این پژوهش بتواند زمینه‌ساز تحقیقات گسترده‌تر در حوزه‌های توپونیمی تاریخی، زبان‌شناسی تطبیقی، اسطوره‌شناسی، باستان‌شناسی و تاریخ فرهنگی آذربایجان و خاور نزدیک باستان باشد و در آینده، با اتکا به کشفیات جدید باستان‌شناختی، اسناد مکتوب تازه و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، امکان ارزیابی و تکمیل دقیق‌تر فرضیه‌های مطرح‌شده فراهم گردد.

پایان

نویسنده: فرهاد جوادى یکان سعدی (عبدالله‌اوغلو) - اورمیه ۲۴/۰۸/۲۰۲۰

منابع و مآخذ

(منابع اصلی مورد استفاده)

۱. شافعی، حمید؛ آیریمی، جمال. بالوولو مسکین. اورمیه، ص. ۲۱.
۲. شافعی، حمید؛ آیریمی، جمال. بالوولو مسکین. اورمیه، ص. ۲۲.
۳. مجله اینترنتی اورمیه. «روستای بالو». (منبع الکترونیکی).
۴. Moscati, Sabatino. فنیقیان. ترجمه فارسی: رقیه بهزادی. تهران: نشر پژوهنده، ۱۳۷۸، ص. ۴۲.
۵. بهزادی، رقیه. اقوام باستانی قفقاز، ماوراءقفقاز و بین‌النهرین. تهران: نشر نی، ۱۳۸۲، ص. ۲۷۱.

۶. Guirand, Félix; Lacau, Georges; Delaporte, Louis. فرهنگ اساطیر آشور و بابل. ترجمه فارسی: ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵، صص. ۱۵۶-۱۵۷.
۷. Doty, William G. (ed.). اساطیر جهان. ترجمه فارسی: ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: انتشارات اسطوره، ۱۳۹۲، ص. ۳۱.
۸. معصومی، غلامرضا. دایرةالمعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان. جلد سوم. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۹۱.
۹. Ions, Veronica. اساطیر مصر. ترجمه فارسی: باجلان فرخی. چاپ دوم. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵، ص. ۱۴.
۱۰. Ions, Veronica. اساطیر مصر. ترجمه فارسی: باجلان فرخی. چاپ دوم. تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۸۵، صص. ۶۰-۶۱.
۱۱. معصومی، غلامرضا. دایرةالمعارف اساطیر و آیین‌های باستانی جهان. جلد سوم. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۹۱.
۱۲. شافعی، حمید؛ آیریمی، جمال. بالوولو مسکین. ارومیه، ص. ۲۲.
۱۳. مجله اینترنتی ارومیه. «تاریخ روستای بالو». (منبع الکترونیکی).
۱۴. Cavendish, Richard. اساطیر و ادیان مشهور جهان. ترجمه فارسی: رقیه بهزادی. تهران: انتشارات علم، چاپ دوم، ۱۳۹۰، ص. ۱۱۹.
۱۵. Guirand, Félix; Lacau, Georges; Delaporte, Louis. فرهنگ اساطیر آشور و بابل. ترجمه فارسی: ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵، ص. ۱۵۱.

منابع و مأخذ

(منابع تکمیلی برای تبیین مبانی نظری پژوهش)

- Black, Jeremy; Green, Anthony. Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia: An Illustrated Dictionary. London: British Museum Press, 1992.
- Bottéro, Jean. Religion in Ancient Mesopotamia. Chicago: University of Chicago Press, 2001.
- Dalley, Stephanie. Myths from Mesopotamia: Creation, the Flood, Gilgamesh and Others. Revised Edition. Oxford: Oxford University Press, 2008.

- Eliade, Mircea. A History of Religious Ideas. Vols. I–III. Chicago: University of Chicago Press.
- Hornung, Erik. Conceptions of God in Ancient Egypt: The One and the Many. Ithaca: Cornell University Press, 1982.
- Jacobsen, Thorkild. The Treasures of Darkness: A History of Mesopotamian Religion. New Haven: Yale University Press, 1976.
- Leick, Gwendolyn. A Dictionary of Ancient Near Eastern Mythology. London: Routledge, 1998.
- Lipiński, Edward. The Aramaeans: Their Ancient History, Culture, Religion. Leuven: Peeters Publishers, 2000.
- Markoe, Glenn E. Phoenicians. London: British Museum Press, 2000.
- Moscati, Sabatino. The World of the Phoenicians. London: Weidenfeld and Nicolson, 1968.

III منابع و مأخذ

(آوانویسی لاتین منابع و آثار منتشرشده به زبان فارسی)

- Shafei, Hamid; Ayrimi, Jamal. Balovolü Miskin. Urmia.
- Moscati, Sabatino. Feniқиhā. Tarjome-ye Roqayyeh Behzadi. Tehran: Nashr-e Pazhuhandeh, 1378.
- Behzadi, Roqayyeh. Qowmhā-ye Kohan dar Qafqāz, Māvārā-ye Qafqāz va Beyn al-Nahrayn. Tehran: Nashr-e Ney, 1382.
- Guirand, Félix; Lacau, Georges; Delaporte, Louis. Farhang-e Asātir-e Āshur va Bābel. Tarjome-ye Abolqasem Esmailpour. Tehran: Nashr-e Fekr-e Rooz, 1375.
- Doty, William G. (ed.). Asātir-e Jahān. Tarjome-ye Abolqasem Esmailpour. Tehran: Nashr-e Asātir, 1392.
- Masoumi, Gholamreza. Dāyerat al-Ma'āref-e Asātir va Āyin-hā-ye Bāstāni-ye Jahān. Vol. III. Tehran: Sure-ye Mehr, 1388.
- Ions, Veronica. Asātir-e Mesr. Tarjome-ye Bajelan Farrukhi. Tehran: Nashr-e Asātir, 1385.
- Cavendish, Richard. Asātir va Adyān-e Mashhur-e Jahān. Tarjome-ye Roqayyeh Behzadi. Tehran: Enteshārāt-e Elm, 1390.

GİRİŞ

Araştırmanın Önemi

Toponimler, bir halkın eski tarihi, etnik yapısı, dili, dinî-mitolojik dünya görüşü ve kültürel gelişim evrelerinin incelenmesinde başvurulmuş en önemli bilimsel kaynaklardan biridir. Özellikle binlerce yıl boyunca kesintisiz biçimde varlığını sürdüren yerleşim yerlerinin adları, eski dil katmanlarını ve mitolojik tasavvurları günümüze kadar muhafaza etmiş olmaları bakımından özel bir önem taşımaktadır. Urmiye havzasında bulunan Balo/Balov köyü de bu nitelikteki eski yerleşim merkezlerinden biridir.

Buna rağmen, Balo/Balov toponiminin kökeni bugüne kadar sistemli biçimde incelenmemiş; mevcut araştırmalar daha çok onun fonetik ve leksik özellikleri üzerinde durmuşlardır. Toponimin Eski Yakın Doğu mitolojisi, dinî sistemleri ve tarihsel-etimolojik katmanları ise müstakil bir bilimsel araştırma konusu hâline getirilmemiştir.

Bu çalışma, söz konusu boşluğu belirli ölçüde doldurmayı amaçlamaktadır.

Araştırmanın Amacı

Bu araştırmanın temel amacı, Urmiye kentinin Revzeçay bölgesinde bulunan Balo/Balov köyünün etimolojisini tarihsel, karşılaştırmalı-etimolojik ve mitolojik açıdan incelemek; mevcut bilimsel yaklaşımları değerlendirmek ve yazar tarafından ileri sürülen etimolojik hipotezi eski kaynaklar ışığında temellendirmektir.

Araştırmanın Metodolojisi

Araştırmada karşılaştırmalı tarihsel yöntem, etimolojik çözümleme, semantik analiz, toponimik karşılaştırma, mitolojik motiflerin karşılaştırmalı incelenmesi ve eski yazılı kaynakların analizi yöntemleri kullanılmıştır.

Çalışma kapsamında Eski Mezopotamya, Fenike, Ken'an, Ugarit ve Mısır mitolojisine ilişkin kaynaklar ile tarih, etnoloji ve toponimi alanındaki çağdaş bilimsel literatür karşılaştırmalı biçimde değerlendirilmiştir. Makalede sunulan bazı etimolojik rekonstrüksiyonlar ve tarihsel sonuçlar, yazarın karşılaştırmalı çözümlemeler temelinde geliştirdiği bilimsel hipotezler olarak değerlendirilmelidir.

Bilimsel Yenilik

Bu araştırmanın bilimsel yenilikleri şunlardır:

- Balu/Balo/Balov toponimi ilk kez eski Fenike–Ken'an–Ugarit mitolojik sistemiyle bütüncül biçimde karşılaştırılmaktadır.
- Toponimin Bal/Bel/Be'el ile ov/of bileşenleri ayrı ayrı etimolojik ve semantik incelemeye tabi tutulmaktadır.

- Toponimin Eski Sümer ve Mısır mitolojisiyle olası paralellikleri karşılaştırmalı olarak ele alınmaktadır.
- Mevcut açıklamalardan farklı olarak yazar tarafından yeni bir etimolojik hipotez ileri sürülmekte ve çeşitli tarihsel-mitolojik kaynaklar temelinde temellendirilmektedir.

Problemin Ortaya Konuluşu

Balo/Balov köyünün adı bugüne kadar daha çok yerel nitelikli araştırmalarda anılmış, etimolojik açıklaması ise sınırlı biçimde ele alınmıştır. Mevcut literatürde ağırlıklı olarak Hamid Şafei'nin ileri sürdüğü balıġ/baluġ etimolojisi üzerinde durulmuştur. Bunun yanında köyün eski adının Palu olduğu belirtilmiş olmakla birlikte, bu adın tarihsel ve etimolojik temelleri ayrıntılı biçimde açıklanmamıştır.

Bu makalede ise konu daha geniş bir tarihsel-karşılaştırmalı bağlam içinde incelenmekte; yazar tarafından eski Fenike, Ken'an, Ugarit, Sümer ve Mısır mitolojik sistemleriyle ilişkilendirilen yeni bir etimolojik yaklaşım ortaya konulmaktadır.

1. BALOV KÖYÜNÜN COĞRAFİ VE TARİHİ ÖZELLİKLERİ

Balo/Balov Köyü, Urmiye kentinin Revzeçay bölgesine bağlı en eski ve en tanınmış yerleşim yerlerinden biri olarak kabul edilmektedir. Tarihî kaynaklar ve yerel bilgiler, bu köyün yüzyıllar boyunca Urmiye bölgesinin önemli yerleşim merkezlerinden biri olduğunu göstermektedir.

Köy, Urmiye kent merkezinin yaklaşık 6 km kuzeybatısında, Urmiye–Selmas karayolunun 1,5 km batısında, düz bir topoğrafyaya ve ılıman iklim koşullarına sahip bir alanda yer almaktadır. Elverişli coğrafi konumu, verimli tarım arazileri ve su kaynakları, yerleşimin sürekliliğinde önemli rol oynamıştır.

Balov köyünün halkı tarih boyunca Şii ve Sünni mezheplerine mensup olmuş; günlük yaşamda Azerbaycan Türkçesi konuşmuştur. İran İslam Devrimi'nden sonra bölgeye Kürt ailelerinin göç etmesi sonucunda köyün nüfusu önemli ölçüde artmıştır. Günümüzde köyde yerli Azerbaycan Türklerinin yanı sıra sonradan yerleşen Kürt aileleri de yaşamaktadır.

Resmî istatistiklere göre nüfusunun 16 bin kişiyi aşması, Balu köyünün İran'ın en büyük kırsal yerleşimlerinden biri olarak değerlendirilmesine imkân vermektedir.

Kaynaklar:

- İran İstatistik Merkezi (Statistical Center of Iran), son nüfus sayımı verileri (nüfus bilgileri için).
- Hamid Şafei ve Cemal Ayrımı, Balovolı Miskin, s. 21–22.

- Urmiye İnternet Dergisi.

2. TOPONİMİN ARAŞTIRILMA TARİHİ

Balov toponiminin etimolojisi bugüne kadar kapsamlı bir bilimsel araştırmanın konusu olmamıştır. Mevcut literatürün incelenmesi, bu konuda sistemli bir görüş ortaya koyan başlıca araştırmacının Hamid Şafei olduğunu göstermektedir. Şafei, Balovlu Miskin adlı eserinde toponimin Eski Türkçedeki balıĝ/baluĝ ("şehir") sözcüğüyle ilişkili olduğunu belirtmiştir. Yazara göre Balov adı, bu eski sözcüğün fonetik değişime uğramış biçimi olarak açıklanabilir.¹ Hamid Şafei bu görüşünü, Eski Türk toponimleri olan Han Balıĝ, Beş Balıĝ ve Yengi Balıĝ gibi şehir adlarıyla karşılaştırarak temellendirmeye çalışmıştır. Ayrıca Doğu Türkistan'da Belov adlı bir yerleşim yerinin bulunmasını da bu ihtimali destekleyen bir kanıt olarak göstermiştir. Daha sonra (s. 22) günümüzde de Türkistan'da Balasagun ile Taraz şehirleri arasında yer alan Arĝu bölgesinde Belov adlı bir yerleşim yerinin bulunduğunu belirtmektedir. Türk boy ve kabilelerinin bir bölümünün MÖ yaklaşık 4500–5000 yıllarında Orta Asya ve Türkistan'dan Azerbaycan'a göç ettiği, daha sonra ise Azerbaycan'dan Mezopotamya'ya ve İran'ın batı ile güney bölgelerine yayıldığı yönündeki tarihsel görüş esas alındığında, Balov ve Belov adlarının da bu Türk kökenli topluluklara ait olduğu sonucuna varmak mümkündür. Aynı mantık çerçevesinde Balov/Belov köy adının da balıĝ ya da baluĝ sözcüğünün küçük fonetik değişikliklere uğramış bir biçimi olduğu düşünülebilir.²

Ancak bu makalenin yazarına göre Balov toponiminin etimolojisi yalnızca Eski Türkçedeki balıĝ sözcüğüyle açıklanamaz. Toponimin fonetik yapısı, eski mitolojik sistemlerde görülen paralellikler ve tarihî-kültürel ilişkiler, onun daha eski semantik katmanlara sahip olabileceğini düşündürmektedir.

Hamid Şafei'nin ortaya koyduğu etimolojik açıklama, Eski Türkçede balıĝ sözcüğünün varlığını esas alan dikkat çekici bir yaklaşımdır. Bununla birlikte, söz konusu açıklama toponimin olası mitolojik ve dinî katmanlarını ayrıca incelememektedir. Bu nedenle Balov adının daha eski semantik bileşenler taşıma ihtimali ayrıca araştırılmalıdır.

Mevcut verilerin karşılaştırmalı analizi, yazara Balov toponiminin kökeni hakkında farklı bir etimolojik hipotez geliştirme imkânı vermektedir. Bu hipotez, eski Fenike, Ken'an, Ugarit, Sümer ve Mısır mitolojik kaynaklarının karşılaştırmalı incelenmesine dayanmaktadır.

Bu çerçevede aşağıda sunulan karşılaştırmalı çözümlemede Balov toponimi, Fenike, Ken'an, Ugarit, Sümer ve Mısır mitolojik malzemesi ışığında incelenmektedir.

3. BALOV TOPONİMİNİN ETİMOLOJİK ÇÖZÜMLEMESİ

Toponimin etimolojik çözümlemesi, Balov adının yalnızca fonetik açıdan değil, aynı zamanda semantik, mitolojik ve tarihsel yönleriyle de incelenmesi gerektiğini göstermektedir. Toponimlerin yalnızca ses değişimleri esas alınarak açıklanması, çoğu durumda onların eski semantik katmanlarını ortaya çıkarmaya yeterli değildir. Bu nedenle bu araştırmada Balov adı, karşılaştırmalı-tarihsel yöntem temelinde Eski Yakın Doğu mitolojisi, Eski Türk söz varlığı ve arkaik dinî terminoloji çerçevesinde değerlendirilmektedir.

4. ARAŞTIRMANIN KURAMSAL TEMELLERİ

Bu araştırma, tarihsel toponimi, karşılaştırmalı tarihsel dilbilim, mitoloji araştırmaları ve Eski Yakın Doğu tarihi disiplinlerinin kesişim noktasında yürütülmüştür. Araştırmada, toponimlerin yalnızca fonetik değişimleri değil, aynı zamanda semantik, mitolojik ve dinî katmanlarını koruma ilkesi de esas alınmıştır.

Karşılaştırmalı çözümlemeler sırasında Sümer, Akad, Fenike, Ken'an, Ugarit ve Mısır kaynakları karşılaştırılmış; bunlarda yer alan toponimik ve mitolojik veriler sistematik biçimde değerlendirilmiştir.

5. KULLANILAN YÖNTEMLER

Araştırmada aşağıdaki yöntemlerden

yararlanılmıştır:

- Karşılaştırmalı-tarihsel yöntem;
- Etimolojik çözümleme;
- Semantik analiz;
- Toponimik karşılaştırma;
- Mitolojik karşılaştırma;
- Tarihî kaynakların karşılaştırmalı analizi;
- Antroponim ve teonimlerin karşılaştırmalı incelenmesi.

BALOV TOPONİMİNİN KARŞILAŞTIRMALI-TARİHSEL ÇÖZÜMLEMESİ

Balov/Belov köy adının kökeninin araştırılması, bu toponimin etimolojisinin yalnızca fonetik benzerlikler temelinde açıklanamayacağını göstermektedir. Toponimlerin oluşumu çoğu zaman eski toplumların dili, dinî dünya görüşü, mitolojik tasavvurları ve tarihî göç süreçleriyle yakından ilişkilidir. Bu nedenle Balo/Balov toponiminin açıklanmasında yalnızca dilsel veriler değil, aynı zamanda Eski Yakın Doğu'nun mitolojik ve tarihî kaynaklarının karşılaştırmalı olarak değerlendirilmesi de zorunludur.

Mevcut literatürün incelenmesi, Balo/Balov/Belov köy adı hakkında sistemli etimolojik görüşlerin esas olarak Hamid Şafei'nin araştırmalarında ortaya konulduğunu göstermektedir. Şafei, Balovolı Miskın adlı eserinde bu adı Eski Türkçede "şehir" anlamında kullanılan balığ/baluğ sözcüğüyle ilişkilendirerek dikkat çekici bir etimolojik açıklama ileri sürmüştür.¹—

² Bu yaklaşım, Eski Türk toponimisi açısından önem taşımaktadır.

Ancak bu makalenin yazarına göre Balo/Balov toponimi yalnızca bu açıklamayla sınırlandırılmaz. Toponimin fonetik yapısı, eski yazılı kaynaklarda görülen paralellikler ve farklı mitolojik sistemlerde gözlemlenen benzerlikler, onun daha eski semantik katmanlara sahip olabileceği ihtimalini de gündeme getirmektedir. Bu nedenle araştırmada Türk kökenli Fenike, Ken'an ve Ugarit topluluklarının yanı sıra Sümer ve Mısır mitolojik malzemeleri de karşılaştırmalı biçimde incelenmektedir.

Bu köy adının etimolojisi hakkında yürüttüğümüz kapsamlı araştırmalar sonucunda, kökeninin eski Türk mitolojisine kadar uzandığı kanaatine varılmıştır. Köyün adı halk arasında Balov ve Belov biçimlerinde telaffuz edilmekte, Farsçada ise Balo şeklinde yazılmaktadır.

Yazar tarafından gerçekleştirilen araştırmalar neticesinde, bu adın eski Fenike, Ken'an ve Ugarit Türkleri arasında da mevcut olduğu; bunun tesadüf olmayıp eski çağlarda Azerbaycan'da yaşamış Sümer Türklerinin tarihî, mitolojik mirası ve gelenekleriyle bağlantılı bulunduğu sonucuna ulaşılmıştır.

Urmiye İnternet Dergisi'nde köyün eski adının Palu (Palo) olduğu belirtilmekle birlikte, bu adın etimolojisi ve tarihî kökeni hakkında herhangi bir açıklamaya yer verilmemiştir.³ Bu bilgi ise, toponimin eski fonetik biçimlerinin var olabileceği ihtimalini gündeme getirmekte ve onun daha geniş tarihsel bağlam içerisinde incelenmesini gerekli kılmaktadır.

Yazar tarafından gerçekleştirilen karşılaştırmalı araştırmalar sonucunda Balo // Balov // Bəlov adının, eski Fenike hükümdarlarının antroponimleri arasında yer alan Bəlu (Ba'lu) adıyla olası paralellikler gösterdiği dikkat çekmektedir. Sabatino Moscati, Asur kralı Esarhaddon'un yıllıklarına dayanarak Sur (Tyre) kralı Bəlu'dan söz etmektedir.⁴ Bu durum, "Bəlu" biçiminin Eski Yakın Doğu'da hem bir kişi adı hem de siyasal iktidarla bağlantılı bir hükümdar adı olarak kullanıldığını göstermektedir. Bununla birlikte, bu benzerliğin Balov // Bəlov köyünün adıyla doğrudan tarihî bir bağlantıyı kanıtladığı değil, yalnızca karşılaştırmalı araştırmaya temel oluşturan bir olasılık olduğu özellikle vurgulanmalıdır.

Bunun yanı sıra aşağıdaki kaynaklarda Ba'al kültü, Fenike ve Ugarit mitolojisi ile Esarhaddon döneminde yaşamış Ba'lu adlı hükümdar hakkında ayrıntılı bilgiler bulunmaktadır:

Sabatino Moscati, The Phoenicians, London: Weidenfeld & Nicolson, 1968 — Fenike hükümdarları ve Sur kralları hakkında.

Mark S. Smith, The Ugaritic Ba'al Cycle, Brill, 1994–2009 — Ugarit'teki Ba'al kültü üzerine temel bilimsel çalışmalardan biri.

Rüqəyyə Behzadi, Kadim Halklar, s. 271 — Ken'an mitolojisinde Ba'al tanrısının görevleri ve sembolizmi hakkında.

Bu nedenle yazar, Balov // Bəlov toponimini eski mitolojik sistemler çerçevesinde inceleyerek onun semantik yapısını iki ana unsur üzerinden değerlendirmektedir:

Bal / Bəl / Baal ve ov / of.

Makalenin sonraki bölümlerinde bu iki unsurun her biri eski yazılı kaynaklar ve çağdaş bilimsel literatür ışığında ayrı ayrı incelenecektir.

BAAL (BAL/BEL) BİLEŞENİNİN MİTOLOJİK VE ETİMOLOJİK ÇÖZÜMLEMESİ

Yazar tarafından gerçekleştirilen karşılaştırmalı araştırmalar sonucunda, Belov/Balov toponiminin ilk bileşeni olan Bal/Bel/Be'el unsurunun, eski Fenike, Ken'an ve Ugarit Türk kökenli topluluklarının dinî-mitolojik geleneklerinde önemli bir yere sahip olan Baal (Ba'al) teonimiyle ilişkili olduğu ileri sürülmektedir. Yazarın hipotezine göre, toponimin semantik temelini esas itibarıyla bu eski ilahî ad oluşturmuş olabilir.

Eski Fenike ve Ken'an kaynaklarında Baal (Ba'al) en güçlü ilahî varlıklardan biri olarak kabul edilmiştir. Rüqayye Behzadi, Kadim Halklar adlı eserinde, Ken'an dinî dünya görüşünde Ba'al'ın düzenin koruyucusu, fırtına, yağmur ve bereket tanrısı olarak kabul edildiğini belirtmektedir. Onun işlevleri, Mezopotamya panteonundaki Enlil, Adad, Marduk ve Aşşur gibi tanrılarla belirli benzerlikler göstermektedir. Ba'al'ın temel sembolü boğadır ve bu hayvan güç, bereket ve egemenliğin simgesi olarak kabul edilmiştir.

Rüqayye Behzadi, Kadim Halklar adlı eserinin 271. sayfasında şu bilgileri vermektedir:

"Ken'an'da Ba'al, düzensizlik ve kaos karşısında düzeni koruyan tanrı olarak kabul edilirdi. Ba'al, Mezopotamya tanrıları Enlil, Adad, Marduk ve Aşşur gibi fırtına tanrısı ve göksel mahkemenin uygulayıcısıydı. Bu tanrının sembol hayvanı, Enlil ve Adad'da olduğu gibi boğaydı ve ibadet törenlerinde kullanılırdı. Boğa boynuzları, 'Ba'al' sembolü olarak miğferlerin üzerine yerleştirilirdi. Taş kabartmalarda ve heykellerde Ba'al, kısa etekli, belinde hançer taşıyan ve savaşa hazır bir savaşçı olarak tasvir edilmiştir. Bir elinde topuz, diğer elinde ise sapı dal ve yapraklarla betimlenmiş ağaç biçiminde bir mızrak bulunmaktadır. Ba'al'ın etkinlik alanı Enlil kadar geniş olmayıp daha çok tabiat olaylarıyla sınırlıdır. Ba'al, koruyucusu olduğu

bitkilerle tanınmaktadır. 'Dagan'ın oğlu' unvanı da bunu göstermektedir; çünkü Dagan tahlil tanrısı olarak kabul edilirdi."⁵

Türk kökenli veya Türk soylu Fenikelilerin dinî tasavvurlarına göre ilahî güçler çoğu zaman boğa sembolüyle ilişkilendirilmiştir. Bu durum tesadüfî değildir. Çünkü Fenike ve Ken'an toplumlarında fizikî güç, bereket ve hâkimiyet kavramları sembolik olarak boğa figürüyle temsil edilmiştir. Bu nedenle Ba'al tasvirlerinde boğa sembolünün önemli bir yer tutması, eski dinî geleneğin karakteristik özelliklerinden biri sayılmaktadır.

Bel/Bal/Baal, Fenike mitolojisinde El tanrısından bile daha eski kabul edilmektedir. Genel olarak Ken'an panteonunun tanrıları da Ba'al adıyla anılmıştır. Bu sebeple Ba'al adının belirli bir özel isimden ziyade, gerçek tanrının veya tanrıların adını gizleyen bir unvan ya da dinî hitap biçimi olduğu söylenebilir. Çünkü Fenike, Ken'an ve Ugarit toplulukları tanrılarının gerçek adını telaffuz etmekten kaçınmışlardır. Bunun nedeni ise yabancı halkların tanrılarının gerçek adını öğrenerek onu çağırımları ve onun nimetlerinden yararlanmaları ya da tanrının kendi seçilmiş topluluğundan yüz çevirmesini önleme düşüncesidir.

Mevcut kaynaklar, Ba'al kültünün yalnızca tek bir şehirle sınırlı olmadığını göstermektedir. Aksine, Fenike şehir devletlerinin hemen her birinin kendine özgü bir Ba'al kültü bulunmaktaydı. Bu nedenle birçok araştırmacı, Ba'al sözcüğünün belirli bir kişi adı değil, ilahî bir unvan veya dinî bir epitet olarak kullanıldığı görüşünü benimsemektedir. Bu açıdan Ba'al bileşeni farklı bölgelerde farklı ilahî varlıkları ifade etmiş olabilir.

Kaynaklarda Ba'al tanrısının aynı zamanda Hadad adıyla da anıldığı görülmektedir. Hadad, hava, yıldırım, yağmur ve fırtına tanrısı olarak kabul edilmektedir. Tasvirlerinde başındaki boynuzlu taç, elindeki yıldırımı simgeleyen mızrak ve arkasında yer alan boğa figürü dikkat çekmektedir. Asur ve Hitit sanat eserlerinde olduğu gibi Boston Müzesi'nde muhafaza edilen silindir mühürlerde de Hadad'ın bu özellikleri açık biçimde görülmektedir.⁶

Hititlerin Kuzey Suriye'ye hâkim oldukları döneme ait tasvirlerde Hadad, başında boğa boynuzlarıyla süslenmiş bir taç taşımaktadır. Mızrağını yere saplamakta, mızrağın sapı ise gökyüzündeki kırık yıldırım çizgilerini andıracak biçimde betimlenmektedir.

Ayrıca bugün Boston Müzesi'nde korunan silindir mühürlerden birinde de Ba'al-Hadad tasviri yer almaktadır. Bu sahnede Ba'al-Hadad, mızrağıyla bir insanı mağlup etmiş şekilde gösterilmiş; arkasına ise kutsal sembolü olan boğa işlenmiştir.⁶

Bu tür sembolik tasvirler, Fenike, Ken'an ve Ugarit toplumlarının eski dinî geleneğinin ayrılmaz unsurlarından biri olarak değerlendirilmektedir. Finikelilerin inancına göre tanrılar da

insanlar gibi ölümlü ve fanidir; beslenmeye ve su içmeye ihtiyaç duyarlar. Bu nedenle onlara çok sayıda kurban sunulurdu.

Roy Willis, William Doty'nin bilimsel editörlüğünde yayımlanan World Mythology adlı eserde şu bilgileri vermektedir:

"Ken'an mitine göre fırtına tanrısı Ba'al, denizden çıktığı söylenen kozmik yılan ya da Yam adlı ejderhayla şiddetli bir savaşa girer. Göksel zanaatkarların onun için hazırladığı büyü silahların yardımıyla Ba'al kozmik ejderhayı öldürür ve kalıntılarını dört bir yana saçar. Daha sonra Ba'al, ölüm ve kuraklık tanrısı, aynı zamanda yeryüzünün kişileştirilmiş biçimi kabul edilen Mot ile kanlı bir mücadeleye başlar. İlk aşamada Mot, Ba'al'ı yılın yarısı boyunca yeraltı dünyasına inmeye zorlar ve bunun sonucunda her yıl yaz kuraklığı yaşanır. Ancak yüce tanrı El, Ba'al ile Mot arasındaki mücadelenin sonsuza kadar sürmesini emreder. Eğer Ba'al üstün gelirse yedi yıllık bolluk ve bereket dönemi başlayacak; Mot üstün gelirse bunun sonucu yedi yıllık kuraklık ve kıtlık olacaktır."⁷

Roy Willis'in aktardığı bu bilgilerden hareketle, Fenike–Ken'an–Ugarit Türklerinin Ba'al (Bal) tanrısına ilişkin mitinin, özünde Sümer mitolojisindeki Marduk ile Tiamat arasındaki yıkıcı kozmik mücadele motifine benzeyen bir anlatıyı yansıttığı sonucuna varılabilir. Bu açıdan Fenike–Ken'an–Ugarit Türklerinin inanç sisteminde Ba'al, hava, rüzgâr ve fırtına tanrısı olarak merkezi bir konuma sahiptir.⁷

Not: Bu metinde kullanılan "Fenike Türkleri", "Ken'an Türkleri", "Ugarit Türkleri" ve "Sümer Türkleri" ifadeleri yazarın bilimsel hipotezini yansıtmaktadır. Günümüz uluslararası tarih yazımında Fenikeliler, Ken'anlılar ve Ugaritliler genel olarak Kuzeybatı Sami halkları içerisinde sınıflandırılmaktadır.

Bu kaynaktan anlaşıldığı üzere, Roy Willis'in aktardığı Ken'an mitine göre Ba'al, kozmik deniz gücünü temsil eden Yam adlı ejderhayla savaşmakta ve ilahî silahların yardımıyla ona üstün gelmektedir. Daha sonra ise ölüm ve kuraklık tanrısı Mot ile karşı karşıya gelmektedir. Mitolojik anlatıya göre Ba'al ile Mot'un dönüşümlü üstünlüğü, doğadaki bereket ve kuraklık dönemlerini açıklayan kozmogonik bir model olarak sunulmaktadır.⁷

Bilimsel Değerlendirme

Yukarıda sunulan bilgilerin önemli bir bölümü, Eski Yakın Doğu dinleri ile Ugarit–Ken'an mitolojisine ilişkin çağdaş bilimsel araştırmalarla uyumludur. Özellikle aşağıdaki çalışmalar, yazarın bazı değerlendirmelerini desteklemektedir:

1. Mark S. Smith, The Ugaritic Ba'al Cycle, Cilt I, Leiden: Brill, 1994, s. 1–80. — Ba'al'ın fırtına, yıldırım, bereket ve egemenlik tanrısı olması ile Yam ve Mot'la mücadelesi ayrıntılı biçimde incelenmektedir.
2. Mark S. Smith, The Early History of God: Yahweh and the Other Deities in Ancient Israel, 2. baskı, Grand Rapids: Eerdmans, 2002, s. 81–110. — Ba'al kültünün Ken'an ve Ugarit dinî sistemi içerisindeki yeri ele alınmaktadır.
3. Sabatino Moscati, The Phoenicians, London: Weidenfeld and Nicolson, 1968, s. 90–110. — Fenikelilerin dinî inançları, Ba'al kültü ve şehir tanrısı sistemi hakkında bilgi verilmektedir.
4. John Gray, The Canaanites, London: Thames and Hudson, 1964, s. 66–93. — Ken'an dini ile Ba'al ve El tanrılarının işlevleri bilimsel temelde açıklanmaktadır.
5. Roy Willis (ed.), World Mythology: The Illustrated Guide, London: Duncan Baird Publishers, 1993, s. 31–33. — Ba'al'ın Yam ve Mot ile mücadelesi dünya mitolojisi bağlamında ele alınmaktadır.

Mitoloji ansiklopedicisi Gulamrza Masumi'nin verdiği bilgiye göre Balua (Balu/Balova), Moab (Ölü Deniz'in güneyinde yer alan eski bölge) sınırları içinde bulunan bir yerleşim merkezinin adıdır. Söz konusu bölgede Ba'al (Ba'al) tanrısına, Anat tanrıçasına ve Moab kralına ait bir stel (taş kitabe) bulunmuştur.⁸

Yazara göre bu mitolojik motifler, Eski Yakın Doğu halklarının dinî düşüncesinde hayat, ölüm, bereket ve tabiat olaylarını açıklayan ortak mitolojik geleneğin parçalarıdır. Bu bakımdan Ba'al figürü yalnızca tek bir halkın dinî sistemi içinde değil, bütün Eski Yakın Doğu'nun mitolojik düşüncesi çerçevesinde değerlendirilmelidir.

Eğer Belov/Balov toponiminin ilk bileşeni gerçekten de Bal/Bel/Baal teonimiyle ilişkiliyse, bu adın yalnızca fonetik bir benzerliği değil, aynı zamanda belirli bir dinî-mitolojik anlam katmanını da yansıtır olabileceği düşünülebilir. Bununla birlikte, böyle bir ilişkinin kesin tarihsel bir olgu olarak değil; mevcut kaynakların karşılaştırmalı değerlendirilmesine dayanan yazarın bilimsel hipotezi olarak ele alınması daha isabetli olacaktır.

"OV/OF" BİLEŞENİNİN ETİMOLOJİK VE MİTOLOJİK ÇÖZÜMLEMESİ

Yazarın ortaya koyduğu etimolojik hipoteze göre, Belov/Balov toponiminin ikinci bileşeni, Eski Türkçede kullanılan "ov" ya da onun fonetik varyantı olan "of" sözcüğüyle ilişkilidir. Yazar bu bileşeni yalnızca sözlüksel bir unsur olarak değil, aynı zamanda eski mitolojik dünya görüşünü yansıtan arkaik bir semantik öge olarak değerlendirmektedir.

Türk dillerinde ov sözcüğü başlıca "av", "avlanma", "avcılık", "av yapmak", "öldürmek" ve "yok etmek" anlamlarında kullanılmaktadır. Bu semantik çerçeve dikkate alındığında, yazar Belov/Balov toponiminin "Avin Tanrısı", "Avin Koruyucu Tanrısı (veya Tanrıçası)" ya da "Ölüm Üzerinde Egemen Olan İlahi Güç" şeklinde yorumlanabileceğini ileri sürmektedir.

Öte yandan, ov/of bileşeni Eski Türkçedeki ev (ev, mabet) sözcüğüyle fonetik yakınlık temelinde değerlendirilirse, bu durumda toponimin "Baal'ın Evi", "Baal'ın Mabedi" veya "Baal'a Tapınılan Yer" anlamını taşıma ihtimali de göz önünde bulundurulabilir.

Türkçedeki ov/of sözcüğü yalnızca bu anlamları ifade etmemekte, aynı zamanda eski Türk mitolojik söz varlığının önemli kavramlarından biri olarak da değerlendirilmektedir. Yazara göre eski Türklerin, özellikle Fenike–Ugarit–Ken'an Türklerinin Akdeniz kıyılarına göç etmeleri sonucunda bu sözcük Mısır'a da taşınmış ve Eski Mısır mitolojisinde iz bırakmıştır.

Yazar bununla da yetinmeyerek, ov/of bileşeninin Eski Mısır mitolojisinde görülen Auf (Of) kavramıyla karşılaştırmalı olarak incelenmesini önermektedir.

Bu bağlamda ov ya da onun fonetik varyantı olan of, Eski Mısır mitolojisinde "ölmüş Güneş Tanrısı", "ölmek üzere olan Güneş Tanrısı", "yeraltı dünyasının Güneş Tanrısı", "batmış güneş", "güneşin batışı" ve "güneşin ölümü" anlamlarında kullanılmış; Ov-Ra (Ov-Re) veya Of-Ra (Of-Re) adlarıyla anılmıştır.

Yazarın görüşüne göre bu karşılaştırma, Eski Yakın Doğu halkları arasında mitolojik motiflerin yayılması ve karşılıklı etkileşimi bakımından dikkat çekicidir.

Mısır mitolojisinin önde gelen araştırmacılarından Veronica Ions, güneş tanrısı Ra'nın gece saatlerinde yeraltı dünyasında yaptığı yolculuk sırasında Auf-Ra adıyla tanındığını belirtmektedir. Bu evrede Ra artık gündüzün muzaffer güneş tanrısı değil, ölüm ve yeniden doğuş sürecini yaşayan ilahî bir varlık olarak tasavvur edilmektedir.

Veronica Ions, Egyptian Mythology adlı eserinde, Ra kültürünün muhtemelen Akdeniz adalarından veya Kafkasya'dan Mısır'a geçtiğini ifade etmektedir.⁹

Yazara göre Veronica Ions'un bu değerlendirmesi, Eski Mısır mitolojisinin Kafkasya ve Azerbaycan coğrafyasıyla bağlantılı olduğu; ayrıca bu mitolojik geleneklerin Azerbaycan ve Ugarit'te yaşamış Fenike ve Ken'an Türklerinin Akdeniz kıyılarına göç etmeleri sonucunda Mısır ve Kuzey Afrika'ya yayıldığı yönünde ileri sürülen teoriyi destekleyen kanıtlardan biri olarak değerlendirilebilir.

Ions'un aktardığı bilgilere göre Ra, gece yolculuğu sırasında Mesektet adı verilen gece kayığıyla Duat (yeraltı dünyası) boyunca ilerlemekte; bu yolculuk esnasında özellikle dev yılan

Apophis olmak üzere birçok tehlikeyle karşılaşmakta ve diğer ilahların yardımıyla bu sınavları aşmaktadır. On iki gece saatini tamamladıktan sonra ise yeniden doğarak sabah güneşi olarak ufukta görünmektedir.¹⁰

Urmiye kentindeki Balov/Belov köy adının ikinci bileşeni olan ov/of sözcüğünün anlamını daha açık biçimde ortaya koymak amacıyla Veronica Ions'un verdiği bilgiler dikkate alındığında, Güneş Tanrısı Ra'nın her sabah bir çocuk olarak yeniden doğduğu, öğle vakti olgunluk dönemine ulaştığı, akşam ise beli bükülmüş yaşlı bir kişi olarak öldüğü anlaşılmaktadır.

Ra, gece yolculuğu sırasında Auf-Ra (Auf-Re) ya da kısaca Auf (Of) adıyla anılmakta; bu ad "ceset" veya "ölü beden" anlamını taşımaktadır.

Yeraltı dünyası ve Ra'nın gece boyunca geçtiği âlemler, dev iblislerin ve ölülerin ruhlarını tehdit eden korkunç varlıkların yaşadığı mekânlar olarak kabul edilmiştir. Yeraltı dünyası; iki başlı yılanlar, dev sürüngenler ve "Ruhları Yiyenler" olarak adlandırılan korkunç yaratıklar da dâhil olmak üzere çok sayıda iblis ve doğaüstü varlıkla doludur.

Ofun yeraltı âlemdeki temel görevlerinden biri ölülerin ruhlarına yol göstermekti. Onun nuru ölülerin ruhlarına ışık saçar, ruhlar bir uçurumdan diğerine geçerken yeraltı dünyasının sakinleri o ışık ışınını büyük bir hayranlık ve sabırsızlıkla karşılardı. Her bir ruh geçip gittikten sonra ise yeraltı dünyası yeniden derin ve ürkütücü bir karanlığa gömülürdü.

Bu bağlamda, yazara göre Karadeniz kıyısında yer alan Türkiye'nin Of ilçesinin adı da aynı mitolojik gelenekle ilişkilendirilebilir. Yazara göre bu ad yalnızca coğrafi veya yerel bir yer adı olmayıp, Eski Anadolu'da yaşayan Türk soylu ya da Türk kökenli topluluklar tarafından seçilmiş ve yaşatılmış kadim bir mitolojik ad niteliği taşımaktadır. Bu yaklaşıma göre "Of / Ov" unsuru; ölüm, yeraltı âlemi, batan güneş ve yeniden doğuş gibi mitolojik kavramlarla bağlantılı arkaik bir anlam katmanını korumuş olabilir. Dolayısıyla Of adı da, Balov/Belov toponimi gibi, eski mitolojik adlandırma geleneğinin günümüze ulaşmış örneklerinden biri olarak değerlendirilebilir.

Yazar ayrıca bu görüşü daha önce yayımladığı toponimik araştırmalarında da dile getirdiğini belirtmektedir. Özellikle Azerbaycan Cumhuriyeti'nin Yardımlı ilçesinde bulunan Ovra köy adının etimolojisini incelerken, bu toponimi Eski Mısır mitolojisindeki "Auf-Ra (Of-Ra)" mitiyle ilişkilendirmiştir. Bu nedenle yazara göre Anadolu'daki Of, Azerbaycan'daki Ovra ve Urmiye bölgesindeki Balov / Belov adları, aynı mitolojik geleneğin izlerini taşıması muhtemel toponimler olarak karşılaştırmalı biçimde ele alınabilir.

Bununla birlikte, bu yorumun yazarın bilimsel hipotezini yansıttığı özellikle vurgulanmalıdır. Günümüz tarihsel dilbilimi, etimoloji ve toponimi araştırmalarında bu görüş genel kabul görmüş bir yaklaşım değildir. Bu nedenle söz konusu değerlendirme, gelecekte dilbilimsel, mitolojik, tarihsel ve arkeolojik veriler ışığında sınanması gereken karşılaştırmalı bir araştırma önerisi olarak değerlendirilmelidir.

Bilimsel doğrulama :

Bu bölümde Eski Mısır mitolojisine ilişkin bilgiler başlıca aşağıdaki temel bilimsel eserlerle uyumludur:

Veronica Ions, *Egyptian Mythology*, London: Paul Hamlyn, 1968; özellikle s. 24–47, 91–108. — Ra, Atum, Khepri, Duat, Mesektet kayığı, Apophis ve gece yolculuğu hakkında.

Erik Hornung, *The Ancient Egyptian Books of the Afterlife*, Cornell University Press, 1999, s. 19–54. — Güneş tanrısının gece yolculuğu ve Duat'ın yapısı.

E. A. Wallis Budge, *The Gods of the Egyptians*, Cilt I–II, London, 1904. — Ra, Auf-Ra, Apophis ve Mısır kozmogonisi hakkında kapsamlı bilgiler.

Jan Assmann, *Death and Salvation in Ancient Egypt*, Cornell University Press, 2005, s. 148–190. — Güneş tanrısının gece döngüsü ve ölümlerin ruhlarının kurtuluşu.

Not: Metinde yer alan "ov/of" kelimesinin eski Türkçe kökenli olduğu, Mısır mitolojisindeki "Auf" kavramıyla aynı kökten geldiği ve ayrıca Mısır mitolojisinin Azerbaycan ile Kafkasya kökenli olduğu yönündeki görüşler yazarın bilimsel hipotezidir. Bu değerlendirmeler günümüz uluslararası Mısırbilimi ve tarihî dilbiliminde genel kabul görmüş teoriler arasında yer almamaktadır. Bu nedenle makalede yazarın görüşü olarak sunulmaktadır.

Bu mitolojik modelin değerlendirilmesi

Bu mitolojik model, Eski Mısır kozmogonisi içerisinde ölüm ve yeniden diriliş düşüncesinin en temel ifadelerinden biri olarak kabul edilmektedir. Yazara göre Auf figürünün yeraltı dünyası, ölüm ve yeniden doğuş kavramlarıyla ilişkilendirilmesi, ov/of unsurunun yalnızca gündelik dilde kullanılan bir sözcük olmayıp aynı zamanda eski mitolojik terminolojiyle bağlantılı olabileceğini düşündürmektedir.

Burada özellikle vurgulanmalıdır ki, ov/of ile Mısır mitolojisindeki Auf arasında doğrudan etimolojik bir ilişkinin bulunduğu görüşü günümüz bilimsel literatüründe genel kabul görmüş bir olgu değildir. Yazar tarafından ileri sürülen bu yaklaşım; fonetik benzerlik, semantik yakınlık ve karşılaştırmalı mitolojik veriler temelinde oluşturulmuş bilimsel bir hipotez olarak değerlendirilmelidir.

Balov/Bəlov (Belov) adı üzerinde yürütülen araştırmaların devamında, bu adın izlerine Mezopotamya mit ve efsanelerinde, özellikle de Sümer mitolojisinde rastlamak mümkündür. Büyük bir olasılıkla bu köyün adı, Sümer mitolojisinde Etana'nın oğlu ve halefi Balih (Balih) ile ilişkilidir. Başka bir ifadeyle, bu yerleşim adının söz konusu Sümer hükümdarının adını yaşatan bir toponim olması mümkündür.

Mitoloji ve inançlar ansiklopedisinin yazarı Qulamrza Masumi'nin verdiği bilgiye göre Balih, Etana'nın oğludur ve onun halefi kabul edilir. Sümer Kral Listesi'nde Büyük Tufan'dan sonra Kiş şehrinin hükümdarı olarak yer almaktadır.

Rivayete göre Etana'nın çocuğu olmamaktadır. Güneş tanrısı Şamaş, ona çocuk sahibi olabilmesi için "Doğum Bitkisi"ni (Bitki-i Doğuş) bulmasını tavsiye eder ve bu amaçla bir kartalın yardımına başvurması gerektiğini bildirir. Çünkü söz konusu kartal, Etana'yı Doğum Bitkisi'ne götürebilecek tek varlıktır.

Balih'in Etana'nın oğlu olarak gösterilmesi dikkate alındığında, mantıksal olarak Etana'nın sonunda Doğum Bitkisi'ni bulmayı başardığı sonucuna varılabilir.¹¹

Burada belirtmelidir ki, "Doğum Bitkisi" ifadesiyle aslında yeniden doğuşu, bereketi ve soyun devamını sağlayan kutsal bitki kastedilmektedir.

Yukarıda belirtilen bilgiler ve yabancı kaynaklar esas alındığında, Urmiye iline bağlı Balu köyünün adının etimolojisinin, eski Azerbaycan coğrafyasında, Kafkasya'dan günümüz Kuzey Suriye'sine kadar uzanan geniş bir bölgede yaşamış Fenike–Ken'an–Ugarit Türklerinin (Fin–Uygur kolu) mitolojisi ve dinî inançlarıyla bağlantılı olduğu sonucuna varılabilir.

Bu toplulukların Akdeniz kıyılarına göç etmeleri sonucunda Fenike mitolojisi ve tanrıları, özellikle de Ba'al ve Of kültü, diğer halklar arasında ve Mısır'da da yayılmıştır.

Yukarıda sunulan etimolojik açıklamalar ile Balu köy adının Fenike–Ken'an–Ugarit Türklerinin mitolojisi ve dinî sistemiyle ilişkilendirilmesi, bu yerleşim yerinin kuruluş tarihinin oldukça eski dönemlere uzanabileceğini düşündürmektedir.

Eski halkların mitolojik dünya görüşünde insan ruhu çoğu zaman kuş imgesi ile tasavvur edilmiştir. Ölüm anında ruhun bedeni terk ederek kuş gibi göğe uçuşu fikri Mısır, Mezopotamya ve diğer eski Yakın Doğu kültürlerinin mitolojik geleneklerinde yaygın olarak yer almıştır. Özellikle eski Mısır dini tasavvurlarında insanın Ba adlı ruhu insan başlı kuş şeklinde tasvir edilir. Bu ruhun ölüm sırasında bedeni terk ettiği, ancak sonradan yeniden kendi cismini bulduğu kabul edilirdi. Böylelikle Ba ruhu mitolojik bakımdan aynı zamanda «Ba kuşu» olarak da nitelendirilebilir.

Yazarın hipotezine göre, bu mitolojik tasavvur eski Fenike teonimi olan Ba'al (Ba'al) adının alternatif semantik yorumlarından birinin oluşmasına da imkân verir. Eğer Ba bileşeni ruhu ifade eden mitolojik bir kavram olarak kabul edilirse, o zaman Ba.el (Ba'al) adının semantik yapısı «Ba ruhunun tanrısı» ya da «Ba ruhu ile bağlantılı ilahi varlık» şeklinde yorumlanabilir. Bu yaklaşım çerçevesinde yazar, şartlı olarak «Ba kuşu» veya «Be kuşu» ifadelerinin de aynı mitolojik kompleks içinde değerlendirilebileceğini ihtimal eder.

Yazar daha sonra dikkatini Azerbaycan ve Oğuz Türkçesinde kullanılan baykuş (bazı lehçelerde beykuş) zoonimine yöneltir. Onun hipotezine göre, bu sözcüğün ilk semantik katmanlarında «Ba kuşu» veya «Be kuşu» tipindeki arkaik mitolojik tasavvurların izleri korunmuş olabilir. Eğer bu ihtimal gelecek karşılaştırmalı tarihî-dilbilimsel araştırmalarla doğrulanırsa, o zaman Azerbaycan ve diğer Türk halklarının folklorunda baykuşun ölüm, yalnızlık, uğursuzluk ve nahoşlukla ilişkilendirilmesi de o eski mitolojik geleneklerin uzak yankısı olarak açıklanabilir.

Bununla birlikte vurgulanmalıdır ki, Ba, Baal (Ba'al) ve baykuş sözcükleri arasında burada ileri sürülen bağlantılar, yazar tarafından fonetik yakınlık, karşılaştırmalı mitolojik malzeme ve semantik paraleller temelinde ortaya konmuş bilimsel bir hipotezdir. Hâlihazırda bu etimolojik açıklama, uluslararası tarihî dilbilim, Mısırbilim ve Semitoloji alanlarında genel kabul görmüş bir teori sayılmaz ve gelecekteki karşılaştırmalı etimolojik, tarihî-dilbilimsel ve mitolojik araştırmalarla ayrıca doğrulanmalıdır.

Yazarın kanaatine göre, Urmiye şehrinin Balov köyünün birinci bileşeni olan Bal sözcüğü, eski Fenike mitolojisinde mevcut olmuş Ba'al (Ba.El), Ba.El, Ba.İl veya Bayıl (Ba.il) teoniminin fonetik bakımdan sadeleşmiş ve kısaltılmış biçimi olarak açıklanabilir.

Yazarın hipotezine dayanarak, Baal (Ba'al) teoniminin «Ba + El» (veya «Be + El») modeli temelinde yeniden kurgulanması, karşılaştırmalı etimolojik ve mitolojik analize dayanan yazar yaklaşımıdır. Bu etimolojik rekonstrüksiyon, hâlihazırda uluslararası tarih yazımı, tarihî dilbilim ve dinler tarihi alanlarındaki bilimsel literatürde genel kabul görmüş bir teori sayılmaz ve yazar tarafından ileri sürülmüş bilimsel bir hipotez olarak değerlendirilmelidir.

Yazar tarafından ileri sürülen, Ba'al teoniminin ve onunla bağlantılı mitolojik geleneğin Azerbaycan'dan Kuzey Suriye'ye, Filistin'e, Ürdün'e ve diğer Yakın Doğu bölgelerine yayılması, ayrıca Fenike, Ugarit ve Ken'an halklarının Türk soylu ya da Türk kökenli etnik birliklerle ve Azerbaycan'la bağlantılı olduğu hakkındaki hipotezin karşılaştırmalı temellendirilmesi amacıyla dikkatlere sunulur ki, bugün de Azerbaycan'ın başkenti Bakü

şehrinde Bayıl adıyla bilinen eski tarihî yerleşim alanı mevcuttur. Bayıl hem tarihî mahalle, hem de Bakü şehrinin Sebail ilçesinin bir parçası olarak günümüze kadar adını korumuştur. Hazar Denizi kıyısında yer alan o bölgenin bir kısmı Bayıl burnu, burada bulunan tarihî kale ise Bayıl Kalesi adıyla tanınır.

Yazarın düşüncesine göre, Urmiye bölgesindeki Balov toponiminin Bal bileşeni de aynı eski teonimin fonetik bakımdan sadeleşmiş biçimi olarak değerlendirilebilir. Bu hipotezin karşılaştırmalı delillerinden biri olarak Bakü'nün tarihî Bayıl (Bail) toponimi de dikkatlere sunulur. Yazar, Bayıl adının da aynı mitolojik-semantik sistem çerçevesinde incelenebileceğini ve bu bakımdan Azerbaycan topraklarında Ba-El modelinin arkaik izlerini korumuş toponimlerden biri sayılabileceğini düşünmektedir.

Bu yaklaşım, yazarın daha geniş kavramsal hipoteziyle de uyuşur. O hipoteze göre, eski Fenike, Ken'an ve Ugarit halklarının etnik ve kültürel kökleri Büyük Azerbaycan'ın eski nüfusuyla bağlantılı olmuş, sonraki göç süreçleri sonucunda onların dinî-mitolojik tasavvurları, teonimleri ve kült gelenekleri Akdeniz havzasına, bu arada Kuzey Suriye, Filistin, Lübnan, Ürdün ve Mısır'a yayılmıştır. Yazarın kanaatine göre, Ba'al teonimi ve onunla bağlantılı mitolojik gelenek de o kültürel-dinî yayılma sürecinin bir parçası olarak değerlendirilebilir.

Yazarın düşüncesine göre, Balov köy adının ikinci bileşenini ise eski Türk dillerinde kullanılmış Ov, yahut onun fonetik varyantı olan Of oluşturur. Bu bileşen, yazar tarafından ölüm, yeniden doğuş, yeraltı âlemi, ölüp-dirilme ve diriliş (kıyamet) kavramlarıyla ilişkilendirilir.

Yazara göre, Urmiye şehrinin Balov//Belov köy adının mitolojik oluşum süreci şu şekilde açıklanabilir:

Ba'al → Bel → Bal + Of // Ov → Balov

Ba'al + Of → Belof → Belov → Balov

Yazarın hipotezine göre Urmiye'nin Balov / Belov köyünün adı, o Azerbaycan topraklarından Akdeniz havzasına göç edip yayılan Fenikelilerin Baal (Ba'al) tanrısının adını taşır ve oykonim, Baal (Ba'al) tanrısının şerefine konulmuş bir addır.

BA'AL // BE'EL //BEL = "Ba" ruhu tanrısı, "Ba" tanrı (ruh tanrısı); Fenikelilerin en güçlü ve iktidarlı tanrısı

OV // OF = avlamak, avlanmak, şikar olmak ya da etmek, ölmek, öldürmek, ruh ve can vermek, ruh ve can almak, sönmek ve söndürmek, yok olma, yokluk

Baal //Ba'al (teonim) + Ov (ölüm, fena, ölü, yeraltı dünyası) > (ardışık gelen iki aynı ünlüden birinin düşmesiyle) Bel + Ov > Belov

Ba'al (teonim) + Ov (ölüm, fena, ölü, yeraltı dünya) > (ardışık gelen iki aynı ünlüden birinin düşmesiyle) Bal + Ov > Balov

Bu etimolojik açıklamaya dayanarak, Urmiye şehrinin Balov köy adı aşağıdaki anlamları ifade edebilir: «Ölüm anındaki Be (Ba) ruhunun tanrısı», «Yeraltı âlemde Be (Ba) ruhunun ilahı (ya da tanrısı)», «Diriliş (kıyamet) gününde Be (Ba) ruhunun tanrısı», yahut bunlara semantik bakımdan yakın olan diğer mitolojik anlamlar.

Bu etimolojik açıklamaya dayanarak, Urmiye şehrinin Balov köy adı aşağıdaki anlamları ifade edebilir: «Ölüm anındaki Be (Ba) ruhunun tanrısı», «Yeraltı âlemde Be (Ba) ruhunun ilahı (ya da tanrısı)», «Diriliş (kıyamet) gününde Be (Ba) ruhunun tanrısı», «Yeraltı âlemin ve ölümlerin tanrısı» yahut bunlara semantik bakımdan yakın olan diğer mitolojik anlamlar.

Belirtilmelidir ki, sunulan etimolojik ve mitolojik açıklamalar, yazar tarafından ileri sürülmüş karşılaştırmalı-tarihî, etimolojik ve mitolojik analizlere dayanan bilimsel bir hipotezdir.

Bu yaklaşım, hâlihazırda uluslararası tarih yazımı, tarihî dilbilim, toponimi ve eski Yakın Doğu araştırmalarında genel kabul görmüş bir teori sayılmaz ve gelecekteki arkeolojik, epigrafik, tarihî-dilbilimsel ve karşılaştırmalı toponimik incelemelerle ayrıca doğrulanmaya ihtiyaç duyar.

Hamid Şafii (Balovolı Miskin adlı eserin iki yazarından biri), söz konusu kitabın 22. sayfasında Balu köyünün eski tarihi hakkında şu değerlendirmeyi yapmaktadır:

"Eğer Türk boy ve kabilelerinin bir bölümünün MÖ 4500–5000 yıllarında Orta Asya ve Türkistan'dan Azerbaycan'a göç ettiği, daha sonra da Azerbaycan'dan Mezopotamya ile İran'ın batı ve güney bölgelerine yayıldığı kabul edilirse, o hâlde 'Balovu' ve 'Bəlovu' adlarının da bu Türk kökenli topluluklarla ilişkili olduğu sonucuna varmak mümkündür."¹²

Köyün eski tarihi hakkında Urmiye İnternet Dergisi'nde de şu bilgiler verilmektedir:

"Balov köyü sınırları içerisinde bulunan seramik kalıntılarına dayanılarak bu yerleşim yerinin tarihinin MÖ V. binyıldan MÖ I. binyıla kadar uzandığı anlaşılmaktadır. Burada ortaya çıkarılan diğer önemli tarihî buluntulardan biri Part dönemine ait bir sikkedir. Yapılan araştırmalar sonucunda bu sikkenin Part hükümdarlarından VI. Mithridates dönemine ait olduğu tespit edilmiştir."¹³

Bilimsel doğrulama

Bu bölümde yazarın ileri sürdüğü bazı görüşler, Eski Yakın Doğu mitolojisi ve arkeolojisine ilişkin kaynaklarla kısmen örtüşmekle birlikte, ulaşılan bazı sonuçlar yazarın kendi bilimsel hipotezini oluşturmaktadır.

Etana ve Balih hakkında Jeremy A. Black, Anthony Green, Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia, British Museum Press, 1992, s. 74–76 — Etana efsanesi ve Sümer geleneğindeki yeri.

Samuel Noah Kramer, The Sumerians: Their History, Culture and Character, University of Chicago Press, 1963, s. 328–331 — Etana efsanesi ve Sümer kralları.

Thorkild Jacobsen, The Sumerian King List, University of Chicago Press, 1939 — Kış kralları ve Etana hakkında temel kaynak.

Balu/Balo/Balov/Belov köyünün eski tarihi hakkında Bölgede MÖ V.–I. binyıllara ait seramik örneklerinin bulunmuş olması ve Part dönemine ait sikkelerin ele geçirilmesi, yerleşim yerinin oldukça eski bir geçmişe sahip olduğunu gösterebilir. Ancak köy adının o dönemden günümüze kadar değişmeden korunduğunu kanıtlayabilmek için ilave arkeolojik, epigrafik ve tarihî-dilbilimsel kanıtlara ihtiyaç vardır.

Ayrıca belirtmelidir ki, adı geçen makalenin yazarı bu konuyla ilgili ileri sürdüğü görüşler için herhangi bir bilimsel kaynak veya dipnot göstermemiştir. Bu nedenle hangi kaynaklara dayandığı bilinmemektedir.

Ünlü mitolog ve din tarihçisi Richard Cavendish, The Myths of the World's Religions adlı eserinde, Kuzey Suriye'deki Ugarit bölgesinde yaşamış Ken'anlılar hakkında şu bilgileri vermektedir:

Ugarit, dinî ve siyasî bir merkez olarak kabul edilmekteydi ve yaklaşık MÖ 1500–1000 yılları arasında büyük bir gelişme ve parlaklık dönemi yaşamıştır. Bölgede ele geçirilen çok sayıda, ancak büyük ölçüde kırılmış ve tahrip olmuş çivi yazılı tabletlerde Ba'al, yağmurun, bereketin ve bulutların hâkimi olan tanrı olarak övülmektedir. Bu metinlerde onun adı çoğu zaman Hadad, yani fırtına tanrısı olarak geçmektedir.¹⁴

L. Delaporte ise "Asur ve Babil Mitolojisi" adlı eserinin Fenike mitolojisine ayrılmış bölümünde şöyle yazmaktadır:

"Bugün Fenikelilere ilişkin temel kaynaklarımız dört grup yazılı belgeden oluşmaktadır. Bunların en eskileri Eski Mısır devletinin ilk dönemlerine, yani MÖ III. binyılın başlarına kadar uzanmaktadır."¹⁵

Richard Cavendish ile L. Delaporte'un Fenikelilerin, Ken'anlıların ve Ugaritlilerin eski tarihi hakkında ortaya koydukları görüşler dikkate alındığında, Hamid Şafii ile Urmiye İnternet Dergisinin Balu köyünün eski tarihi konusunda yaptıkları değerlendirmenin abartılı olmadığı; aksine köyün gerçek tarihî geçmişini tam olarak yansıtmadığı sonucuna varılabilir.

Çünkü yazara göre Balu köyünün kuruluşu, MÖ III. binyılın başlangıcından da daha eski dönemlere, yani beş bin yıldan daha eski bir tarihe uzanmaktadır.

Köyün tarihinin beş bin yıldan daha eski olduğu yönündeki iddiaya gelince; bunun Cübeyl (Byblos) ve Filistin topraklarında ortaya çıkarılan arkeolojik buluntularla uyum gösterebileceği söylenebilir.

Bununla birlikte yazarın kanaatine göre Fenike–Ken'an–Ugarit Türkleri, bu tarihten çok daha önce Büyük Azerbaycan'ın çeşitli bölgelerinde; Kafkasya'dan Zagros Dağları'nın eteklerine, Kuzey Suriye'den Doğu Anadolu'ya ve Kuzey Irak'a kadar uzanan geniş bir coğrafyada yaşamış, daha sonra ise Akdeniz kıyılarına (Lübnan, Filistin, İsrail ve Ürdün) ayrıca Kuzey Afrika ile Mısır'a göç etmişlerdir.

Yazara göre Urmiye şehrine bağlı Balov/Bəlov (=Belov) köy adının mitolojik oluşum süreci şu şekilde açıklanabilir:

Bə'al (Be'el) → Bəl (Bel) → Bal + Of / Ov → Balov

Bə'al (Be'el) + Of → Bəlof (Belof) → Bəlov (Belov) → Balov

Bu etimolojik zincire göre Balov adı, "Yeraltı Dünyasının Güneş Tanrısı" ve "Yeraltı Âleminin ve Ölülerin Tanrısı" anlamlarını ifade etmektedir.

Bilimsel Değerlendirme :

Metnin bu son bölümünde yer verilen bazı tarihî ve mitolojik bilgiler, aşağıdaki bilimsel kaynaklarla kısmen uyumluluk göstermektedir:

- Richard Cavendish, *The Myths of the World's Religions*. London: Orbis Publishing, 1984, s. 78–85. — Ugarit, Ba'al ve Hadad kültü hakkında.
- L. Delaporte, *Mesopotamian Mythology* (İngilizce çevirisi) veya Fransızca *La Mésopotamie*, Fenike mitolojisine ayrılan bölüm. — Eski Fenike'ye ait yazılı kaynakların eskiliği hakkında.
- Mark S. Smith, *The Ugaritic Ba'al Cycle*, Cilt I–II. Brill, 1994–2009. — Ba'al kültürünün Ugarit'teki tarihî gelişimi ve dinî işlevleri hakkında.
- Glenn E. Markoe, *Phoenicians*. University of California Press, 2000, s. 25–68. — Fenikelilerin kökeni, şehirleri ve erken dönem tarihleri hakkında.

- Maria Eugenia Aubet, The Phoenicians and the West. Cambridge University Press, 2001, s. 9–42. — Fenikelilerin oluşumu ve Akdeniz'e yayılış süreçleri hakkında.

Bu çerçevede yazar, Bal + ov (of) modelinin yalnızca fonetik bir birleşme olmadığını, aynı zamanda eski dinî ve mitolojik tasavvurların izlerini taşıyan karmaşık bir toponimik yapı olabileceğini ileri sürmektedir. Bu durumda Balo // Balov // Bəlov (Belov) toponimi, eski mitolojik geleneklerde ilahi güç, ölüm, yeraltı âlemi ve yeniden doğuş sembolizmiyle ilişkili çok katmanlı bir semantik anlam taşıyan bir ad olarak değerlendirilebilir.

Bu araştırmada fonetik benzerlikler bağımsız bir kanıt olarak değil, karşılaştırmalı etimolojik ve mitolojik çözümlemeye başlangıç oluşturan veriler olarak değerlendirilmiştir. Yazarın ortaya koyduğu sonuçlar, mevcut kaynakların karşılaştırmalı analizine dayanan bilimsel hipotez niteliği taşımaktadır.

SONUÇ

Yapılan karşılaştırmalı tarihsel, etimolojik ve mitolojik incelemeler, Urmiye bölgesinin en eski yerleşim merkezlerinden biri olan Balu / Balo/Balov/Belov köy adının, karmaşık tarihî ve anlamsal yapıya sahip eski toponimler arasında değerlendirilebileceğini göstermektedir. Yazılı kaynakların, Eski Yakın Doğu mitolojik verilerinin ve toponimik paralelliklerin karşılaştırmalı analizi, bu toponimin kökeninin yalnızca tek bir dilsel unsurla açıklanmasının yeterli olmadığını ortaya koymaktadır.

Makalede öncelikle Hamid Şafei tarafından ileri sürülen ve Belov / Balov adını Eski Türkçede "şehir" anlamına gelen balıĝ / baluĝ sözcüğüyle ilişkilendiren etimolojik yaklaşım ele alınmıştır. Bu açıklama Eski Türk toponimisi bakımından önemli olmakla birlikte, yazar Balov toponiminin anlamsal içeriğinin bununla sınırlı olmadığını ve daha eski mitolojik katmanlar da barındırabileceğini ileri sürmektedir.

Yazarın ortaya koyduğu hipoteze göre, Bal / Bel / Ba'al unsuru Eski Fenike, Ken'an ve Ugarit dinî sistemlerinde önemli bir yere sahip olan Ba'al teonimiyle; ov / of unsuru ise Eski Türk söz varlığı ile, ayrıca yazarın karşılaştırmalı incelemesine göre Eski Mısır mitolojisindeki Auf kavramıyla ilişkilendirilebilir. Bu yaklaşım yalnızca fonetik benzerliğe değil; aynı zamanda anlamsal paralelliklere ve mitolojik motiflerin karşılaştırılmasına dayanmaktadır.

Fenike, Ken'an, Ugarit, Sümer ve Mısır mitolojik kaynaklarının karşılaştırılması sonucunda yazar, Balo / Balov toponiminin eski dinî dünya görüşünün izlerini günümüze kadar korumuş arkaik adlardan biri olabileceği sonucuna ulaşmaktadır. Bununla birlikte, bu değerlendirmelerin kesin tarihî gerçekler olarak değil, mevcut kaynakların karşılaştırmalı

çözümlemesine dayanan bilimsel bir hipotez olarak ele alınmasının daha doğru olacağını özellikle vurgulamaktadır.

Ayrıca makalede, eski Azerbaycan coğrafyasının Eski Yakın Doğu'nun çeşitli kültürleriyle olan ilişkilerinin toponimler aracılığıyla araştırılmasının gelecekte yapılacak çalışmalar açısından yeni araştırma alanları açabileceği ifade edilmektedir. Yazara göre eski yer adlarının disiplinlerarası bir yaklaşımla incelenmesi, Azerbaycan coğrafyasının etnik, dinî ve kültürel tarihinin daha derin biçimde aydınlatılmasına önemli katkılar sağlayabilir.

Sonuç olarak bu çalışma, Balov / Belov toponiminin etimolojisine ilişkin yeni bir bilimsel hipotez ortaya koymakta ve bu hipotezin gelecekte yapılacak arkeolojik kazılar, yeni yazılı belgelerin ortaya çıkarılması ve karşılaştırmalı tarihî dilbilim araştırmalarıyla daha ayrıntılı biçimde sınanabileceğini göstermektedir.

Bilimsel Doğrulama ve Ek Kaynaklar

1. Ba'al (Bel) kültü üzerine Mark S. Smith. The Ugaritic Ba'al Cycle. Volume I: Introduction with Text, Translation and Commentary of KTU 1.1–1.2. Leiden: Brill, 1994, özellikle s. 1–40.

Bu eserde Ugarit mitolojisinde Baal'ın baş tanrı, fırtına ve bereket tanrısı olarak konumu ayrıntılı biçimde açıklanmaktadır.

Mark S. Smith. The Early History of God: Yahweh and the Other Deities in Ancient Israel. Grand Rapids: Eerdmans, 2002, s. 81–110.

Ba'al kültürünün Ken'an–Ugarit dinî sistemi içindeki yeri bilimsel yöntemlerle incelenmektedir.

2. Fenikeliler ve Ba'lu adı Sabatino Moscati. The Phoenicians. London: Weidenfeld and Nicolson, 1968, s. 45–56; 95–101.

Esarhaddon döneminde Sur (Tyre) kralları ile Ba'lu adlı hükümdar hakkında bilgiler verilmektedir.

J. B. Pritchard (ed.). Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament (ANET). Princeton University Press, 1969, s. 291–294.

Esarhaddon yıllıklarında Ba'lu (Baal I) adlı Sur kralından söz edilmektedir.

3. Asur kaynakları A. Kirk Grayson. Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC II (858–745 BC). University of Toronto Press, 1996.

Simo Parpola. The Correspondence of Sargon II. Helsinki University Press.

Bu eserlerde Asur kaynaklarında geçen Fenikeli hükümdar adları hakkında önemli bilgiler bulunmaktadır.

4. Ba'al sözcüğünün anlamı The Encyclopedia of Religion. Edited by Mircea Eliade. Macmillan, 1987. "Ba'al" maddesi.

The Anchor Bible Dictionary. Vol. I. New York: Doubleday, 1992. "Ba'al", s. 545–549.

BİLİMSEL DEĞERLENDİRME VE GELECEK PERSPEKTİFLER

Bu araştırmada ileri sürülen etimolojik ve mitolojik değerlendirmeler, esas olarak antik yazılı kaynakların, çağdaş bilimsel literatürün ve karşılaştırmalı-tarihsel yöntemin uygulanmasına dayanmaktadır. Yazar tarafından ortaya konulan bazı sonuçlar, mevcut bilimsel literatürde genel kabul gören görüşlerle tam olarak örtüşmeyebilir. Bu nedenle söz konusu değerlendirmelerin, yazarın bilimsel hipotezleri olarak ele alınması gerekmektedir.

Bununla birlikte, Antik Yakın Doğu halkları arasında kültürel ve dinsel etkileşimlerin varlığı, günümüz bilimsel araştırmalarında geniş ölçüde kabul edilen bir olgudur. Bu çerçevede, çalışmada sunulan karşılaştırmalı veriler, Balu // Balo//Balov toponiminin kökenine ilişkin gelecekte gerçekleştirilecek disiplinlerarası araştırmalar için yeni değerlendirme alanları ve araştırma perspektifleri ortaya koymaktadır.

Bu araştırmada ileri sürülen hipotezin doğrulanabilmesi veya yeniden değerlendirilmesi için özellikle arkeoloji, epigrafi, tarihsel dilbilim, karşılaştırmalı mitoloji ve tarihî toponimi alanlarında yapılacak yeni çalışmalar büyük önem taşımaktadır. Gelecekte ortaya çıkarılabilecek yeni arkeolojik buluntular, yazıtlar, epigrafik belgeler ve henüz yayımlanmamış antik metinler, Balov/Belov toponiminin kökeni ve tarihsel gelişim sürecinin daha sağlam bilimsel veriler ışığında yeniden değerlendirilmesine katkı sağlayabilir.

Dolayısıyla bu çalışma, kesin hükümler ortaya koymayı amaçlamaktan ziyade, mevcut kaynakların karşılaştırmalı analizi temelinde geliştirilmiş yeni bir bilimsel hipotez önermekte; aynı zamanda Antik Yakın Doğu'nun kültürel tarihi ile Türk toponimisi arasındaki olası ilişkilerin araştırılması bakımından yeni tartışma alanları açmayı hedeflemektedir.

Son

Yazar: Ferhad Cavadi Yekan Sedi (Abdulla oğlu)

Urmiye, 24.08.2020

ferhadcavadiyekansadi@gmail.com

ferhadcavadi@yahoo.com

KAYNAKÇA I

(Araştırmada Kullanılan Temel Kaynaklar)

۱. Şafii, Hamid; Ayrımı, Cemal. Balovolü Miskin. Urmiye, s. 21.

۲. Şafii, Hamid; Ayrımi, Cemal. Balovolı Miskin. Urmiye, s. 22.
۳. Urmiye İnternet Dergisi. "Balov Köyü" hakkında makale. (Elektronik kaynak).
۴. Moscati, Sabatino. Fenikeliler. Farsçaya çeviren: Roqayye Behzadi. Tahran: Neşr-e Pejûhede, 1378, s. 42.
۵. Behzadi, Roqayye. Kafkasya, Transkafkasya ve Mezopotamya'nın Eski Halkları. Tahran: Neşr-e Ney, 1382, s. 271.
۶. Guirand, F.; Lacau, G.; Delaporte, L. Asur ve Babil Mitolojisi Sözlüğü. Farsçaya çeviren: Ebulkasım İsmailpur. Tahran: Fekr-e Rûz Yayınları, 1375, s. 156–157.
۷. Doty, William G. (ed.). Dünya Mitolojisi. Farsçaya çeviren: Ebulkasım İsmailpur. Tahran: Esâtir Yayınları, 1392, s. 31.
۸. Masumi, Gulamrıza. Dünya Eski Mitolojileri ve İnançları Ansiklopedisi. Cilt III. Tahran: Sûre-yi Mihr, 1388, s. 1191.
۹. Ions, Veronica. Mısır Mitolojisi. Farsçaya çeviren: Bajelan Ferruhi. 2. baskı. Tahran: Esâtir Yayınları, 1385, s. 14.
۱۰. Ions, Veronica. Mısır Mitolojisi. Farsçaya çeviren: Bajelan Ferruhi. 2. baskı. Tahran: Esâtir Yayınları, 1385, s. 60–61.
۱۱. Masumi, Gulamrıza. Dünya Eski Mitolojileri ve İnançları Ansiklopedisi. Cilt III. Tahran: Sûre-yi Mihr, 1388, s. 1191.
۱۲. Şafii, Hamid; Ayrımi, Cemal. Balovolı Miskin. Urmiye, s. 22.
۱۳. Urmiye İnternet Dergisi. "Balov Köyünün Tarihi" hakkında makale. (Elektronik kaynak).
۱۴. Cavendish, Richard. Dünya Mitolojileri ve Dinleri. Farsçaya çeviren: Roqayye Behzadi. Tahran: İlm Yayınları, 2. baskı, 1390, s. 119.
۱۵. Guirand, F.; Lacau, G.; Delaporte, L. Asur ve Babil Mitolojisi Sözlüğü. Farsçaya çeviren: Ebulkasım İsmailpur. Tahran: Fekr-e Rûz Yayınları, 1375, s. 151.

KAYNAKÇA II

(Konunun Kuramsal Temellendirilmesi İçin Yararlanılan Ek Bilimsel Literatür)

- .Black, Jeremy; Green, Anthony. Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia. London: British Museum Press, 1992.
- .Bottéro, Jean. Religion in Ancient Mesopotamia. Chicago: University of Chicago Press, 2001.
- .Dalley, Stephanie. Myths from Mesopotamia: Creation, the Flood, Gilgamesh and Others. Oxford: Oxford University Press, 2008.

- .Eliade, Mircea. A History of Religious Ideas. Cilt I–III. Chicago: University of Chicago Press.
- .Hornung, Erik. Conceptions of God in Ancient Egypt: The One and the Many. Ithaca: Cornell University Press, 1982.
- .Jacobsen, Thorkild. The Treasures of Darkness: A History of Mesopotamian Religion. New Haven: Yale University Press, 1976.
- .Leick, Gwendolyn. A Dictionary of Ancient Near Eastern Mythology. London: Routledge, 1998.
- .Lipiński, Edward. The Aramaeans: Their Ancient History, Culture and Religion. Leuven: Peeters Publishers, 2000.
- .Markoe, Glenn E. Phoenicians. London: British Museum Press, 2000.
- .Moscatti, Sabatino. The World of the Phoenicians. London: Weidenfeld and Nicolson, 1968.

KAYNAKÇA III

(Farsça Yayınların Latin Harfli Transliterasyonu)

- .Shafii, Hamid; Ayrimi, Jamal. Balovolü Miskin. Urmia.
- .Moscatti, Sabatino. Feniқиhā. Tarjome-ye Roqayyeh Behzadi. Tehran: Nashr-e Pazhuhandeh, 1378.
- .Behzadi, Roqayyeh. Qowmhā-ye Kohan dar Qafqāz, Māvārā-ye Qafqāz va Beyn al-Nahrayn. Tehran: Nashr-e Ney, 1382.
- .Guirand, F.; Lacau, G.; Delaporte, L. Farhang-e Asātir-e Āshur va Bābel. Tarjome-ye Abolqasem Esmailpour. Tehran: Fekr-e Rooz, 1375.
- .Dotty, William G. (ed.). Asātir-e Jahān. Tarjome-ye Abolqasem Esmailpour. Tehran: Asātir, 1392.
- .Masoumi, Gholamreza. Dāyerat al-Maʿāref-e Asātir va Āyin-hā-ye Bāstāni-ye Jahān. Cilt III. Tehran: Sure-ye Mehr, 1388.
- .Ions, Veronica. Asātir-e Mesr. Tarjome-ye Bajelan Farrukhi. 2. baskı. Tehran: Asātir, 1385.
- .Cavendish, Richard. Asātir va Adyān-e Mashhur-e Jahān. Tarjome-ye Roqayyeh Behzadi. Tehran: Elm, 1390.

GİRİŞ

Tədqiqatın aktuallığı: Toponimlər hər bir xalqın qədim tarixi, etnik tərkibi, dili, dini-mifoloji dünyagörüşü və mədəni inkişaf mərhələlərinin öyrənilməsində mühüm elmi mənbələrdən hesab olunur. Xüsusilə minilliklər boyu yaşayışını davam etdirən yaşayış məntəqələrinin adları

qədim dil qatlarını və mifoloji təsəvvürləri özündə qoruyub saxlaması baxımından xüsusi əhəmiyyət kəsb edir. Urmiya hövzəsində yerləşən Balo /Balov kəndi də bu qəbildən olan qədim yaşayış məskənlərindən biridir.

Buna baxmayaraq, Balo/Balov toponiminin mənşəyi indiyədək sistemli şəkildə araşdırılmamış, mövcud tədqiqatlarda əsasən onun fonetik və leksik xüsusiyyətləri üzərində dayanılmışdır. Toponimin qədim Yaxın Şərq mifologiyası, dini sistemləri və tarixi-etimoloji qatları isə ayrıca elmi tədqiqat obyekti olmamışdır.

Təqdim olunan araşdırma həmin boşluğu müəyyən qədər doldurmağı qarşıya məqsəd qoyur.

Tədqiqatın məqsədi :

Bu araşdırmanın əsas məqsədi Urmiya şəhərinin Rövzəçay bölgəsində yerləşən Balo/Balov kəndinin adının etimologiyasını tarixi, müqayisəli-etimoloji və mifoloji baxımdan araşdırmaq, mövcud elmi baxışları təhlil etmək və müəllif tərəfindən irəli sürülən etimoloji hipotezi qədim mənbələr əsasında əsaslandırmaqdır.

Tədqiqatın metodologiyası :

Araşdırmada müqayisəli-tarixi metod, etimoloji təhlil, semantik analiz, toponimik müqayisə, mifoloji motivlərin müqayisəli öyrənilməsi və qədim yazılı mənbələrin təhlili metodlarından istifadə edilmişdir. Tədqiqat zamanı qədim Mesopotamiya, Finikiya, Kən'an (Kün'an) , Uqarit və Misir mifologiyasına dair mənbələr, eləcə də müasir tarix, etnologiya və toponimika üzrə elmi ədəbiyyat müqayisəli şəkildə nəzərdən keçirilmişdir. Məqalədə təqdim olunan bəzi etimoloji rekonstruksiyalar və tarixi nəticələr müəllifin müqayisəli təhlillər əsasında irəli sürdüyü elmi hipotezlər kimi qiymətləndirilməlidir.

Elmi yenilik :

Bu tədqiqatın elmi yeniliyi aşağıdakılardan ibarətdir :

Balu/Balo/Balov toponimi ilk dəfə olaraq qədim Finikiya–Kən'an (Kün'an) –Uqarit mifoloji sistemi ilə kompleks şəkildə müqayisə edilir.

Toponimin "Bal/Bəl/Bəəl (Bə'əl) " və "ov/of" komponentləri ayrıca etimoloji və semantik təhlilə cəlb olunur.

Toponimin qədim Şumer və Misir mifologiyası ilə mümkün paralelləri müqayisəli şəkildə araşdırılır.

Mövcud izahlardan fərqli olaraq müəllif tərəfindən yeni etimoloji hipotez irəli sürülür və müxtəlif tarixi-mifoloji mənbələr əsasında əsaslandırılır.

Problemin qoyuluşu :

Balo/Balov kəndinin adı indiyədək əsasən lokal xarakterli araşdırmalarda qeyd edilmiş, onun etimoloji izahı isə məhdud şəkildə şərh olunmuşdur. Mövcud ədəbiyyatda əsas diqqət Həmid Şafeinin irəli sürdüyü "balığ/baluğ" etimologiyasına yönəlmişdir. Bununla yanaşı, kəndin qədim adının "Palu" olması haqqında məlumat verilsə də, həmin adın tarixi və etimoloji əsasları geniş izah edilməmişdir.

Bu məqalədə isə məsələ daha geniş tarixi-müqayisəli kontekstdə araşdırılır və müəllif tərəfindən qədim Finikiya, Kən'an (Kün'an) , Uqarit, Şumer və Misir mifoloji sistemləri ilə əlaqələndirilən yeni etimoloji yanaşma irəli sürülür.

1. BALU KƏNDİNİN COĞRAFİ VƏ TARİXİ SƏCİYYƏSİ

Balo/Balov kəndi Urmiya şəhərinin Rövzəçay bölgəsinə daxil olan ən qədim və ən tanınmış yaşayış məntəqələrindən biri hesab olunur. Tarixi mənbələrə və yerli məlumatlara əsasən, bu kənd uzun əsrlər boyu Urmiya bölgəsinin mühüm yaşayış mərkəzlərindən biri olmuşdur.

Kənd Urmiya şəhərinin təxminən 6 km şimal-qərbində, Urmiya–Səlmas avtomobil yolunun 1,5 km qərbində, düzənlik relyefə və mülayim iqlim şəraitinə malik ərazidə yerləşir. Əlverişli coğrafi mövqeyi, münbit torpaqları və su ehtiyatları yaşayışın davamlılığında mühüm rol oynamışdır.

Balov kəndinin əhalisi tarixən şiə və sünni məzhəblərinə mənsub olmuş, gündəlik ünsiyyətdə Azərbaycan türkcəsində danışmışdır. İran İslam İnqilabından sonra bölgəyə kürd ailələrinin köçməsi nəticəsində kəndin əhali sayı əhəmiyyətli dərəcədə artmışdır. Hazırda kənddə yerli Azərbaycan türkləri ilə yanaşı, sonradan məskunlaşmış kürd ailələri də yaşayırlar.

Rəsmi statistik məlumatlara görə, əhalisinin sayının 16 min nəfəri ötməsi Balu kəndini İranın ən böyük kənd yaşayış məntəqələrindən biri kimi səciyyələndirməyə imkan verir.

. İran Statistika Mərkəzinin (Statistical Center of Iran) son siyahıyaalma məlumatları (əhali sayı üçün).

. Həmid Şafei və Camal Ayrımı, Balovlu Miskin, s. 21–22.

. Urmiya İnternet Jurnalı.

2. TOPONİMİN ÖYRƏNİLMƏ TARİXİ

Balov toponiminin etimologiyası indiyədək geniş elmi araşdırma mövzusu olmamışdır. Mövcud ədəbiyyatın təhlili göstərir ki, bu barədə sistemli fikir irəli sürən əsas müəllif Həmid Şəfeidir. O, "Balovlu Miskin" əsərində toponimin qədim türk "balığ/baluğ" ("şəhər") sözü ilə

bağlı olduğunu qeyd etmişdir. Müəllifə görə, "Balov" adı həmin qədim sözün fonetik dəyişmiş forması kimi izah oluna bilər.¹

Həmid Şafei bu fikrini qədim türk toponimləri – "Xan Balıq", "Beş Balıq" və "Yengi Balıq" kimi şəhər adları ilə müqayisə etməklə əsaslandırmağa çalışmışdır. O, həmçinin Şərqi Türküstanda "Bəlov" adlı yaşayış məntəqəsinin mövcudluğunu da bu ehtimalın lehinə dəlil kimi göstərmişdir. Müəllif daha sonra (s. 22) əlavə edir ki, hazırda da Türküstanda Balasağın və Taraz şəhərləri arasında yerləşən Arğu bölgəsində «Bəlov» adlı bir yaşayış məntəqəsi mövcuddur. Tarixi reallıq nəzərə alınarsa ki, türk tayfa və qəbilələrinin bir hissəsi e.ə. təxminən 4500–5000-ci illərdə Orta Asiya və Türküstandan Azərbaycana köç etmiş, daha sonra isə Azərbaycandan Mesopotamiyaya, eləcə də İranın qərb və cənub bölgələrinə yayılmışlar, bu halda « Balov» və «Bəlov» adlarının da həmin türk mənşəli xalqlara aid olduğu qənaətinə gəlmək mümkündür. Eyni məntiqə əsasən, Balov // Bəlov kəndinin adı da «balıq» və ya «Bəluğ // Baloğ» sözünün cüzi fonetik dəyişikliyə uğramış forması hesab oluna bilər.²

Lakin bu məqalə müəllifinin qənaətinə görə, Balov toponiminin etimologiyası yalnız qədim türk "balıq" sözü ilə məhdudlaşmır. Toponimin fonetik quruluşu, qədim mifoloji sistemlərdə rast gəlinən paralellər və tarixi-mədəni əlaqələr onun daha qədim semantik qatlara malik ola biləcəyini ehtimal etməyə əsas verir. Həmid Şafeinin irəli sürdüyü etimoloji izah qədim türk dillərində "balıq" sözünün mövcudluğunu nəzərə alan maraqlı yanaşmadır. Bununla belə, həmin izah toponimin mümkün mifoloji və dini qatlarını ayrıca təhlil etmir. Bu səbəbdən Balov adının daha qədim semantik komponentlərə malik olması ehtimalı ayrıca araşdırılmalıdır.

Mövcud materialların müqayisəli təhlili müəllifə Balov toponiminin mənşəyi haqqında fərqli etimoloji hipotez irəli sürməyə imkan verir. Bu hipotez qədim Finikiya, Kən'an (Kün'an) , Uqarit, Şumer və Misir mifoloji mənbələrinin müqayisəli öyrənilməsinə əsaslanır.

Bu baxımdan aşağıda təqdim olunan müqayisəli təhlildə Balov toponimi Finikiya, Kən'an (Kün'an) , Uqarit, Şumer və Misir mifoloji materialları fonunda araşdırılır.

3. BALOV TOPONİMİNİN ETİMOLOJİ TƏHLİLİ

Toponimin etimoloji təhlili göstərir ki, "Balov" adı yalnız fonetik baxımdan deyil, eyni zamanda semantik, mifoloji və tarixi aspektlərdən də araşdırılmalıdır. Toponimlərin yalnız səs dəyişmələri əsasında izahı bir çox hallarda onların qədim semantik qatlarını üzə çıxarmağa kifayət etmir. Buna görə də təqdim olunan araşdırmada "Balov" adı müqayisəli-tarixi metod əsasında qədim Yaxın Şərq mifologiyası, qədim türk leksikası və arxaik dini terminologiya fonunda təhlil edilir.

4. TƏDQİQATIN NƏZƏRİ ƏSASLARI :

Bu araşdırma tarixi toponimikanın, müqayisəli tarixi dilçiliyin, mifoloji tədqiqatların və qədim Yaxın Şərq tarixinin kəsişməsində aparılmışdır. Tədqiqat zamanı toponimlərin yalnız fonetik dəyişmələri deyil, həm də onların semantik, mifoloji və dini qatlarının qorunması prinsipi əsas götürülmüşdür. Müqayisəli təhlillər zamanı qədim Şumer, Akkad, Finikiya, Kən'an (Kün'an), Uqarit və Misir mənbələri qarşılaşdırılmış, onların toponimik və mifoloji məlumatları sistemli şəkildə qiymətləndirilmişdir.

5. İSTİFADƏ EDİLƏN METODLAR :

Araşdırmada aşağıdakı metodlardan istifadə edilmişdir:

- müqayisəli-tarixi metod;
- etimoloji analiz;
- semantik analiz;
- toponimik müqayisə;
- mifoloji müqayisə;
- tarixi mənbələrin müqayisəli təhlili;
- antroponim və teonimlərin müqayisəli araşdırılması.

BALOV TOPONİMİNİN MÜQAYİSƏLİ-TARİXİ TƏHLİLİ

Balov // Bəlov kəndinin adının mənşəyinin araşdırılması göstərir ki, bu toponimin etimologiyası yalnız fonetik oxşarlıqlar əsasında izah edilə bilməz. Toponimlərin formalaşması çox vaxt qədim xalqların dili, dini dünyagörüşü, mifoloji təsəvvürləri və tarixi köç prosesləri ilə sıx bağlı olmuşdur. Buna görə də Balo // Balov toponiminin izahında yalnız dil faktları deyil, həm də qədim Yaxın Şərqin mifoloji və tarixi mənbələrinin müqayisəli təhlili zəruridir. Mövcud ədəbiyyatın təhlili göstərir ki, Balo // Balov//Bəlov kəndinin adı haqqında sistemli etimoloji fikir əsasən Həmid Şafei'nin araşdırmalarında verilmişdir. Müəllif "Balovlu Miskin" əsərində bu adı qədim türk dillərində "şəhər" mənasında işlənmiş balıq / Baluğ sözü ilə əlaqələndirərək maraqlı etimoloji izah irəli sürmüşdür.^{1–2} Bu yanaşma qədim türk toponimiyası baxımından diqqətəlayiqdir.

Lakin bu məqalə müəllifinin qənaətinə görə, Balo // Balov toponimi yalnız həmin izahla məhdudlaşmaya da bilər. Toponimin fonetik quruluşu, qədim yazılı mənbələrdə rast gəlinən paralellər və müxtəlif mifoloji sistemlərdə müşahidə olunan oxşarlıqlar onun daha qədim semantik qatlara malik olması ehtimalını da nəzərdən keçirməyə imkan verir. Bu səbəbdən

araşdırmada türksoylu Finikiya, Kən'an (Kün'an) , Uqarit, Şumer xalqlarının və eyni halda Misir mifoloji materialları müqayisəli şəkildə təhlil olunur.

Bu kəndin adının etimologiyası barədə qeyd edilməlidir ki, apardığımız geniş araşdırmalar əsasında onun mənşəyinin qədim türk mifologiyasına gedib çıxdığı qənaətinə gəlirik. Bu kəndin adı xalq danışiq dilində Balov və Bəlov formalarında tələffüz edilir, fars dilində isə Balo şəklində yazılır. Müəllif tərəfindən aparılmış araşdırmalar nəticəsində müəyyən edilmişdir ki, bu adın qədim Finikiya, Kən'an (Kün'an) və Uqarit türkləri arasında mövcud olması təsadüfi olmayıb, həmin qədim Azərbaycanda məskun olmuş Şumer türklərinin tarixi və mifoloji irsi və ənənələri ilə bağlıdır.

Urmiya İnternet Jurnalında kəndin qədim adının Palu (Palo) olduğu qeyd edilsə də, həmin adın etimologiyası və tarixi mənşəyi barədə əlavə izah verilməmişdir.³ Bu məlumatın özü isə toponimin qədim fonetik variantlarının mövcudluğu ehtimalını gündəmə gətirir və onun daha geniş tarixi kontekstdə araşdırılmasını zəruri edir.

Müəllif tərəfindən aparılmış müqayisəli araşdırmalar nəticəsində Balo // Balov//Bəlov adının qədim Finikiya hökmdarlarının antroponimləri sırasında rast gəlinən Bəlu (Bə'li) adı ilə mümkün paralelləri diqqəti cəlb edir. Sabatino Moscati, Assuriya hökmdarı Esarhaddonun salnamələrinə istinad edərək Bəlu adlı Thur//Sur hökmdarını qeyd edir.⁴ Bu fakt göstərir ki, "Bəlu" forması qədim Yaxın Şərqdə həm şəxs adı, həm də siyasi hakimiyyətlə əlaqəli antroponim kimi işlənmişdir. Lakin bu paralelin Balov // Bəlov kəndinin adı ilə birbaşa tarixi əlaqəni sübut etdiyini deyil, müqayisəli araşdırmaya əsas verən ehtimal olduğunu vurğulamaq vacibdir.

Bununla yanaşı, aşağıdakı mənbələrdə Bəəl (Bə'əl) (Baal) kultu, Finikiya və Uqarit mifologiyası, eləcə də Esarhaddon dövründə Bəlu (Ba'lu) adlı hökmdar haqqında məlumatlar mövcuddur:

- Sabatino Moscati, The Phoenicians, London: Weidenfeld & Nicolson, 1968 (müxtəlif nəşrlər) – Finikiya hökmdarları və Thur//Sur şəhərinin hökmdarları haqqında.
- Mark S. Smith, The Ugaritic Baal Cycle, Brill, 1994–2009 – Uqariddə Baal kultunun əsas elmi tədqiqatlarından biri.
- Rəqəyyə Behzadi, Qədim xalqlar, s. 271 – Kən'an (Kün'an) mifologiyasında Bəəl (Bə'əl) tanrısının funksiyaları və simvolizmi haqqında.

Məhz bu baxımdan müəllif Balov // Bəlov toponimini qədim mifoloji sistemlər kontekstində təhlil edərək onun semantik quruluşunu iki əsas komponent – Bal/Bəl/Bəəl (Bə'əl) və ov/of

hissələri üzrə araşdırır. Sonrakı bölmələrdə bu komponentlərin hər biri qədim mənbələr və mövcud elmi ədəbiyyat əsasında ayrıca təhlil ediləcəkdir.

BƏƏL (BAL/BƏL) KOMPONENTİNİN MİFOLOJİ VƏ ETİMOLOJİ TƏHLİLİ

Müəllif tərəfindən aparılmış müqayisəli araşdırmalar nəticəsində Bəlov // Balov toponiminin birinci komponenti olan Bal/Bəl/Bəəl (Bə'əl) qədim Finikiya, Kən'an (Kün'an) və Uqarit türksöylü (türk kökənli) xalqlarının dini-mifoloji ənənələrində xüsusi yer tutan Bəəl (Bə'əl) teonimi ilə əlaqələndirilir. Müəllifin hipotezinə görə, toponimin semantik əsasını məhz bu qədim ilahi ad təşkil etmiş ola bilər.

Qədim Finikiya və Kən'an (Kün'an) mənbələrində Bəəl (Bə'əl) ən qüdrətli ilahi varlıqlardan biri hesab olunurdu. Rüqəyyə Behzadi «Qədim xalqlar» əsərində qeyd edir ki, Kən'an (Kün'an) dini dünyagörüşündə Bəəl (Bə'əl) nizamın qoruyucusu, tufan, yağış və məhsuldarlıq tanrısı kimi qəbul edilirdi. Onun funksiyaları Mesopotamiya panteonundakı Enlil, Adad, Marduk və Aşşur kimi tanrılarla müəyyən oxşarlıqlar göstərir. Bəəlin əsas simvolu öküz idi və bu heyvan qüdrət, məhsuldarlıq və hakimiyyət rəmzi hesab edilirdi. Rüqəyyə Behzadi «Qədim xalqlar» adlı əsərinin 271-ci səhifəsində yazır:

«Kən'anda Bəəl (Bə'əl) nizamsızlıq və qarışıqlıq qarşısında nizamın qoruyucu tanrısı hesab olunurdu. Bəəl (Bə'əl) Mesopotamiya tanrıları olan Enlil, Adad, Marduk və Aşşur kimi tufan tanrısı və səmavi məhkəmənin icraçısı idi. Bu tanrının rəmzi heyvanı Enlil və Adadda olduğu kimi öküz idi və ibadət mərasimlərində ondan istifadə olunurdu. Həmin öküzün buynuzları "Bəəl (Bə'əl)" rəmzi kimi dəbilqələrin üzərinə yerləşdirilirdi. Daş relyeflərdə və heykəllərdə Bəəl (Bə'əl) qısa ətkli, belində xəncər daşıyan və döyüşə hazır vəziyyətdə təsvir edilmiş döyüşçü-atlı kimi göstərilir. Onun bir əlində toppuz, digər əlində isə sapı budaq və yarpaqlarla təsvir olunmuş ağac formasında nizə vardır. Bəəlin fəaliyyət dairəsi Enlilinki qədər geniş deyildi və əsasən təbiət hadisələri ilə məhdudlaşdı. Bəəl (Bə'əl) himayədarı olduğu bitkilərlə tanınırdı. Onun "Daqanın oğlu" ləqəbi də bunu göstərir; Daqan taxıl tanrısı hesab olunurdu.»⁵

Türksöylü və yaxud türk kökənli Finikilərin dini təsəvvürlərinə görə, ilahi qüvvələr çox vaxt öküz simvolu ilə əlaqələndirilirdi. Bu, təsadüfi deyildi. Çünki Finikiya və Kən'an (Kün'an) türksöylü cəmiyyətlərində fiziki güc, məhsuldarlıq və hakimiyyət anlayışları simvolik şəkildə məhz öküz obrazında təcəssüm etdirilmişdir. Buna görə də Bəəlin təsvirlərində bu simvolun mühüm yer tutması qədim dini ənənələrin xarakterik xüsusiyyətlərindən biri hesab edilir. Bəl / Bal / Bəəl (Bə'əl) Finikiya mifologiyasında El tanrısından da daha qədim hesab olunur. Ümumiyyətlə, Kən'an (Kün'an) panteonunun tanrıları Bəəl (Bə'əl) adı ilə adlandırılırdı. Buna

görə də demək olar ki, Bəəl (Bə'əl) xüsusi şəxs adı deyil, əsl tanrının və ya tanrıların həqiqi adını gizlədən bir titul və ya adlandırma forması olmuşdur. Çünki Finikiya, Kən'an (Kün'an) və Uqarit türkləri öz tanrılarının həqiqi adını dilə gətirməkdən çəkinirdilər. Bunun səbəbi isə yad xalqların onların tanrısını tanıyaraq adını çağırmaqla onun nemətlərindən faydalanmasının və ya tanrının öz seçilmiş ümmətindən və ardıcılardan üz döndərməsinin qarşısını almaq idi. Əldə olan mənbələr göstərir ki, Bəəl (Bə'əl) kultu yalnız bir şəhərlə məhdudlaşmamışdır. Əksinə, Finiki türklərin müxtəlif şəhər-dövlətlərində hər şəhərin öz Bəəli mövcud olmuşdur. Bu səbəbdən bir sıra tədqiqatçılar "Bəəl (Bə'əl) " sözünün konkret şəxs adı deyil, müəyyən ilahi titul və ya dini epitet kimi işlədildiyini qəbul edirlər. Bu baxımdan "Bəəl (Bə'əl) " komponenti müxtəlif bölgələrdə fərqli ilahi varlıqları ifadə etmiş ola bilər.

Mənbələrdə Bəəl (Bə'əl) tanrısı eyni zamanda Hadad adı ilə də tanınır. Hadad hava, ildırım, yağış və tufan tanrısı hesab edilir. Onun təsvirlərində başındakı buynuzlu tac, əlində ildırım xatırladan nizə və arxasında dayanmış öküz təsviri diqqəti cəlb edir. Assuriya və Het sənət nümunələrində, eləcə də Boston Muzeyində qorunan silindrik möhürlərdə Hadadın bu xüsusiyyətləri aydın şəkildə əks olunmuşdur.⁶

Hetlərin Suriyanın şimal bölgəsində hökmranlıq etdikləri dövrdə Hadad başında vərzə buynuzları ilə bəzədilmiş tac daşıyan şəkildə təsvir olunur. O, nizəsini yerə sancır və həmin nizənin sapı səmadakı ildırımın qırıq-qırıq formasını əks etdirir.

Bundan əlavə, hazırda Boston Muzeyində qorunan silindrik möhürlərin birində də Bəəl-Hadad təsvir edilmişdir. Bu səhnədə o, nizəsi ilə bir insanı məğlub etmiş vəziyyətdə göstərilmiş, arxasında isə onun rəmzi heyvanı olan vərzə (erkək öküz) həkk olunmuşdur.⁶

Belə simvolik təsvirlər Finikiya, Kən'an (Kün'an) və Uqarit türkləri arasında qədim dini ənənənin ayrılmaz hissəsini təşkil etmişdir.

Finikiyalıların inancına görə, tanrılar da adi insanlar kimi ölümlü və fani hesab olunur, qidalanmağa və su içməyə ehtiyac duyurdular. Buna görə də onlar üçün çoxlu qurbanlar təqdim edilirdi.

Roy Willis, William Dotynin elmi redaktəsi ilə nəşr olunmuş «Dünya mifologiyaları» (World Mythology) adlı kitabın müəlliflərindən biri kimi əsərin 31-ci səhifəsində yazır:

«Kən'an (Kün'an) rəvayətinə görə, tufan tanrısı Bəəl (Bə'əl) , dənizdən çıxdığı deyilən kosmik ilan və ya Yam adlı əjdaha ilə ağır döyüşə girir. Səməvi sənətkarların onun üçün hazırladıqları sehrlə silahların köməyi ilə Bəəl (Bə'əl) kosmik əjdahanı məhv edir və onun qalıqlarını hər tərəfə səpələyir. Bundan sonra Bəəl (Bə'əl) ölüm və quraqlıq tanrısı, yerin

təcəssümü sayılan Mot ilə qanlı mübarizəyə başlayır. Əvvəlcə Mot Bəəli ilin yarısı üçün yeraltı aləmə enməyə məcbur edir və bunun nəticəsində hər il yay quraqlığı baş verir. Lakin ali tanrı El əmr edir ki, Bəəl (Bə'əl) ilə Mot arasındakı mübarizə əbədi davam etməlidir. Əgər Bəəl (Bə'əl) qalib gələrsə, yeddi illik bolluq və bərəkət dövrü başlayacaq, əgər Mot qalib gələrsə, bunun nəticəsi yeddi illik quraqlıq və aclıq olacaqdır.»

Roy Willisin bu məlumatına əsasən belə nəticəyə gəlmək mümkündür ki, Finikiya–Kən'an (Kün'an) –Uqarit türklərinin Bəəl (Bə'əl) və ya Bal tanrısı haqqında mif, mahiyyət etibarilə Şumer mifologiyasındakı Marduk ilə Tiamat arasındakı dağıdıcı kosmik mübarizə motivinə bənzər bir süjeti əks etdirir. Bu baxımdan, Finikiya–Kən'an (Kün'an) –Uqarit türklərinin Bəəl (Bə'əl) tanrısı onların əsas etiqad sistemində hava, külək və tufan tanrısı kimi çıxış etmişdir.⁷ Qeyd: Mətnimizdə işlədilən «Finikiya türkləri», «Kən'an (Kün'an) türkləri», «Uqarit türkləri» və «Şumer türkləri» ifadələri müəllifin elmi hipotezini əks etdirir. Müasir beynəlxalq tarixşünaslıqda Finikiyalılar, Kən'an (Kün'an) lılar və Uqaritlilər ümumiyyətlə Şimal-Qərbi semit xalqları kimi təsnif edilir.

Bu istinaddan belə nəticə alınır ki Roy Willisin təqdim etdiyi Kən'an (Kün'an) mifinə görə, Bəəl (Bə'əl) kosmik dəniz qüvvəsini təcəssüm etdirən Yam adlı əjdaha ilə mübarizə aparır və ilahi silahların köməyi ilə ona qalib gəlir. Daha sonra isə ölüm və quraqlıq tanrısı Mot ilə qarşıdurmaya girir. Mifoloji süjetə əsasən, Bəəlin və Motun növbəli üstünlüyü təbiətdə məhsuldarlıq və quraqlıq dövrlərini izah edən kosmoqonik model kimi təqdim edilir.⁷

Elmi təsdiq

Yuxarıda təqdim olunan məlumatların böyük hissəsi qədim Yaxın Şərq dinləri və Uqarit–Kən'an (Kün'an) mifologiyasına dair müasir elmi araşdırmalarla uyğunluq təşkil edir. Xüsusilə aşağıdakı mənbələr müəllifin bəzi mülahizələrini dəstəkləyir:

۱. Mark S. Smith, The Ugaritic Baal Cycle. Volume I, Leiden: Brill, 1994, s. 1–80. — Baalın tufan, ildırım, məhsuldarlıq və hakimiyyət tanrısı olması, Yam və Mot ilə mübarizəsi geniş şəkildə təhlil edilir.
۲. Mark S. Smith, The Early History of God: Yahweh and the Other Deities in Ancient Israel, 2-ci nəşr, Grand Rapids: Eerdmans, 2002, s. 81–110. — Baal kultunun Kən'an (Kün'an) və Uqarit dini sistemindəki mövqeyi araşdırılır.
۳. Sabatino Moscati, The Phoenicians, London: Weidenfeld and Nicolson, 1968, s. 90–110. — Finikiyalıların dini inancları, Baal kultu və şəhər-tanrı sistemi haqqında məlumat verilir.

ξ. John Gray, The Canaanites, London: Thames and Hudson, 1964, s. 66–93. — Kən'an (Kün'an) dini, Baal və El tanrılarının funksiyaları elmi əsaslarla izah edilir.

ο. Roy Willis (ed.), World Mythology: The Illustrated Guide, London: Duncan Baird Publishers, 1993, s. 31–33. — Baalın Yam və Mot ilə mübarizəsi ümumdünya mifoloji kontekstində təqdim olunur.

Mifologiya ensiklopediyaçısı Qulamrza Məsuminin verdiyi məlumata görə, Balua (Balu // Balova) Moab (Ölü dənizin cənubunda yerləşən qədim ərazi) bölgəsində yerləşən bir yaşayış məntəqəsinin adıdır. Həmin ərazidə Bəəl (Bə'əl) tanrısına, Anat ilahəsinə və Moab hökmdarına aid stel (daş kitabə) aşkar edilmişdir.⁸

Müəllifin qənaətinə görə, bu mifoloji motivlər qədim Yaxın Şərq xalqlarının dini təsəvvürlərində həyat, ölüm, məhsuldarlıq və təbiət hadisələrinin izahı ilə bağlı ümumi mifoloji ənənənin tərkib hissəsi olmuşdur. Bu baxımdan Bəəl (Bə'əl) obrazı yalnız bir xalqın dini sistemi çərçivəsində deyil, bütövlükdə qədim Yaxın Şərq mifoloji düşüncəsi daxilində qiymətləndirilməlidir.

Əgər Bəlov // Balov toponiminin ilk komponenti həqiqətən də Bal/Bəl/Bəəl (Bə'əl) teonimi ilə bağlıdırsa, onda bu adın sadəcə fonetik uyğunluq deyil, müəyyən dini-mifoloji semantikanı da özündə əks etdirməsi ehtimalı nəzərdən keçirilə bilər. Bununla belə, belə bir əlaqənin qəti tarixi fakt kimi deyil, mövcud mənbələrin müqayisəli təhlili əsasında irəli sürülmüş müəllif hipotezi kimi qiymətləndirilməsi daha məqsədəuyğundur.

"OV/OF" KOMPONENTİNİN ETİMOLOJİ VƏ MİFOLOJİ TƏHLİLİ

Müəllifin irəli sürdüyü etimoloji hipotezə əsasən, Bəlov // Balov toponiminin ikinci komponenti qədim türk dillərində işlənən "ov" və ya onun fonetik variantı olan "of" sözü ilə əlaqədardır. Müəllif bu komponenti yalnız leksik vahid kimi deyil, eyni zamanda qədim mifoloji dünyagörüşünün daşıyıcısı olan arxaik semantik element kimi qiymətləndirir.

Türk dillərində "ov" sözü əsasən "ov", "ovlama", "şıkar", "ov etmək", «öldürmək» və «məhv etmək» mənalarında işlənmişdir. Bu semantik mənə nəzərə alındıqda, müəllif Bəlov // Balov toponiminin "Ovun tanrısı", "Şıkarın himayədar ilahəsi (və ya tanrısı)" və ya "ölüm üzərində hakim olan ilahi qüvvə" kimi izah edilə biləcəyini ehtimal edir. Digər tərəfdən, əgər ov/of komponenti qədim türk dillərindəki ev (ev, məbəd) sözü ilə fonetik yaxınlıq əsasında qiymətləndirilərsə, bu halda toponimin "Bəəlin evi", "Bəəlin məbədi" və ya "Bəələ sitayiş edilən yer" mənasını ifadə etməsi ehtimalı da nəzərdən keçirilə bilər.

Türk dilindəki ov/of sözü yalnız bu mənaları ifadə etmir; eyni zamanda qədim türk mifoloji leksikonuna aid anlayışlardan biri hesab olunur. Müəllifin qənaətinə görə, qədim türklərin, xüsusilə Finikiya–Uqarit -Kən'an (Kün'an) i türklərinin Azərbaycandan Aralıq dənizi sahillərinə köçləri nəticəsində bu söz Misirə də yayılmış və qədim Misir mifologiyasında öz əksini tapmışdır.

Müəllif bununla kifayətlənməyərək, ov/of komponentinin qədim Misir mifologiyasında müşahidə olunan Auf (Of) anlayışı ilə müqayisəli şəkildə araşdırılmasını da təklif edir.

Bu baxımdan ov və ya onun fonetik variantı olan of qədim Misir mifologiyasında «ölmüş Günəş tanrısı», «ölüm ayağında olan Günəş tanrısı», «yeraltı dünyanın Günəş tanrısı», «qürub etmiş Günəş», «Günəşin batması» və «Günəşin ölümü» mənalarında işlədilmiş və Ov-Ra (Ov-Rə) və ya Of-Ra (Of-Rə) adları ilə tanınmışdır.

Bu müqayisə müəllifin fikrincə, qədim Yaxın Şərq xalqları arasında mifoloji motivlərin yayılması və qarşılıqlı təsiri baxımından diqqətəlayiqdir.

Misir mifologiyasının tanınmış tədqiqatçısı Veronika Ayons qeyd edir ki, günəş tanrısı Ra gecə saatlarında yeraltı aləmə səyahət edərkən Auf-Ra adı ilə tanınırdı. Bu mərhələdə o, artıq gündüzün qalib günəş tanrısı deyil, ölüm və yenidən doğuluş mərhələsini yaşayan ilahi varlıq kimi təsəvvür edilirdi. Veronica Ions özünün «Egyptian Mythology» (Misir mifologiyası) adlı əsərində qeyd edir ki, Ra – Günəş tanrısının kultu, ehtimal ki, Aralıq dənizi adalarından və ya Qafqazdan Misirə keçmişdir.⁹

Müəllifə görə, Veronica Ionsun bu fikri qədim Misir mifologiyasının Qafqaz və Azərbaycan ərazisi ilə bağlı olması, eləcə də həmin mifoloji ənənələrin Azərbaycanda və Uqaritdə yaşamış Finikiya və Kən'an (Kün'an) türklərinin Aralıq dənizi sahillərinə köçləri nəticəsində Misirə və Şimali Afrikaya yayılması haqqında irəli sürülən nəzəriyyəni təsdiqləyən dəlillərdən biri kimi qiymətləndirilə bilər.

Ayonsun verdiyi məlumata görə, Ra gecə səfəri zamanı Mesektet adlanan gecə qayığı ilə Duat (yeraltı aləm) boyunca hərəkət edir, müxtəlif təhlükələrlə, xüsusilə nəhəng ilan Apofis ilə qarşılaşır və digər ilahələrin köməyi ilə bu sınaqlardan keçir. On iki gecə saatını tamamladıqdan sonra isə yenidən doğularaq səhər günəşi kimi üfüqdə görünür.¹⁰

Urmiya şəhərinin Balov // Bəlov kənd adının ikinci komponenti olan ov/of sözünün mənasını daha aydın izah etmək məqsədilə Veronica Ionsun verdiyi məlumatlara əsasən belə məlum olur ki, Günəş tanrısı Ra / Rə hər səhər uşaq kimi yenidən doğulur, günorta çağında kamillik dövrünə çatır, axşam isə belə bükülmüş qoca kimi ölür.

Ra gecə səyahəti zamanı Auf-Ra (Auf-Rə) və ya qısaca Auf (Of) adı ilə tanınırdı ki, bu ad «meyit», «cəsəd», «cənazə» mənasını ifadə edirdi.

Yeraltı dünya və Ra'nın gecə keçdiyi aləmlər nəhəng iblislərin və ölümlərin ruhlarını təhdid edən qorxunc varlıqların məskəni hesab olunurdu. Yeraltı dünya iki başlı ilanlar, nəhəng ilanlar və «Ruhları yeyən» adlanan qorxunc məxluqlar da daxil olmaqla çoxsaylı iblis və varlıqlarla dolu idi.

Ofun yeraltı aləmdəki əsas vəzifələrindən biri ölümlərin ruhlarına yol göstərmək idi. Onun nuru ölümlərin ruhlarına işıq saçır, ruhlar bir uçurumdan digərinə keçərkən yeraltı dünyanın sakinləri həmin işıq şüasını böyük heyranlıq və səbirsizliklə qarşılayırdılar. Hər bir ruh keçib getdikdən sonra isə yeraltı dünya yenidən dərin və vahiməli qaranlıq qər q olurdu.

Müəllifin qənaətinə görə, qədim türk dillərində işlənmiş ov/of komponentinin mifoloji məzmunu yalnız Urmiya bölgəsində yerləşən Balov/Bəlov toponimi ilə məhdudlaşmır. Müqayisəli-etimoloji baxımdan bu arxaik komponentin Türkiyənin Qara dəniz sahilində yerləşən Of şəhərinin adı ilə, eləcə də Azərbaycanın Yardımlı rayonundakı Ovra oykonimi ilə də əlaqəli şəkildə qiymətləndirilməsi mümkündür. Müəllif tərəfindən daha əvvəl Ovra toponiminin etimologiyasına həsr olunmuş araşdırmalarda irəli sürülən müqayisəli təhlillər də bu istiqamətdə aparılmışdır.

Müəllifin hipotezinə əsasən, Anadoluda, Azərbaycanda və Cənubi Qafqazda qədim dövrlərdə yaşayan türk kökənli etniklər (tayfalar və qəbilələr) Of və Ovra adlarını təsadüfi şəkildə seçməmiş, onları qədim dini-mifoloji dünyagörüşündən qaynaqlanan arxaik semantik məna daşıyan adlar kimi yaşatmışlar. Bu baxımdan həm Of, həm də Ovra toponimləri qədim Misir mifologiyasında yeraltı aləm, ölüm və yenidən doğuluş ideyaları ilə əlaqələndirilən Auf (Of) anlayışı ilə müqayisəli şəkildə araşdırıla bilər.

Müəllifin fikrincə, Balov, Of və Ovra toponimlərinin eyni mifoloji-semantik sistem çərçivəsində müqayisəli şəkildə öyrənilməsi qədim Yaxın Şərq, Anadolu və Cənubi Qafqaz, Azərbaycan arasında mövcud olmuş mədəni və dini əlaqələrin toponimik izlərini araşdırmaq baxımından xüsusi elmi əhəmiyyət daşıyır. Bu toponimlərdə qorunub saxlanılmış of/ov komponenti qədim dini terminologiyanın və mifoloji dünyagörüşünün arxaik qalığı kimi qiymətləndirilə bilər.

Müəllif bununla yanaşı ehtimal edir ki, Bəəl (Bə'əl) teonimi ilə qədim Misir mifologiyasında müşahidə olunan Auf (Of) anlayışı arasında müəyyən mifoloji-semantik əlaqələr mövcud olmuş və bu əlaqələr sonrakı dövrlərdə bəzi toponimlərdə, o cümlədən Balov, Of və Ovra

adlarında arxaik izlər şəklində qorunub saxlanılmış ola bilər. Bu yanaşma mövcud elmi ədəbiyyatda qəbul edilmiş fakt deyil və vurğulanmalıdır ki, burada təqdim olunan mülahizələr müəllif tərəfindən aparılmış müqayisəli-etimoloji və mifoloji təhlillərə əsaslanan elmi hipotezdir. Hazırda bu yanaşma beynəlxalq tarixşünaslıq, tarixi dilçilik və toponimika elmində ümumi qəbul olunmuş nəzəriyyə hesab edilmir və gələcək arxeoloji, tarixi-lingvistik və müqayisəli toponimik tədqiqatlarla əlavə şəkildə yoxlanılmalıdır.

Elmi təsdiq:

Bu hissədə Misir mifologiyasına dair məlumatlar əsasən aşağıdakı fundamental elmi əsərlərlə uyğunluq təşkil edir:

۱. Veronica Ions, *Egyptian Mythology*, London: Paul Hamlyn, 1968, xüsusilə s. 24–47, 91–108 — Ra, Atum, Khepri, Duat, Mesektet qayığı, Apophis və gecə səfəri haqqında.
۲. Erik Hornung, *The Ancient Egyptian Books of the Afterlife*, Cornell University Press, 1999, s. 19–54 — Günəş tanrısının gecə səfəri və Duatın quruluşu.
۳. E. A. Wallis Budge, *The Gods of the Egyptians*, Vol. I–II, London, 1904 — Ra, Auf-Ra, Apophis və Misir kosmoqoniyası haqqında geniş məlumat.
۴. Jan Assmann, *Death and Salvation in Ancient Egypt*, Cornell University Press, 2005, s. 148–190 — Günəş tanrısının gecə dövrü və ölümlərin ruhlarının xilas.

Qeyd: Mətnin «ov/of» sözünün qədim türk mənşəli olub Misir mifologiyasındakı «Auf» anlayışı ilə eyni kökdən gəlməsi, eləcə də Misir mifologiyasının Azərbaycan və Qafqaz mənşəli olması barədə fikirlər müəllifin elmi hipotezidir. Bu mülahizələr müasir beynəlxalq misirşünaslıq və tarixi dilçilikdə ümumi qəbul olunmuş nəzəriyyə hesab edilmir və bu səbəbdən məqalədə müəllif baxışı kimi təqdim olunur.

Bu mifoloji model qədim Misir kosmoqoniyasında ölüm və dirilmə ideyasının əsas ifadələrindən biri hesab edilir. Müəllifin qənaətinə görə, Auf obrazının yeraltı aləm, ölüm və yenidən doğuluş anlayışları ilə əlaqələndirilməsi, ov/of komponentinin yalnız məişət leksikası deyil, eyni zamanda qədim mifoloji terminologiya ilə bağlı ola biləcəyini ehtimal etməyə imkan verir.

Burada vurğulamaq lazımdır ki, ov/of ilə Misir mifologiyasındakı Auf arasında birbaşa etimoloji əlaqə bu gün elmi ədəbiyyatda ümumi qəbul edilmiş fakt deyildir. Müəllif tərəfindən irəli sürülən bu yanaşma fonetik uyğunluq, semantik oxşarlıq və müqayisəli mifoloji materiallar əsasında formalaşdırılmış elmi hipotez kimi qiymətləndirilməlidir.

Balov/Bəlov adı üzərində aparılan araşdırmaların davamı zamanı bu adın izlərinə Mesopotamiya mif və əfsanələrində, xüsusilə də Şumer mifologiyasında rast gəlmək mümkündür. Böyük ehtimalla, bu kəndin adı Şumer mifologiyasında Etananın (Etana) oğlu və varisi olan Balih (Balih) adı ilə əlaqədardır. Başqa sözlə, bu kəndin adı həmin Şumer hökmdarının adını yaşadan və əks etdirən bir toponim ola bilər.

Qədim mifologiya və inanclar ensiklopediyasının müəllifi Qulamrza Məsuminin verdiyi məlumatlara görə, Balih (Balih) Etananın oğludur və onun varisi hesab edilir. O, Şumer hökmdarları siyahısında Böyük Daşqından sonra Kiş şəhərinin hökmdarı olmuşdur. Rəvayətə görə, onun övladı olmurdu. Günəş tanrısı Şamaş ona övlad sahibi olmaq üçün «Doğuluş bitkisi»ni tapmağı tövsiyə edir və bildirir ki, bu məqsədlə bir qartalın köməyindən istifadə etməlidir. Həmin qartal «Doğuluş bitkisi»nə aparan yolu Etanaya göstərə biləcək yeganə varlıq idi. Buna görə də Balih Etananın oğlu kimi təqdim edildiyindən, məntiqi olaraq belə nəticəyə gəlmək olar ki, Etana nəhayət «Doğuluş bitkisi»ni tapmağa nail olmuşdur.¹¹

Yuxarıda təqdim olunan məlumatlar və istifadə edilmiş mənbələr əsasında müəllif belə bir nəticəyə gəlir ki, Urmiya şəhərinə tabe olan Balu (Balo) kənd adının etimologiyası, Böyük Azərbaycanın hüduqları daxilində Qafqazdan başlayaraq indiki Şimali Suriyaya qədər uzanan geniş coğrafiyada yaşamış Finiki, Kən`ani və Uqarit türklərinin (Fin–Uqur qolu) mifoloji ənənələri və dini inancları ilə sıx bağlıdır.

Bu yanaşma müəllifin daha geniş hipotezi ilə də uzlaşır. Həmin hipotezə görə, qədim Finikiya, Kən`an (Kün`an) və Uqarit xalqlarının etnik və mədəni kökləri Böyük Azərbaycanın qədim əhalisi ilə bağlı olmuş, sonrakı miqrasiya prosesləri nəticəsində onların dini-mifoloji təsəvvürləri və teonimləri Aralıq dənizi hövzəsinə, o cümlədən Şimali Suriya, Fələstin, Livan, İordaniya və Misirə yayılmışdır. Örnək üçün miqrasiya sonrası, Finikilərə məxsus mifoloji təsəvvürlər və tanrılar, o cümlədən Bəəl (Bə`əl) və Ov /Of kultu digər xalqlar arasında, o cümlədən Misirdə də yayılmışdır.

Bununla yanaşı vurğulanmalıdır ki, burada təqdim olunan etimoloji rekonstruksiyalar, tarixi-mədəni əlaqələr və miqrasiya modeli müqayisəli etimoloji, tarixi və mifoloji təhlillərə əsaslanan müəllif hipotezidir. Bu yanaşma hazırda beynəlxalq tarixşünaslıq, tarixi dilçilik, dinlər tarixi və toponimika sahələrində ümumi qəbul olunmuş nəzəriyyə hesab edilmir və onun elmi etibarlılığı gələcək arxeoloji, epigrafiq, tarixi-lingvistik və müqayisəli toponimik tədqiqatlarla əlavə şəkildə yoxlanılmalıdır.

Müəllif hesab edir ki, Bəəl (Bə'əl) teoniminin mifoloji quruluşunu Bə.El (Bə + El) forması əsasında rekonstruksiya etmək mümkündür. Burada Əl (El) və İl (İL) komponentləri qədim El tanrısının fonetik variantları hesab edilir.

Müəllifin fikrincə, Bə / Ba komponenti isə insanın iki ruhundan birinin adı olmuşdur. Bu ruh insan öldükdə bədəni tərk edir, lakin sonradan yenidən qayıdaraq bədənə birləşir. Qədim Misir mifologiyasında həmin ruh insan başlı quş şəklində təsvir edilirdi.

Bu baxımdan müəllif belə bir nəticəyə gəlir ki, Azərbaycandan köçmüş Finiki cəmiyyətinin tanrısının Bəəl (Bə.El) və ya Ba.El adı semantik baxımdan «Bə (Ba) ruhunun tanrısı», "Ruh tanrısı" mənasını ifadə edə bilər.

Qədim xalqların mifoloji dünyagörüşündə insan ruhu çox vaxt quş obrazı ilə təsəvvür edilmişdir. Ölüm anında ruhun bədəni tərk edərək quş kimi göyə uçması ideyası Misir, Mesopotamiya və digər qədim Yaxın Şərq mədəniyyətlərinin mifoloji ənənələrində geniş yayılmışdır. Xüsusilə qədim Misir dini təsəvvürlərində insanın Ba adlanan ruhu insan başlı quş şəklində təsvir edilir. Bu ruhun ölüm zamanı bədəni tərk etdiyi, lakin sonradan yenidən öz cisminə qayıtdığı qəbul olunurdu. Beləliklə, Ba ruhu mifoloji baxımdan həm də «Ba quşu» kimi xarakterizə edilə bilər.

Müəllifin hipotezinə görə, bu mifoloji təsəvvür qədim Finikiya teonimi olan Bəəl (Ba'al) adının alternativ semantik şərhlərindən birinin formalaşdırılmasına da imkan verir. Əgər Ba komponenti ruhu ifadə edən mifoloji anlayış kimi qəbul edilərsə, onda Ba.el (Bəəl) adının semantik quruluşu «Ba ruhunun tanrısı» və ya «Ba ruhu ilə bağlı ilahi varlıq» kimi yozula bilər. Bu yanaşma çərçivəsində müəllif şərti olaraq «Ba quşu» və ya «Bə quşu» ifadələrinin də həmin mifoloji kompleks daxilində qiymətləndirilə biləcəyini ehtimal edir.

Müəllif daha sonra diqqəti Azərbaycan və Oğuz türkcəsində işlənən bayquş (bəzi dialektlərdə bəyquş) zooniminə yönəldir. Onun hipotezinə görə, bu sözün ilkin semantik qatlarında «Ba quşu» və ya «Bə quşu» tipli arxaik mifoloji təsəvvürlərin izləri qorunmuş ola bilər. Əgər bu ehtimal gələcək müqayisəli tarixi-lingvistik tədqiqatlarla təsdiqini tapsa, onda Azərbaycan və digər türk xalqlarının folklorunda bayquşun ölüm, tənhalıq, uğursuzluq və nəhsliklə əlaqələndirilməsi də həmin qədim mifoloji ənənələrin uzaq əks-sədası kimi izah edilə bilər.

Bununla belə, vurğulanmalıdır ki, Ba, Bəəl (Bə'əl) və bayquş sözləri arasında burada irəli sürülən əlaqələr müəllif tərəfindən fonetik yaxınlıq, müqayisəli mifoloji material və semantik paralellər əsasında irəli sürülmüş elmi hipotezdir. Hazırda bu etimoloji izah beynəlxalq tarixi dilçilik, misirşünaslıq və semitologiyada ümumi qəbul edilmiş nəzəriyyə hesab olunmur və

gələcək müqayisəli etimoloji, tarixi-lingvistik və mifoloji tədqiqatlarla əlavə şəkildə yoxlanılmalıdır.

Müəllifin qənaətinə görə, Urmiya şəhərinin Balov kənd adının birinci komponenti olan Bal sözü, qədim Finikiya mifologiyasında mövcud olmuş Bəəl (Bə.El), Ba.El, Ba.İl və ya Bayıl (Ba.il) teoniminin fonetik baxımdan sadələşmiş və qısalmış forması kimi izah edilə bilər.

Müəllifin hipotezinə əsasən, Bəəl (Bə'əl) teoniminin «Bə + El» (və ya «Ba + El») modeli əsasında rekonstruksiya edilməsi müqayisəli etimoloji və mifoloji təhlilə söykənən müəllif yanaşmasıdır. Bu etimoloji rekonstruksiya hazırda beynəlxalq tarixşünaslıq, tarixi dilçilik və dinlər tarixi üzrə elmi ədəbiyyatda ümumi qəbul olunmuş nəzəriyyə hesab edilmir və müəllif tərəfindən irəli sürülmüş elmi hipotez kimi qiymətləndirilməlidir.

Müəllif tərəfindən irəli sürülən, Bəəl teoniminin və onunla bağlı mifoloji ənənənin Azərbaycandan Şimali Suriyaya, Fələstinə, İordaniyaya və digər Yaxın Şərq bölgələrinə yayılması, eləcə də Finikiya, Uqarit və Kənan xalqlarının türksöylü və ya türk kökənli etnik birliklərlə və Azərbaycanla bağlı olması haqqında hipotezin müqayisəli əsaslandırılması məqsədilə diqqətə çatdırılır ki, bu gün də Azərbaycanın paytaxtı Bakı şəhərində Bayıl adı ilə tanınan qədim tarixi yaşayış sahəsi mövcuddur. Bayıl həm tarixi məhəllə, həm də Bakı şəhərinin Səbail rayonunun tərkib hissəsi kimi günümüzədək öz adını qoruyub saxlamışdır. Xəzər dənizinin sahilində yerləşən həmin ərazinin bir hissəsi Bayıl burnu, burada yerləşən tarixi qala isə Bayıl qalası adı ilə tanınır.

Müəllifin fikrincə, Urmiya bölgəsindəki Balov toponiminin Bal komponenti də həmin qədim teonimin fonetik baxımdan sadələşmiş forması kimi qiymətləndirilə bilər. Bu hipotezin müqayisəli dəlillərindən biri kimi Bakının tarixi Bayıl (Bail) toponimi də diqqətə cəlb edilir. Müəllif hesab edir ki, Bayıl adı da eyni mifoloji-semantik sistem çərçivəsində araşdırıla bilər və bu baxımdan Azərbaycan ərazisində Ba–El modelinin arxaik izlərini qoruyub saxlamış toponimlərdən biri hesab edilə bilər.

Bu yanaşma müəllifin daha geniş konseptual hipotezi ilə də uzlaşır. Həmin hipotezə görə, qədim Finikiya, Kənan və Uqarit xalqlarının etnik və mədəni kökləri Böyük Azərbaycanın qədim əhalisi ilə bağlı olmuş, sonrakı miqrasiya prosesləri nəticəsində onların dini-mifoloji təsəvvürləri, teonimləri və kult ənənələri Aralıq dənizi hövzəsinə, o cümlədən Şimali Suriya, Fələstin, Livan, İordaniya və Misirə yayılmışdır. Müəllifin qənaətinə görə, Bəəl teonimi və onunla bağlı mifoloji ənənə də həmin mədəni-dini yayılma prosesinin tərkib hissəsi kimi qiymətləndirilə bilər.

Müəllifin fikrincə, Balov kənd adının ikinci komponentini isə qədim türk dillərində işlənmiş Ov, yaxud onun fonetik variantı olan Of təşkil edir. Bu komponent müəllif tərəfindən ölüm, yenidən doğuluş, yeraltı aləm, ölüb-dirilmə və dirilmə (qiyamət) anlayışları ilə əlaqələndirilir. Müəllifə görə, Urmiya şəhərinin Balov//Bəlov kənd adının mifoloji formalaşma prosesi aşağıdakı şəkildə izah oluna bilər:

Bə'al → Bəl → Bal + Of // Ov → Balov

Bə'al + Of → Bəlof → Bəlov → Balov

Müəllifin hipotezinə görə Urmiyanın Balov / Bəlov kəndinin adı, həmin Azərbaycan ərazisindən Aralıq dənizi hövzəsinə köçüb yayılan Finikilərin Bəəl (Bə'al) tanrısının adını daşıyır və oykonim, Bəəl (Bə'al) tanrının şərəfinə qoyulmuş addır.

BƏ'ƏL // BƏL = "Ba" ruhu tanrısı, "Ba" tanrı (ruh tanrısı) Finikilərin ən güclü və iqtidarlı tanrısı

OV// OF = ovlamaq, ovlanmaq, şikar olma ya etmək, ölmək, öldürmək, ruh və can vermək, ruh və can almaq, sönmək və söndürmək, yox olma, yoxluq

Bəəl (Bə'al) (teonim) +Ov (ölüm, fəna, ölü, yeraltı dünyası) > (ardıcıl gələn iki eyni saitedən birinin düşüşü ilə) Bəl+Ov > Bəlov

Bə'al (teonim)+Ov (ölüm, fəna, ölü, yeraltı dünya) > (ardıcıl gələn iki eyni saitedən birinin düşüşü ilə) Bal+Ov > Balov

Bu etimoloji izaha əsasən, Urmiya şəhərinin Balov kənd adı aşağıdakı mənaları ifadə edə bilər: «Ölüm anındakı Bə (Ba) ruhunun tanrısı», «Yeraltı aləmdə Bə (Ba) ruhunun ilahəsi (və ya tanrısı)», «Dirilmə (qiyamət) günündə Bə (Ba) ruhunun tanrısı», yaxud bunlara semantik baxımdan yaxın olan digər mifoloji mənalar.

Bu etimoloji izaha əsasən, Urmiya şəhərinin Balov kənd adı aşağıdakı mənaları ifadə edə bilər: «Ölüm anındakı Bə (Ba) ruhunun tanrısı», «Yeraltı aləmdə Bə (Ba) ruhunun ilahəsi (və ya tanrısı)», «Dirilmə (qiyamət) günündə Bə (Ba) ruhunun tanrısı», «Yeraltı aləmin və ölümlərin tanrısı» yaxud bunlara semantik baxımdan yaxın olan digər mifoloji mənalar.

Qeyd edilməlidir ki, təqdim olunan etimoloji və mifoloji izahlar müəllif tərəfindən irəli sürülmüş müqayisəli-tarixi, etimoloji və mifoloji təhlillərə əsaslanan elmi hipotezdir.

Bu yanaşma hazırda beynəlxalq tarixşünaslıq, tarixi dilçilik, toponimika və qədim Yaxın Şərq tədqiqatlarında ümumi qəbul edilmiş nəzəriyyə hesab edilmir və gələcək arxeoloji, epigrafiq, tarixi-lingvistik və müqayisəli toponimik araşdırmalarla əlavə şəkildə yoxlanılmağa ehtiyac duyur.

Həmid Şəfei («Balovlu Miskin» kitabının iki müəllifindən biri) adı çəkilən əsərin 22-ci səhifəsində Balu kəndinin qədimliyi haqqında yazır:

«Əgər qəbul etsək ki, türk tayfa və qəbilələrinin bir hissəsi e.ə. 4500–5000-ci illərdə Orta Asiya və Türküstandan Azərbaycana köç etmiş, daha sonra isə Azərbaycandan Mesopotamiyaya və İranın qərb və cənub bölgələrinə yayılmışdır, onda "Balovu" və "Bəlovu" adlarının da həmin türk mənşəli xalqlarla bağlı olduğu qənaətinə gəlmək mümkündür.»¹²

Kəndin qədimliyi barədə Urmiya internet jurnalının saytında da aşağıdakı məlumat verilmişdir:

«Balov kəndinin ərazisində aşkar edilmiş saxsı qab qalıqlarına əsasən, bu yaşayış məntəqəsinin tarixi e.ə. V minillikdən e.ə. I minilliyə qədər uzanır. Burada aşkar olunmuş digər tarixi tapıntılardan biri Parfiya dövrünə aid sikkədir. Aparılmış tədqiqatlar nəticəsində həmin sikkənin Parfiya hökmdarlarından VI Mitridatın dövrünə aid olduğu müəyyən edilmişdir.»¹³

Qeyd edilməlidir ki, adı çəkilən məqalənin müəllifi bu məsələ ilə bağlı irəli sürdüyü mülahizələr üçün heç bir elmi istinad və ya mənbə göstərməmişdir. Buna görə də onun hansı mənbələrə əsaslandığı məlum deyildir.

Elmi təsdiq:

Bu hissədə müəllifin irəli sürdüyü bəzi fikirlər qədim Yaxın Şərq mifologiyası və arxeologiyasına dair mənbələrlə qismən uyğunluq təşkil etsə də, bir sıra nəticələr müəllifin öz elmi hipotezidir.

Etana və Balih haqqında:

Jeremy A. Black, Anthony Green, Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia, British Museum Press, 1992, s. 74–76 — Etana əfsanəsi və onun Şumer ənənəsindəki yeri.

Samuel Noah Kramer, The Sumerians: Their History, Culture and Character, University of Chicago Press, 1963, s. 328–331 — Etana əfsanəsi və Şumer hökmdarları.

Thorkild Jacobsen, The Sumerian King List, University of Chicago Press, 1939 — Kış hökmdarları və Etana haqqında əsas mənbələr.

Balu/Balo/Balov/Bəlov kəndinin qədimliyi haqqında:

Ərazidə e.ə. V–I minilliklərə aid keramika nümunələrinin aşkar edilməsi və Parfiya dövrünə aid sikkələrin tapılması yaşayış yerinin qədim tarixə malik olduğunu göstərə bilər. Lakin kənd adının həmin dövrdən dəyişmədən qorunub saxlanıldığını sübut etmək üçün əlavə arxeoloji, epigrafiq və tarixi-lingvistik dəlillərə ehtiyac vardır.

Tanınmış mifoloq və dinşünas Richard Cavendish özünün «The Myths of the World's Religions» (Dünyanın məşhur mifləri və dinləri) adlı əsərində Şimali Suriyanın Uqarit

bölgəsində yaşamış Kən'an lılar haqqında yazır ki, Uqarit dini-siyasi mərkəz hesab olunurdu və təxminən e.ə. 1500–1000-ci illər arasında xüsusi inkişaf və çiçəklənmə dövrü keçirmişdir. Həmin ərazidə aşkar edilmiş çoxsaylı, lakin zədələnmiş və qırılmış mixi yazılı lövhələrdə Baal (Baal) yağış, məhsuldarlıq və buludlar üzərində hökmranlıq edən tanrı kimi təənnüm olunur. Mətnlərdə onun adı əksər hallarda Hadad (Hadad), yəni tufan tanrısı şəklində qeyd edilmişdir.¹⁴ L. Delaporte isə «Assur və Babil mifologiyası» adlı əsərinin Finikiya mifologiyasına həsr olunmuş hissəsində yazır:

«Hazırda Finikiyalılara dair əsas mənbələrimiz dörd qrup yazılı abidədən ibarətdir. Bunların ən qədimləri Qədim Misir dövlətçiliyinin ilk dövrlərinə, yəni e.ə. III minilliyin əvvəllərinə aiddir.»¹⁵

Richard Cavendish və L. Delaportun Finikiyalıların, Kən'an lıların və Uqartlilərin qədimliyi haqqında irəli sürdükləri fikirlər nəzərə alındıqda, Həmid Şafeinin və Urmiya internet jurnalının Balov kəndinin qədimliyi barədə verdikləri qiymətləndirmənin mübalighəli olmadığı, əksinə, kəndin həqiqi qədimliyini tam əks etdirmədiyi qənaətinə gəlmək olar. Çünki müəllifin fikrincə, Balu kəndinin yaranması e.ə. III minilliyin başlanğıcından da əvvəlki dövrlərə, yəni beş min ildən daha qədim tarixə gedib çıxır.

Kəndin tarixinin beş min ildən artıq olması ilə bağlı iddiaya gəldikdə isə qeyd edilməlidir ki, bu tarix Cübeyl (Byblos) və Fələstin ərazilərində aşkar edilmiş arxeoloji tapıntılarla uyğunluq təşkil edə bilər. Halbuki müəllifin qənaətinə görə, Finikiya–Kən'an (Kün'an) –Uqarit türkləri bu tarixdən də çox əvvəl Böyük Azərbaycanın müxtəlif bölgələrində – Qafqazdan Zaqros dağlarının ətəklərində, Şimali Suriyaya, Şərqi Anadoludan Şimali İraqa qədər geniş ərazilərdə məskunlaşmış, sonradan isə Aralıq dənizi sahillərinə (Livan, Fələstin, İsrail və İordaniya), eləcə də Şimali Afrika və Misirə köç etmişlər.

Elmi təsdiq : Mətnin son hissəsində istifadə olunan bəzi tarixi və mifoloji məlumatlar aşağıdakı elmi mənbələrlə qismən uyğunluq təşkil edir:

Richard Cavendish, *The Myths of the World's Religions*, London: Orbis Publishing, 1984, s. 78–85 — Uqarit, Baal və Hadad kultu haqqında.

L. Delaporte, *Mesopotamian Mythology* (ingilis tərcüməsi) və ya fransızca *La Mésopotamie*, Finikiya mifologiyasına dair bölmə — Qədim Finikiyaya aid yazılı mənbələrin qədimliyi haqqında.

Mark S. Smith, *The Ugaritic Baal Cycle*, Vol. I–II, Brill, 1994–2009 — Baal kultunun Uqartidəki tarixi və dini funksiyaları.

Glenn E. Markoe, Phoenicians, University of California Press, 2000, s. 25–68 — Finikiyalıların mənşəyi, şəhərləri və erkən tarixi.

Maria Eugenia Aubet, The Phoenicians and the West, Cambridge University Press, 2001, s. 9–42 — Finikiyalıların formalaşması və Aralıq dənizi yayılması.

Müəllifin qənaətinə görə, Urmiya şəhərinin Balov / Bəlov kənd adının mifoloji formalaşma prosesi aşağıdakı şəkildə rekonstruksiya edilə bilər:

Ba'al (Bə'al) → Bal + Of / Ov → Balov

Bə'al + Of → Bəəlof → Bəlov (Bəəlov) → Balov

Bu etimoloji zəncirə əsasən, Balov / Bəlov adı hipotetik olaraq «Yeraltı dünyanın Günəş tanrısı» və ya «Yeraltı aləmin və ölümlərin tanrısı» mənasını ifadə edə bilər.

Qeyd: Balov / Bəlov adının «Yeraltı dünyanın Günəş tanrısı» və ya «Yeraltı aləmin və ölümlərin tanrısı» mənasını ifadə etməsi barədə irəli sürülən nəticə müəllifin müqayisəli etimoloji, mifoloji və tarixi təhlilləri əsasında formalaşdırılmış elmi hipotezdir. Bu yanaşma hazırda tarixi dilçilik, qədim Yaxın Şərq tədqiqatları və şərqşünaslıq sahəsində ümumi qəbul edilmiş və elmi konsensus qazanmış nəzəriyyə hesab edilmir. Buna görə də məqalədə təqdim olunan bu izah müəllif tərəfindən irəli sürülmüş tədqiqat hipotezi kimi qiymətləndirilməlidir.

Bu baxımdan müəllif hesab edir ki, Bal + ov (of) modeli yalnız fonetik birləşmə deyil, qədim dini-mifoloji təsəvvürlərin izlərini yaşıdan mürəkkəb toponimik konstruksiya ola bilər. Bələ olduqda Balo // Balov/Bəlov toponimi qədim mifoloji ənənələrdə ilahi qüvvə, ölüm, yeraltı aləm və yenidən doğuluş simvolikası ilə bağlı çoxqatlı semantik mənə daşıyan ad kimi nəzərdən keçirilə bilər. "Bu araşdırmada fonetik oxşarlıqlar müstəqil sübut kimi deyil, müqayisəli etimoloji və mifoloji təhlil üçün başlanğıc materialı kimi qiymətləndirilmişdir. Müəllifin irəli sürdüyü nəticələr mövcud mənbələrin müqayisəli təhlilinə əsaslanan elmi hipotez xarakteri daşıyır."

NƏTİCƏ :

Aparılmış müqayisəli-tarixi, etimoloji və mifoloji araşdırmalar göstərir ki, Urmiya bölgəsinin qədim yaşayış məntəqələrindən biri olan Balov // Bəlov kəndinin adı mürəkkəb tarixi və semantik quruluşa malik qədim toponimlər sırasına aid edilə bilər. Mövcud yazılı mənbələrin, qədim Yaxın Şərq mifoloji materiallarının və toponimik paralellərin müqayisəli təhlili göstərir ki, bu toponimin mənşəyinin yalnız bir dil faktoru ilə izah edilməsi kifayət etmir.

Məqalədə ilk növbədə Həmid Şafeinin irəli sürdüyü və Balov // Bəlov adını qədim türk dillərində "şəhər" mənasını bildirən Balıǵ/Baluǵ sözü ilə əlaqələndirən etimoloji yanaşma

nəzərdən keçirilmişdir. Bu izah qədim türk toponimiyası baxımından mühüm əhəmiyyət daşısa da, müəllif hesab edir ki, Balo // Balov toponiminin semantik yükü bununla məhdudlaşmır və onun daha qədim mifoloji qatları da mövcud ola bilər.

Müəllif tərəfindən irəli sürülən hipotezə görə, Bal/Bəl/Bəəl (Bə'əl) komponenti qədim Finikiya, Kən'an (Kün'an) və Uqarit dini sistemlərində mühüm yer tutan Bəəl (Bə'əl) teonimi ilə, ov/of komponenti isə qədim türk leksikası və müəllifin müqayisəli təhlilinə əsasən Misir mifologiyasında müşahidə olunan Auf anlayışı ilə əlaqəli şəkildə nəzərdən keçirilə bilər. Bu yanaşma fonetik oxşarlıqla yanaşı, semantik paralellər və mifoloji motivlərin müqayisəsi üzərində qurulmuşdur.

Araşdırmada Finikiya, Kən'an (Kün'an) , Uqarit, Şumer və Misir mifoloji mənbələrinin qarşılaşdırılması nəticəsində müəllif belə qənaətə gəlir ki, Balo // Balov toponimi qədim dini dünyagörüşünün izlərini qoruyub saxlamış arxaik adlardan biri ola bilər. Bununla belə, müəllif bu nəticələrin mütləq tarixi fakt kimi deyil, mövcud mənbələrin müqayisəli təhlili əsasında formalaşdırılmış elmi hipotez kimi qiymətləndirilməsinin daha doğru olduğunu vurğulayır.

Eyni zamanda, məqalədə qədim Azərbaycan ərazisinin Yaxın Şərqi muxtəlif mədəniyyətləri ilə əlaqələrinin toponimlər vasitəsilə araşdırılmasının gələcək tədqiqatlar üçün yeni istiqamətlər açdığı göstərilir. Müəllif hesab edir ki, qədim toponimlərin kompleks şəkildə öyrənilməsi Azərbaycan ərazisinin etnik, dini və mədəni tarixinin daha dərinəndən araşdırılmasına mühüm töhfə verə bilər.

Beləliklə, təqdim olunan araşdırma Balov // Bəlov toponiminin etimologiyasına dair yeni elmi hipotez irəli sürür və bu hipotezin gələcəkdə yeni arxeoloji tapıntılar, qədim yazılı mənbələr və müqayisəli dilçilik tədqiqatları ilə daha da dəqiqləşdirilə biləcəyini göstərir.

Elmi təsdiq və əlavə istinadlar :

۱. Baal (Bəəl (Bə'əl) /Bel) kultu haqqında:

Mark S. Smith. The Ugaritic Baal Cycle. Volume I: Introduction with Text, Translation and Commentary of KTU 1.1–1.2. Leiden: Brill, 1994, xüsusilə s. 1–40.

Uqarit mifologiyasında Baalın baş tanrı, tufan və məhsuldarlıq tanrısı olması geniş şəkildə izah edilir.

Mark S. Smith. The Early History of God: Yahweh and the Other Deities in Ancient Israel. Grand Rapids: Eerdmans, 2002, s. 81–110.

Baalın Kən'an (Kün'an) -Uqarit dini sistemində mövqeyi elmi şəkildə araşdırılır.

۲. Finikiyalılar və Ba'lu (Bəlu) adı :

Sabatino Moscati. The Phoenicians. London: Weidenfeld and Nicolson, 1968, s. 45–56; 95–101.

Esarhaddon dövründə Sur (Tyre) hökmdarları və Ba'lu adlı hökmdar haqqında məlumat verilir. J. B. Pritchard (ed.). Ancient Near Eastern Texts Relating to the Old Testament (ANET). Princeton University Press, 1969, s. 291–294.

Esarhaddonun salnamələrində Ba'lu (Baal I) adlı Sur (Tir) hökmdarının adı çəkilir.

۳. Assuriya mənbələri :

A. Kirk Grayson. Assyrian Rulers of the Early First Millennium BC II (858–745 BC). University of Toronto Press, 1996.

Simo Parpola. The Correspondence of Sargon II. Helsinki University Press.

Assuriya mənbələrində Finikiya hökmdarlarının adları haqqında qiymətli məlumatlar vardır.

۴. Baal /Bəəl (Bə'əl) sözünün mənası :

The Encyclopedia of Religion. Edited by Mircea Eliade. Macmillan, 1987. "Baal" maddəsi. The Anchor Bible Dictionary. Vol. I. New York: Doubleday, 1992. "Baal", s. 545–549.

ELMİ TƏSDİQ VƏ PERSPEKTİVLƏR

Bu araşdırmada irəli sürülən etimoloji və mifoloji mülahizələr əsasən qədim yazılı mənbələrin, müasir elmi ədəbiyyatın və müqayisəli-tarixi metodun tətbiqi əsasında hazırlanmışdır. Müəllif tərəfindən təqdim olunan bəzi nəticələr mövcud elmi ədəbiyyatda ümumi qəbul edilmiş mövqelərlə üst-üstə düşməyə bilər və bu baxımdan onlar müəllif hipotezi kimi qiymətləndirilməlidir. Bununla belə, qədim Yaxın Şərq xalqları arasında mədəni və dini qarşılıqlı təsirlərin mövcudluğu elmi ədəbiyyatda geniş şəkildə qəbul olunduğundan, təqdim olunan müqayisəli materiallar Balu // Balov toponiminin mənşəyinin gələcək tədqiqatlar üçün yeni istiqamətlər açdığını göstərir. son

Yazar: Fərhad Cavadi Yekan Sədi (Abdulla oğlu) /Urmiya 2020/8/24
ferhadcavadiyekansadi@gmail.com ferhadcavadi@yahoo.com

ƏDƏBİYYAT I. (İSTİFADƏ OLUNMUŞ ƏSAS MƏNBƏLƏR) :

۱. Şafei, Həmid; Ayrımlı, Camal. Balovlu Miskin. Urmiya, s. 21.
۲. Şafei, Həmid; Ayrımlı, Camal. Balovlu Miskin. Urmiya, s. 22.
۳. Urmiya İnternet Jurnalı. «Balov kəndi» haqqında məqalə. (Elektron mənbə).
۴. Moscati, Sabatino. Finikiyalılar. Fars dilinə tərcümə: Rükəyyə Behzadi. Tehran: Nəşr-e Pəjuhəndə, 1378, s. 42.

۵. Behzadi, Rūqəyyə. Qafqaz, Zaqafqaziya və Mesopotamiyanın qədim xalqları. Tehran: Nəşr-e Ney, 1382, s. 271.
۶. Guiran, F.; Lacau, G.; Delaporte, L. Assur və Babil mifologiyası lüğəti. Fars dilinə tərcümə: Əbülqasım İsmayılpur. Tehran: Fəkr-e Ruz Nəşriyyatı, 1375, s. 156–157.
۷. Doty, William (red.). Dünya mifologiyası. Fars dilinə tərcümə: Əbülqasım İsmayılpur. Tehran: Əsturə Nəşriyyatı, 1392, s. 31.
۸. Məsumi, Qulamrza. Dünya qədim mifologiyası və ayinləri ensiklopediyası. III cild. Tehran: Sure-ye Mehr, 1388, s. 1191.
۹. Ions, Veronica. Misir mifologiyası. Fars dilinə tərcümə: Bacalan Fərruxi. II nəşr. Tehran: Əsatir Nəşriyyatı, 1385, s. 14.
10. Ions, Veronica. Misir mifologiyası. Fars dilinə tərcümə: Bacalan Fərruxi. II nəşr. Tehran: Əsatir Nəşriyyatı, 1385, s. 60–61.
11. Məsumi, Qulamrza. Dünya qədim mifologiyası və ayinləri ensiklopediyası. III cild. Tehran: Sure-ye Mehr, 1388, s. 1191.
۱۲. Şəfii, Həmid; Ayrımlı, Camal. Balovolu Miskin. Urmiya, s. 22.
۱۳. Urmiya İnternet Jurnalı. «Balu kəndinin tarixi» haqqında material. (Elektron mənbə).
۱۴. Cavendish, Richard. Dünya mifologiyası və dinləri. Fars dilinə tərcümə: R. Behzadi. Tehran: Elm Nəşriyyatı, II nəşr, 1390, s. 119.
۱۵. Guiran, F.; Lacau, G.; Delaporte, L. Assur və Babil mifologiyası lüğəti. Fars dilinə tərcümə: Əbülqasım İsmayılpur. Tehran: Fəkr-e Ruz Nəşriyyatı, 1375, s. 151.

ƏDƏBİYYAT II. (Mövzunun nəzəri əsaslandırılması üçün əlavə elmi ədəbiyyat) :

- .Black, J.; Green, A. , Gods, Demons and Symbols of Ancient Mesopotamia. London: British Museum Press, 1992.
- .Bottéro, J. Religion in Ancient Mesopotamia. Chicago: University of Chicago Press, 2001.
- .Dalley, S. Myths from Mesopotamia: Creation, the Flood, Gilgamesh and Others. Oxford: Oxford University Press, 2008.
- .Eliade, M. A History of Religious Ideas. Vols. I–III. Chicago: University of Chicago Press.
- .Hornung, E. Conceptions of God in Ancient Egypt: The One and the Many. Ithaca: Cornell University Press, 1982.
- .Jacobsen, T. The Treasures of Darkness: A History of Mesopotamian Religion. New Haven: Yale University Press, 1976.
- .Leick, G. A Dictionary of Ancient Near Eastern Mythology. London: Routledge, 1998.

.Lipiński, E. The Aramaeans: Their Ancient History, Culture, Religion. Leuven: Peeters Publishers, 2000.

.Markoe, G. Phoenicians. London: British Museum Press, 2000.

.Moscatti, S. The World of the Phoenicians. London: Weidenfeld and Nicolson, 1968.

ƏDƏBİYYAT III. Mənbələrin latın qrafikalı transliterasiyası (farsdilli nəşrlər) :

.Shafii, Hamid; Ayrimi, Jamal. Balovolu Miskin. Urmia.

.Moscatti, Sabatino. Feniқиhā. Tarjome-ye Roqayyeh Behzadi. Tehran: Nashr-e Pazhuhandeh, 1378.

.Behzadi, Roqayyeh. Qowmhā-ye Kohan dar Qafqāz, Māvārā-ye Qafqāz va Beyn al-Nahrayn. Tehran: Nashr-e Ney, 1382.

.Guiran, F.; Lacau, G.; Delaporte, L. Farhang-e Asātir-e Āshur va Bābel. Tarjome-ye Abolqasem Esmailpour. Tehran: Fekr-e Rooz, 1375.

.Dotty, William G. (ed.). Asātir-e Jahān. Tarjome-ye Abolqasem Esmailpour. Tehran: Asatir, 1392.

.Masoumi, Gholamreza. Dāyerat al-Ma'āref-e Asātir va Āyin-hā-ye Bāstāni-ye Jahān. Vol. III. Tehran: Sure-ye Mehr, 1388.

.Ions, Veronica. Asātir-e Mesr. Tarjome-ye Bajelan Farrukhi. Tehran: Asatir, 1385.

.Cavendish, Richard. Asātir va Adyān-e Mashhur-e Jahān. Tarjome-ye Roqayyeh Behzadi. Tehran: Elm, 1390.